

# برخورد بانهدت و پاسخهای ما

پاسخ  
به حملات وسیع و گسترده  
علیه  
نهدت آزادی ایران

بیامون نامه سرگشاده به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی

نهدت آزادی ایران  
آبانماه ۶۱

نامه سرگشاده  
نهدت آزادی ایران

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی

نهدت آزادی ایران  
بهار ۶۲

## نشریات جدید نهضت آزادی

- ۱- بررسی قانون اراضی شهری  
۸۰ صفحه - ۵۰ ریال
- ۲- نگاهی به اوضاع لبنان  
۸۴ صفحه - ۸۰ ریال
- ۳- یادنامه بیستمین سالگرد نهضت آزادی ایران  
۱۳۷ صفحه - ۱۵۰ ریال
- ۴- شانزده آذر  
بقلم سردار رشید اسلام دکتر مصطفی چمران  
۲۴ صفحه - ۴۰ ریال
- ۵- زندگینامه سردار رشید اسلام شهید دکتر مصطفی چمران  
۴۳ صفحه - ۵۰ ریال
- ۶- شورای انقلاب و دولت موقت  
۸۰ صفحه - ۸۰ ریال
- ۷- تحلیلی درباره بازرگانی خارجی  
۳۰ صفحه - ۳۵ ریال

نشریاتی که توسط نهضت آزادی ایران توزیع میشود:

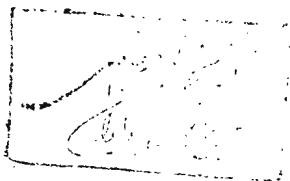
- ۱- گزارشی از لبنان  
نامه دکتر مصطفی چمران به مهندس بازرگان  
شرکت سهامی انتشار - ۴۷ صفحه - ۴۰ ریال
- ۲- بازیابی ارزشها  
بقلم مهندس بازرگان  
جلد اول ۱۶۰ صفحه - ۱۰۰ ریال
- ۳- بازیابی ارزشها  
بقلم مهندس بازرگان  
جلد دوم ۲۳۰ صفحه - ۱۸۰ ریال
- ۴- مسائل و مشکلات اولین سال انقلاب  
از زبان مهندس بازرگان - ۳۹۴ صفحه - ۴۸۰ ریال

برای تهیه این کتابها و دیگر نشریات ما میتوانید وجه آنرا به حساب ۱۱۵۹۹ بانک ملی شعبه مبارزان واریز کرده و رسید آنرا با اسم نشریات درخواستی به آدرس زیر بفرستید:

تهران، خیابان استاد مطهری - نرسیده به چهارراه مبارزان - پلاک ۲۳۴ و یا صندوق پستی ۴۱/۱۵۱۹

قیمت ۱۲۰ ریال

# برخورد با نهضت و پاسخهای ما



---

برخورد با نهضت و پاسخهای ما

ناشر : نهضت آزادی ایران

چاپ و ، تیراژ ۱۰/۰۰۰ جلد

زمستان ۱۳۶۱

کلیه حقوق طبع محفوظ است . نقل از مندرجات فقط با ذکر نام ماخذ مجاز  
میباشد .

---

## مقدمه

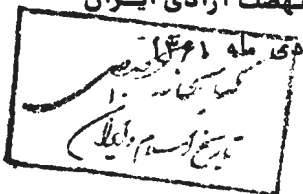
### بسمه تعالی

خواننده عزیز:

بطوریکه میدانید متعاقب بیانات حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در خطبه نماز جمعه ۶ شهریور ماه در رابطه با نهضت آزادی ایران، نهضت در تاریخ ۲۵ شهریور ماه طی نامه سرگشاده شماره ۲۱/۴/۲۳۱ بعنوان ایشان به وظیفه اسلامی امر بمعروف و نهی از منکر خود عمل کرد. حدود یکماه بعد از انتشار این نامه حملات وسیعی در سخنرانیهای پیش از دستور مجلس شورای اسلامی، نمازهای جمعه، مطبوعات و رادیو و تلویزیون علیه نهضت آغاز گشت. ما در آن موقع سکوت کردیم تا آنچه دل تنگ این معترضین میخواهد بگویند. در اواخر آبان ماه نشریه‌ای تهیه گشت و در آن به اهم ایرادات و اتهامات وارده پاسخ داده شد و نیز برای مقابله با جو فحاشی و تهمت و اشاعه اکاذیب و سالم ساختن فضای جامعه اسلامی به مقامات قضائی براساس قانون شکایت برده‌ایم که امیدواریم با توجه به پیام ۸ ماده‌ای اخیر امام مقامات قضائی اقدام قانونی لازم را بعمل آورند.

استقبال مردم از این دو نشریه ما را بر آن داشت که مجموعه کنونی را تهیه و در اختیار عموم قرار دهیم. انتظار ما اینستکه با دریافت نظرات اصلاحی و انتقادی شما بتوانیم بیش از پیش به وظائف خطیر اسلامی خود در این مرحله از انقلاب عمل کنیم. و من الله التوفیق و علیه التکلان.

نهضت آزادی ایران



---

## فهرست مندرجات

قسمت اول : نامه سرگشاده به جناب حجت الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی	
امام جمعه موقت تهران مورخه ۶۱/۶/۲۵	۷
قسمت دوم : پاسخ به حملات وسیع و گسترده علیه نهضت آزادی ایران -	
مورخه آبان ۶۱ شامل مطالب زیر :	۱۷
۱ - مطرح بودن	۲۳
۲ - در باره مسئله کردستان	۲۵
۳ - هیئت ویژه برای عمران کردستان	۳۱
۴ - در مورد ولایت فقیه و مجلس خبرگان	۳۳
۵ - در باره ملی بودن انقلاب اسلامی ایران	۳۸
۶ - در مورد گردهمایی اسفند ۵۷ در احمدآباد	۴۱
۷ - در مورد کمک به کمیته امداد امام و شهداء انقلاب	۴۲
۸ - مقرری ورثه مرحوم شهید دکتر سید حسین فاطمی	۴۷
۹ - سابقه مبارزات نهضت آزادی	۴۸
۱۰ - سخنرانی مهندس بازرگان در دارالتبلیغ قم	۶۴
۱۱ - تاسیس سازمان حقوق بشر	۶۵
۱۲ - اعدام هویدای خائن	۶۶
۱۳ - مکاتبه با آمریکاها	۶۸
۱۴ - خوشحالی دشمنان	۶۹

---

۷۱	۱۵ - " ملا مهندس بازرگان "
۷۵	۱۶ - چماق آمریکا
۸۰	۱۷ - مسائل اصلی و طرح انتقادات
۸۱	۱۸ - همکاری با بنی صدر
۸۲	۱۹ - سرنوشت پولها و طلاها و مخارج نهضت
۸۴	۲۰ - تاریکی آینده
۸۵	۲۱ - بیان مطالب در روزنامه و رادیو
۸۷	۲۲ - نهضت آزادی و اسلامی شدن جامعه
۸۸	۲۳ - استفاده از ماشین ضد گلوله
۹۰	۲۴ - عطش قدرت و حکومت
۹۱	۲۵ - استعفای دولت موقت و ازدواج دوم
۹۲	۲۶ - لاکراه فی الدین
۹۷	۲۷ - شرکت در نمازهای جمعه
۹۸	۲۸ - خدمات و اشتباهات دولت موقت
۱۰۳	۲۹ - محکومیت مشی براندازی
۱۰۵	۳۰ - سئوالات بدون جواب
۱۰۹	قسمت سوم : فهرست مآخذ





## بسمه تعالی

نامه سرگشاده به:

جناب حجت‌السلام آقای هاشمی رفسنجانی امام جمعه موقت تهران  
با عرض سلام و دعا برای توفیق جنابعالی در راه حق لازم  
میدانیم اندکی از وقت شریفتان را برای شنیدن کلمه حقی گرفته،  
مقداری از مشکلات و مصائبی را که روزانه در میان مردم دیده و میشنویم  
با شما در میان بگذاریم تا شاید با کوشش همگان روزنه امیدی برای  
حل مشکلات ملت گشوده شود و ثوابی نصیب شما و ما گردد.  
اگر سخن ما را بی‌پرده می‌یابید هرگز گمان نبرید این صراحت  
از بیخبری ما از موقعیت، مقام و قدرت شما است. نقش شما را در  
اداره کشور بخوبی می‌بینیم و از اهمیت آن آگاهیم. ولی معتقدیم که  
اگر علی (ع) امت اسلامی را بگفتن حق و مشورت بعدل بزماداری  
چون خودش دعوت میکرد و دلیل این دعوت را بالاتر نبودن خود  
از ارتکاب خطا (مگر از طریق عصمت) می‌شمرد (۱) دستگاه حاکم نیز  
که مدعی بر پا ساختن حکومت عدل علی (ع) است، از شنیدن کلمه  
حق بی‌نیاز نمیتواند باشد.

شاید محتاج بتذکر نباشد که گفتن این کلمه از طرف ما من باب  
وظیفه شرعی و اجتماعی روی دلسوزی برای ایران و اسلام و انقلاب  
و جمهوری اسلامی بوده قصد تضعیف فرد یا گروه و حمله به شخص  
یا اشخاصی را نداریم. معتقد نیز نیستیم که انتقاد و امر ببحررف یا  
بیان نارسائیهها و نارضائیهها در یک کشور مستقل مستقر و در نظام

---

۱ - فلا تکفوا عن مقاله بحق او مشوره بعدل فانی لست فی  
نفسی بفوق ان اخطی ولا امن ذلک من فعلی - نهج البلاغه.

جمهوری اسلامی باعث تضعیف و تزلزل میگردد بلکه یگانه راه اصلاح و تقویت و بقا است.

شما خود در خطبه دوم نماز جمعه ششم شهریور ماه ضمن تحلیل واقعه شهادت برادران رجائی و باهنر بنقش مردم در سرنوشت حکومت‌ها اشاره کرده بحق بیان داشتید که:

" همه قبول دارند اگر مردم با آدم نباشند در یک محیط آزاد نمیشود حکومت کرد و بزور باید حکومت کرد "

ولی در قسمت دیگر آن سخنانی بر زبان آورده بهانه بدست بهانه‌گیران جهت تاخت و تاز بنهضت آزادی ایران دادید. مثلا درباره برخی از سران نهضت گفتید که بدلیل اجتماع مردم در سخنرانیهایشان میگویند اگر آزادی باشد استقبال مردم از ما ثابت میشود ولی

" اینها با انسان‌های ناراضی رابطه دارند. خانمشان ناراضی است، خاله‌شان ناراضی است، مثلا قوم و خویششان ناراضی‌اند و خب اینها با اینها زندگی میکنند و فکر میکنند که مجموعه مردم اینجا هستند و آراء مردم را از اینجا میخواهند دربیآورند و دقیقا اینطور آمارگیری میکنند."

صرف نظر از ساده‌نگری قضایا و تحقیر افکار و اشخاص، حمله به نهضت آزادی ایران چیز تازه‌ای نیست. لیس هذه اول قارورة کسرت فی الاسلام. ما نیز قصد نداریم بدفاع از خود و ادعا یا اثبات محبوبیت و مقبولیت بپردازیم بلکه نکته‌ای را جنابعالی در خطبه آنروز مطرح فرمودید که از اهم مسائل یک جامعه اسلامی آزاد و محک حکومت‌های مردمی است. یعنی اقبال مردم بیک شخص، بیک گروه یا اندیشه. ما هم روی همین موضوع میخواهیم صحبت کنیم و سپس، آنچه ارزش و

ضرورت دارد، بحث را روی علل و عوامل اقبال مردم و رضایت یا نارضایتی و انتظارات آنها ببریم.

هر دولت و هر صاحب مقام متعهد و متصدی مسلمان که احساس مسئولیت در برابر خدا و خلق بنماید خود را محتاج به استمرار آزمایش و سنجش افکار عمومی برای اطلاع از درجه اقبال و رضایت مردم نسبت بخود و درباره مخالفین و معترضین می بیند.

در کشورهایی که آزادی عقیده و بیان و قلم و اجتماع در چارچوب قانون برقرار بوده و وسائل تاءثیر و تبلیغ و تحقیق در انحصار گردانندگان نباشد آزمایش و سنجش فوق بسهولت و خودبخود انجام میگیرد. علاوه بر آن وظیفه امر بمعروف و نهی از منکر یا انتقاد و اظهار نظر و همچنین همکاریهای فکری و اداری یعنی شکوفائی ملت تامین میگردد و جامعه از جهل و ظلم و فریب پاک میشود اما در صورت عکس و در محیطی که آزادیهای قانونی و عدالت تبلیغاتی وجود نداشته درهای احزاب و گروههای قانونی ولی غیر موافق را ببندند و تصرف یا حمله نمایند و افراد و طرفداران آنها را مورد اهانت، آزار و زندان قرار دهند، بطوریکه فقط وابستگان و مردم مطیع حق کار و حرف و حیات داشته باشند، در چنین کشور مقاصد شرعی و قانونی و طبیعی فوق فراهم نخواهد گشت ضمن آنکه رای گیریهای رسمی، راه پیمائیهها، تظاهرات و استنباطهای آماری و هرگونه ادعای پشتیبانی و مشروعیت ارزش و اعتبار خود را از دست میدهد. زیرا که احتمال و اتهام یکطرفگی، اغوا، اخذ بحیا، ارباب، تحمیل، ربا، تظاهر و بطلان غیر قابل دفاع و انکار میشود.

در چنین شرایط تشخیص درجهء تایید و توجه مردم نسبت به مجریان امور و گفتههای معترضین و منقدین و همچنین دریافت میزان رضایت و خواستههای آنان ناچار از راههای غیر مستقیم و تلویحی و معکوس انجام میگیرد.

مثلا حمله‌های مکرر و نسبت‌های خلاف و خیانت که هربار کذب آنها روشن میشود و همچنین تلاش پیگیر بی‌علت برای "شکستن بت شخصیت" سران نهضت آیا خود دلیل بر حقانیت و مقبولیت آنان و هراس متولیان از عدم تایید خودشان نمیشد؟ منفور و مطرود ساختن گروهی که بقول مدعیان عده و غده‌ای ندارند و هیچگاه در یوزگی قدرت نکرده داوطلبانه کنار رفته‌اند چه هدفی میتواند داشته باشد؟ گروهی که داعیه و دشمنی با کسی ندارند و مخالف وفادار و مدافع انقلاب و اسلام و ایران بوده از قدیمترین و اصیلترین مبارزین و بنیانگزاران انقلاب و سالکان راه خدا هستند و در هر فرصت و رهگذر بیش از حدود امکان و انتظار مورد مراجعه و اجابت و علاقه مردم قرار گرفته و میگیرند. اگر دستگاهی اطمینان بحقانیت و مقبولیت خود داشته باشد آیا اینچنین جلوی قدم و قلم و حتی جوابهای مشروع جمعیت قانونی و انتشار مجله آنانرا میگیرد؟ آنرا که حساب پاک است از محاسبه چه باک است؟ و آنکس که حق را در طرف خود دارد هیچگاه بینه و برهان را کنار گذارده متوسل به فحش و زور و آزار میشود؟ مگر پنج سطر جوابیه، پنج تا آدم بی‌اسلحه یا پنج جمله انتقاد و اعتراض، در صف انبوه سی و شش میلیونی امت و میلیون میلیون بودجه تبلیغات یکطرفه چه وزن و زیان میتواند داشته باشد؟ شما خودتان هستید که منظمًا ما را مطرح و موضوع روز کرده شهرت

و مظلومیت و محبوبیت . . . و مسئولیت بر ایمان میسازید .

مردم با مراجعه و نامه و تلفن و اشاره و مکالمه - تا آنجا که در این جو ترس و هیجان امکان پذیر باشد - سراغ ما می‌آیند. باور کنید و خودتان خوب میدانید که خانم و خاله و خانم‌جی نیستند. فتودالها، سرمایه‌داران، ضد انقلابیها، نامسلمانها، شاهپها، ساواکیها، خلقپها و بنی‌صدرپها هم نیستند. و اگر باشند و ما شناسیم اقلیت خیلی ضعیف‌اند. از کلیه طبقات و قشرها و رنگها و چه بسیار از پائین

شهریها و دست بدهانهای باصطلاح مستضعف هستند. سراغ ما می‌آیند که درد دلها و سوزها و نارضائیهایشان را بگویند. چون از پشت جدارهای تاریک و ضخیم ماشینهای باد پیمای آژیرکش با اسکورت و ۳ صدایشان بگوش آقایان نمیرسد و از ترس پاکسازی یا برجسب ملیگرائی، لیبرالی، ضد انقلابی و طرفداری از منافق محارب صدایشان در نمی‌آید و امضا پای نوشته‌ای نمیگذارند.

اما درد دلها و نارضائیهای مردم که بدنبال گوش شنوا و زبان گویا میگردند چیست؟ چه بهتر که مطلب را از قول خودشان و زبان حالشان بگوئیم. میدانید که عامه مردم بیش از آنچه به استدلال و احتجاج یا تشخیص سیاست و حقانیت بپردازند به نتیجه و بمحصول نگاه میکنند. شده‌ها را با وعده‌ها میسنجند و داده‌ها را با گرفته‌ها. اول سؤال و کلام مردم مملکت و همانها که در انقلاب علاقه و وحدت نشان دادند، این است که گردانندگان و سیاستمداران پس از سه سال و نزدیک چهار سال غیر از خون و خرابی، غیر از لبریز شدن زندانها و قبرستانها در همه شهرها، غیر از صفهای طولانی و کمبود و گرانی، غیر از بیکاری و بی‌پولی، بی‌خانمانی و شعارهای تکراری و آینده تاریک چه ارمغان برای ما آورده‌اند؟! \*

ما با آنکه همواره به تشریح و تجلیل ارزشهای والای بی‌همتای ایمان، ایثار و شهادت و نقش مهم رهبری و تحولاتی که در اثر انقلاب

---

\* - اکثر معترضین به نهضت این پاراگراف را بدون توجه و اشاره به پاراگراف‌های قبل و بعد آن نقل کرده و مستمسک حملات بما قرار داده‌اند درحالیکه مطالب پاراگراف‌های قبل و بعد خود پاسخگوی این حملات هست. این شیوه ما را به یاد مغرضین می‌آورد که " یحرفون الکلام من مواضعه " و می‌گفتند قرآن دستور داده " لاتقربوا الصلوة " و جمله بعد آن " وانتم سکری " را نادیده می‌گرفتند!!

در این سرزمین کهنسال پدید آمده است و همچنین در توضیح اثرات شوم جنگ در ایجاد تنگناها کوشیده‌ایم، لازم میدانیم، بعنوان گروهی شاهد و واسط، واقعیت‌ها و شکایات مردم را نیز منعکس سازیم.

اما آنها که اهل اطلاع و بحث هستند، قانون اساسی را پیش میکشند و استناد به مسلمات حقوقی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی کرده میپرسند قانون اساسی که مجلس خبرگان آنرا تصویب کرده، بیش از ۹۹ درصد آراء اخذ شده ملت را آورده و امام آنرا معادل اسلام، سایه دست فقهای عظام و واجب‌الرعايه دانسته‌اند و همچنین اصول تفکیک ناپذیر آن، چرا معطل و منتفی و منحصر بطبقه خاص شده است؟ از جمله حقوق ملت، آزادی نشریات، مطبوعات، احزاب، جمعیت‌ها، تشکیل اجتماعات و راه‌پیماییها، ممنوعیت بازرسی مراسلات و مکالمات، تجسس و تبعیدهای غیر قانونی، داشتن حق انتخاب وکیل دردادگاهها و محاکمات علنی، استفاده از اصل براءت، ممنوعیت شکنجه و تعزیر برای گرفتن اقرار و اطلاع (آنطور که در فصل سوم قانون اساسی آمده است). اعتراض و ناله دیگرشان از تفتیش عقاید و اختصاص دادن تحصیل و شغل و جیره و حتی ورزش به دست چین شده‌های خاص است.

بلحاظ دیپلماسی منزوی شدن ایران و برانگیختن و همگامی دولت‌ها و همسایه‌ها علیه خودمان رانتيجه سوء سیاست و عدم درایت دست اندرکاران دانسته بقرار داد "بتصویب مجلس نرسیده" الجزایر و مقدمات و تبعات آن که منتهی به از دست رفتن ذخائر ارزی و روی کار آمدن ریگان، سلطه آمریکا و صهیونیسم در اروپا و در منطقه گردید، میداند و قرارداد سخاوتمندانه دو میلیارد دلاری با دولت نظامی - آمریکائی ترکیه و با کره شمالی را مطرح میسازند.

از نظر اقتصادی علت تنگناها و محرومیت‌ها را میپرسند و از تقلیل فاحش تولید، ترقی سرسام‌آور واردات و دور افتادن از خود

کفائی، تورم قیمت‌ها و کسری دائم‌التزاید بودجه صحبت میکنند.  
در زمینه فرهنگی و تربیت و تخصص بسته ماندن دانشگاه‌ها و  
فراری دادن مغزها را نمونه می‌آورند.

بلحاظ اجتماعی و ملی بزرگترین ایراد و نگرانشان جو وحشت  
و ترور یا انتقام‌های دوطرفه‌واز هم گسیختگی ملی، بعد از یکپارچگی  
و صمیمیت و اعتماد و امید دوران پیروزی انقلاب است و تقسیم جامعه  
به سه طبقه ممتاز، متحیر و مطرود، توام با ناامیدی، نا دوستی و  
ناامنی حتی در داخل خانواده‌ها.

راجع به جنگ تحمیلی که مقصد و مسیری برای آن جز ایستادگی  
و ایثار و دفاع پیروزمندانه قائل نیستیم، بحثی نمینمائیم. چون ارتباط  
با مسائل امنیتی و جنگی و حیاتی کشورمان دارد.

یک دسته دیگر هم از مردم وجود دارد که ما و شما و خیلی‌ها  
جزو آن هستیم. اعم از بازاری، روشنفکر، روستائی، روحانی، اداری  
و غیره. خواه ملی و خواه مذهبی. یعنی معتقدین و علاقمندان به  
اسلام، چه قبلیها و قدیمی‌ها و چه وارد شدگان و اخلاص یافتگان  
دوران مبارزه و انقلاب. تأسف عمیق این دسته از آن است که در  
خارج و داخل کشور و در ذهن و ضمیر بسیاری از مسلمانان، برخلاف  
جریان درخشان آستانه انقلاب، یک دلمردگی و وازدگی نسبت به دین  
و ایمان پدیدار گشته می‌بینند که از اسلام عزیز محبوب که منادی و  
مجری انسانیت و عدالت و علم و طهارت است چهره خصمانه هولناک  
جلوه‌گر ساخته‌اند بجای حیات و نعمت و رافت و روشنائی، نحس و  
خسونت و خصومت آشکار است. میپرسند که حسن خلق محمدی و عدل  
علی کجا و اعداهای آب خوردنی و انحصارگری کجا!

البته مدافعینی هستند که افتخار میکنند حجاب همه جایی شده،  
نماز و روزه و جمعه عمومیت یافته و مظاهر کفر و گناه از ایران انقلابی

رخت بر بسته است. درست، اما آیا عبادت و اطاعت ظاهری و اجباری یک پول پیش خدا ارزش دارد؟ و آنچیزی که پیش خدا ارزش نداشت آیا در کار دنیا خاصیت و بقا میتواند داشته باشد؟ خدائی که گفته است لا اکره فی الدین و حامی آدم و دوستدار بندگانش بوده خواسته است آنها هم داوطلبانه و عارفانه و عاشقانه بدرگاهش رو بیاورند. آیا زورش و عقلش نمیرسید که از پیغمبران بخواهد دینش را تحمیل کنند؟ کارها و کاسه‌های گرم‌تر از آتش است که دلها را پزمرده و دماغها را خفته میسازد. بندگان را از خدا برمیگرداند! و مردم را نسبت به اسلام و انقلاب و روحانیت بدبین مینماید.

صرف‌نظر از پیمان و دینی که به‌موطنان و ایران داریم و پیامشان را رساندیم اعتقاد و عشق خودمان به اسلام و عبودیتمان بخدای لایزال نیز ما را متأثر و متعهد ساخته است که حق را بگوئیم و از حق اسلام دفاع کنیم که فرمود: *قولوا الحق ولو علی انفسکم*.

بگذارید نامه خود را با نیایشی از علی علیه‌السلام پایان دهیم: "خدایا تو خوب میدانی که آنچه از ما سرزده است رقابت برای بدست گرفتن قدرت سیاسی یا جستجوی چیزی از تمتعات و درآمدهای زائد نبوده است، بلکه برای این بود که اصول روشن دینت را بازگردانیم و اصلاح را در کشورت پدید آوریم تا در نتیجه آن بندگان ستم‌دیده‌ات ایمنی یابند و قوانین تعطیل شده‌ات اجرا گردند." و ما آرید (نرید) الا الاصلاح ما استطعت (ما استطعنا).

نهضت آزادی ایران

۲۵ شهریور ۱۳۶۱







## بسمه تعالی

پاسخ به حملات وسیع و گسترده علیه نهضت آزادی ایران  
پیرامون نامه سرگشاده به حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی

مادامی که امت من امر به معروف و نهی از منکر کرده  
و در کارهای نیک همیاری کنند همواره در خیر و  
سعادت بسر خواهند برد ولی اگر امر ببعرف و نهی  
از منکر و همیاری را فراموش کنند برکتها از آنان گرفته  
میشود و ... (رسول اکرم (ص) - وسائل الشیعه)

هموطنان عزیز

برادران و خواهران مسلمان

بطوری که از طریق رسانه‌های گروهی، مطلع شده‌اید اخیراً حملات  
همه جانبه علیه نهضت آزادی ایران اوج جدیدی بخود گرفته است.  
همزمان با رادیوهای بیگانه سخنرانان در مجلس و مسجد و نمازهای  
جمعه، مفسران صدا و سیما، نویسندگان روزنامه‌ها و مجلات روزانه و  
هفتگی و ماهانه با کمال آزادی و بی‌ترس و واهمه از خدای بزرگ و از  
حاکمیت قانون در کشور انواع و اقسام تهمت‌ها و نسبت‌های دروغ و  
برچسب‌های ناچسب را علیه نهضت آزادی و سران و فعالین آن عنوان  
میکنند. و در طرح آنها حدود خدا و مقررات شرع انور و اصول مطرحه  
در قانون اساسی جمهوری اسلامی را زیر پا میگذارند. در حالیکه  
هیئت حاکمه کمترین فرصت و امکان پاسخگوئی را از ما سلب کرده است.

روزنامه‌ها علی‌رغم قانون مطبوعات مصوب شورای انقلاب جواب‌های ما به دروغهائی را که منتشر مینمایند چاپ نمیکنند. صدا و سیما حاضر نیست نه تنها بهمان اندازه که تهمت‌ها و نسبت‌های ناروا علیه ما را پخش میکند بلکه هیچ فرصتی بدهد تا با اشاره و اختصار هم که شده باشد بآنهمه دروغها و تهمت‌ها جواب بدهیم. از آنجا که در برابر این همه ظلم نمیتوانیم سکوت کنیم بر آن شدیم در این نشریه عمومی مطالبمان را با مردم آزادخواه و شهیدپرور ایران که صاحبان اصلی این انقلاب و تشنه عدالت و حق هستند در میان بگذاریم و آنها را بدآوری بطلبیم، قضاوت نهائی را نیز بخدا واگذار مینمائیم.

#### اینهمه جنجال و سرو صدا برای چیست؟

چرا اینهمه به نهضت آزادی حمله میکنند؟ مگر باز چه شده و چه خبر است؟ جنجال کنندگان اخیر علت این یورش را نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ذکر می‌کنند.

چرا نهضت آزادی این نامه را نوشت و مطالب آن چه بوده است؟  
علت نوشتن این نامه سرگشاده، بیاناتی بود که آقای هاشمی  
در خطبه نماز جمعه ۶ شهریور ماه خود در رابطه با نهضت آزادی  
مطرح کرده بودند.

برخی از سران نهضت آزادی در دیدار خصوصی که چندی قبل با آقای هاشمی رفسنجانی داشتند، برحسب وظیفه شرعی و قانونی خود درباره مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی کشور و همچنین جنگ تحمیلی عراق از دید خودشان و از دید مردم مطالبی را با ایشان در میان گذاشتند. ما معتقدیم بیان خصوصی مطالب و تذکرات و توصیه‌ها و انتقادات، حداقل وظیفه‌ای است که در قبال جمهوری اسلامی و ملت شهید پرور باید انجام بدهیم. و اگر دولتمردان انصاف داشته باشند،

از این عمل ما باید استقبال میکردند. و این اعتقاد بر پایه گفتار حضرت امیر علی (ع) است که میفرماید: حق من (بعنوان والی) بر شما مردم این است که بمن تذکر دهید، انتقاد کنید و راهنمایی‌ام نمائید. جایی که مولای متقیان علی (ع) چنین دستوری بدهند، قطعاً گردانندگان جمهوری اسلامی نباید خود را بی‌نیاز از یک چنین توصیه‌ها و انتقادات و رهنمودهایی تصور کنند. خصوصا که این امر بصورت خصوصی و دور از جارو و جنجال‌های سیاسی روز و بدنبال ملاقاتهای مشابه گذشته انجام گرفته بود.

جناب آقای هاشمی رفسنجانی بخشی از مطالب خصوصی آن دیدار را در خطبه‌نماز جمعه ششم شهریور ۶۱ خودشان بطور علنی و عمومی بشرح زیر مطرح کردند:

" از این سران نهضت آزادی یک وقت یکیشان بمن می‌گفت که امروز اگر رای آزادی باشد ما مثلا ۷۰ - ۸۰٪ رای می‌آوریم ...

معتقد هستند و خیال میکنند که آنها کانالهایی که دارند، یعنی اینها با انسانهای ناراضی رابطه دارند، خانمشان ناراضی هست، خاله‌شان ناراضی هست، عمه‌شان ناراضی هست، مثلا قوم و خویشان ناراضی هست و خب اینها با اینها زندگی میکنند و فکر می‌کنند که مجموعه مردم اینجا هستند، و آراء مردم را از اینجا می‌خواهند در بیاورند و دقیقا اینها اینجور آمارگیری می‌کنند. "

عنوان کردن بخشی از مطالب خصوصی ما در نماز جمعه که از رادیو و تلویزیون بطور وسیع و گسترده‌ای پخش گردید اولاً برای ما نشانه‌ای بود از اینکه طرح انتقادات و ایرادات و توصیه‌ها در سطح وسیع و علنی ظاهراً بلاشکال است. وگرنه دلیلی برای طرح آنها وجود

نداشت ثانياً چون مطالب ما بصورت ناقص و موهنی عنوان گردید و مخصوصاً نظریات و ایرادهای برحقی از مردم انکار شده بود، نهضت آزادی خود را موظف دانست در سطح عمومی به آن پاسخ بدهد. لذا نامه‌ای تهیه و در ۲۵ شهریور جهت ایشان ارسال گردید، علاوه بر آقای هاشمی، نامه سرگشاده برای دفتر امام و نمایندگان مجلس، رئیس جمهوری، نخست وزیر و هیئت وزرا، اعضای شورای نگهبان، شورای عالی قضائی، مراجع و مدرّسین قم، استانداران، فرمانداران، رؤسای سپاه و جهاد و برخی ادارات در تهران و شهرستانها و تعداد معدودی از نزدیکان ارسال گردید، جمعاً و حداکثر در حدود هزار نسخه در یک کشور ۴۰ میلیونی، برای عده خاصی، که اکثرشان هم مسئولین امور مملکتی هستند.

تدوین و توزیع کاملاً محدود این نامه، عکس‌العمل وسیع غیر مترقبه و حملات شدیدی را بدنبال آورد. تمامی دستگاه‌های تبلیغاتی در مجلس - نماز جمعه - صدا و سیما و مطبوعات از همه طرف علیه نهضت آزادی نشانه گرفتند.

در یک دسته از حملات، معترضین و مخالفین غالباً به حای توجه به محتوی و منظور آشکار نامه و خواندن آن و پاسخگوئی مستدل و منطقی به مطالب آن نامه سرگشاده، صرفاً قسمتهائی از نامه را بطور ناقص خوانده و برداشتهائی کردند و مطالبی را بمانسبت دادند که نادرست میباشد. ما این مطالب را در این اطلاعیه توضیح خواهیم داد.

یک دسته دیگر از مخالفین نهضت، در حملات خود، ایرادها و اختلافات گذشته بانهضت آزادی و دولت موقت و عقده‌های کهنه را بیرون ریختند و با تحریف حقایق به جو سازی علیه نهضت آزادی پرداختند. ما باین ایرادات والقاء شبهات و افتراءات نیز در اینجا جواب میدهیم.

دسته دیگر از مخالفین، در حملات خود مطالبی را به نهضت، آزادی و دولت موقت نسبت داده‌اند که سراپا کذب و بی‌اساس است. ما آنها را نیز در این نشریه توضیح می‌دهیم.

در میان معترضین و مخالفین چند نفری هم به بهانه "حرکت در خط امام" "حفظ خط اسلام فقهاتی" اعضای دولت موقت و نهضت آزادی را با کلماتی از قبیل "موش مرده‌ها" "کرم‌ها"، "بی‌حیاها"، "پروها"، "بازیگران سیاسی"، "حقه بازها"، "نمک ناشناس‌ها، فکلی مستفرنگ"، "آمریکائی‌های لیبرال"، "جنایتکارها"، "لاشخورها"، "مشاطه‌گران اجانب"، "فاسدها"، "امیدآمریکا"، "سردسته انحراف و خیانت و فساد"، "بی‌شعورها"، "احمق‌ها"، "آمریکائی‌های خائن"، "بی‌عرضه‌ها"، و تهمت‌هایی که حتی به زبان آوردن آن زیننده مسلمان متقی نیست مورد یورش قرار دادند. (۱۰،۷،۵،۱)

ما هرگز حاضر نیستیم با این قبیل از معترضین خود هم‌دهان بشویم و با آنها مقابله به مثل کنیم. ما مرتکبین این اعمال زشت را به مطالعه آیات و روایاتی که در مورد "اطاله‌الصحه فی عمل‌الغیر" (\*) آمده است سفارش نموده و یادآور میشویم که امام معصوم (ع) فرمود: "ان من اتهم اخاه فهو ملعون ملعون". (\*\*)

در مجموع آقایان معترضین و مخالفین نهضت آزادی نه‌بیم  
بلکه به نظام جمهوری اسلامی کشور و حتی به اسلام اهانت کرده،  
بدنیا اعلام نمودند که در اینجا جواب ادب با فحش داده میشود.  
جواب منطق با تهمت و تحریف و جواب انتقاد و اظهار نظر با مرگ  
خواهی و تهدید!

\* - اصل " حمل کار دیگران بر صحت".

\*\* - همانا کسی که برادر (ایمانی) خود را متهم سازد ملعون

است، ملعون است.

قبل از آنکه ما به پاسخ اتهامات و دروغها و افتراءات پردازیم لازم میدانیم برخی نکات را در مورد محتوای نامه تذکر دهیم. قبلا نیز از مفصل شدن نشریه و تصدیح دادن بخوانندگان عذر میخواهیم. اگرچه تقصیر از کسانی است که اینهمه جار و جنجال و اتهام راه انداختند.

۱ - هدف از این نامه بهیچوجه ارزیابی و ارائه کارنامه انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و تراز بندی دولت حاضر (ویا بررسی توطئه‌های پی در پی دشمنان انقلاب اسلامی ایران) نبوده است. بلکه صرفا انتقال ناراضیتهای مردم بمسئولان بوده است. نهضت آزادی ایران در مرانامه، خط مشی، قطعنامه و بیانیتهای مکرر و متعدد، تعهد خود را در قبال انقلاب اسلامی و تحلیل دستاوردهای عظیم و بی سابقه آن و عملکرد امپریالیسم و استکبار جهانی و دشمنان انقلاب اسلامی بیان کرده است. اگر دشمنان نهضت آزادی کمترین انصافی داشتند، آنها را هم میخواندند و سپس به قضاوت میپرداختند.

۲ - بنظر ما بسیاری از معترضین و مخالفینی که در رابطه با نامه سرگشاده نهضت آزادی سخن گفته و قلم زده‌اند، به ایرادات و اعتراضات مردم که در آن نامه عنوان شده بود پاسخی نگفته‌اند.

بنظر ما روش منطقی‌تر و نزدیک‌تر به تقوای اسلامی آن بود که حضرات معترضین اولاً مطالب نامه جوابیه را با خودمان و احیانا با مسئولین در میان می‌گذاشتند. یا اگر اصرار بر افشای آن داشتند برای مردم عینا می‌خواندند و هُوُ به هُوُ جواب معقول و منطقی میدادند. هر جای آن که صحیح بود تصدیق و تعهد ترمیم میکردند. و هر گفته را که ناصحیح می‌یافتند توضیح میدادند و ما و مردم را ارشاد میکردند در اینصورت علاوه بر آنکه کمترین زیان در افکار عمومی و در سیاست دولت پیش نمی‌آهد این ادعا با درخشندگی جالبی در دنیا باثبات میرسید که در نظام جمهوری اسلامی ایران آزادی، عدالت و عطوفت



حاکم بوده بحرفهای انتقاد کننده بدون جو سازی و برجسب زدن رسیدگی میشود و ترتیب اثر میدهند و بنابراین تمام ادعاهای دشمنان در انکار آزادی و عدالت در ایران کذب محض است و خنثی میشود. و اگر از تذکر و انتقاد ما استقبال و تشکر هم می نمودند، چه بهتر. دنیای ناظر و علاقمند و نگران انقلاب اسلامی به شکوهمندی معنوی انقلاب و بقدرت و کرامت جمهوری اسلامی اقرار و اعتراف میکردند.

۳ - برخی از مسلمانان متعهد و آزادی خواه و علاقمندان به نهضت آزادی اظهار نظر کردند که مطالب و انتقادات اکثرا درست و وارد میباشد، اما از ما انتقاد کردند که لحن نامه کمی تند بوده است و شاید بهتر و موثرتر آن بود که مطالب با لحن دوستانه تری نوشته می شد. ما ضمن قبول این انتقاد از تذکر برادرانه این علاقمندان تشکر می نمائیم.

اما درباره مطالبی که در نمازهای جمعه، سخنرانی در مرکز حزب جمهوری (تهران و مشهد) سخنرانیهای قبل از دستور در مجلس، سرمقاله روزنامه های یومیه و هفتگی و ماهانه و در صدا و سیمای جمهوری اسلامی به نهضت آزادی نسبت داده شده است بشرح زیر توضیح میدهم و قضاوت نهائی را به خدای احکم الحاکمین و شما مردم روشندل و دلسوخته آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی واگذار مینمائیم.

۱ - مطرح بودن:

معارضین به نهضت آزادی مدعی شده اند که:

" این آقایان منزوی هستند و با کاغذ پراکنی ها  
میخواهند خودشان را مطرح کنند و اینها دنبال نام  
و نشان هستند". (۳)  
" آنها میخواهند همیشه مطرح باشند حتی اگر شده  
با شعار مرگ بر فلانی" (۵)

حتی برخی پا فراتر نهاده و مدعی شدند که آمریکا می‌خواهد اینها مطرح بشوند .

خیلی بی‌انصافی است که صاحبان قدرت و امکانات تبلیغاتی مرتب در همه جا و با استفاده از هر فرصتی به نهضت آزادی و سران آن فحش بدهند و بعد هم مدعی شوند که گویا اینها خودشان دلشان می‌خواهد که بآنها فحش داده شود، مرگ بر فلان ... بگویند، تا مطرح باشند! یا آمریکا می‌خواهد اینها مطرح باشند!

این اولین بار نیست که این چنین با ما رفتار کرده‌اند .

مخالفین و دشمنان نهضت آزادی ایران از هر فرصت و بهر مناسبت ولو آنکه کمترین ارتباطی با نهضت آزادی نداشته است بما هتاکي کرده و اشاعه اکاذیب نموده‌اند . مثلا وقتی نماینده‌ای در مجلس وزیر امور خارجه فعلی را بمناسبت فرار و پناهندگی سفرا و کارداران جمهوری اسلامی در کشورهای خارجی مورد سؤال قرار میدهد ، تقصیر آنرا بگردن وزیر خارجه دولت موقت می‌اندازند که کمترین دخالت و مسئولیت در انتصاب آن سفرا و کارداران نداشته است و یا برخلاف واقع و با وجود تکذیب‌های مکرر هنوز قطب‌زاده را وزیر خارجه دولت موقت عنوان می‌نمایند . اگر این ادعای آقایان درست باشد و واقعا آمریکا می‌خواهد نهضت آزادی مطرح باشد خوب به‌بینیم چه کسانی ابزار اجرای این برنامه‌های آمریکا می‌باشند؟ یک نمونه ذکر کنیم :

روزنامه اطلاعات در روز ۵ شنبه ۱۸ آبان‌ماه مصاحبه‌ای را از حجت‌الاسلام آقای حاج سید احمد خمینی نقل کرده است . در بالای صفحه اول یعنی در بهترین جای روزنامه با حروف درشت عناوین مصاحبه ، از جمله نام نهضت آزادی آورده شده است . در حالیکه در متن مصاحبه نام نهضت آزادی نیامده است . آیا این روزنامه اطلاعات نیست که خواسته باین ترتیب نهضت آزادی را مطرح و علیه آن جو سازی نماید؟ اگر بقول آقایان معترضین آمریکا می‌خواهد نهضت آزادی

مطرح باشد، آیا نباید سر نخ را در میان نویسندگان روزنامه اطلاعات و یا در میان کسانی که دائما با استفاده از هر فرصتی به نهضت آزادی حمله می‌کنند جستجو کرد؟

## ۲ - درباره مسئله کردستان:

معترضین به نامه سرگشاده نهضت آزادی، به ما تهمت زده و مدعی شده‌اند که:

"مگر شما نبودید که کردستان را از دست دادید؟  
مگر شما نبودید که پاسداران را از سنج بیرون  
کردید؟ مگر شما نبودید که به جلال برادر عزالدین  
گمراه در اسفند ۵۸ اسلحه دادید؟ و آنها روز بعد  
به پادگان سنج حمله کردند؟ مگر شما نبودید که در مقابل درخواست مرحوم قره‌نی مبنی بر جلوگیری و سرکوبی ضد انقلابیون در کردستان پاسخ منفی دادید و نگذاشتید او کار کند و وقتی او مانع از سقوط پادگان سنج شد از او انتقاد نموده و ایشان را به همین جرم که در مقابل ضد انقلابیون مقاومت کرده بود از کار برکنار کردید؟ نماینده اینها شخصی به نام اسماعیل اردلان در همان روزهایی که سنج متسج بود ۴۵۰ فقره اسلحه به جلال داده بود که با همان اسلحه‌ها به پادگان حمله کردند. ما چقدر مبتلی مسئله سنج و کردستان بودیم؟ و آیا مسئولیت خون بچه مسلمان‌هایی که در آنجا شهید شدند تا توانستند سنج را آزاد کنند بعهده شما نیست؟ آیا مسئول خون مسلمان‌هایی نظیر شبلی‌ها که از خانواده‌های برادران اهل تسنن در زیر شکنجه توسط گروهکها به

شهادت رسیدند شما نیستید؟ (۳)

سایر سخنوران و قلم بدستان نیز از این قبیل تهمت زده‌اند:  
"سپردن پادگانها و تمامی وسایل آن پادگانها در  
قسمت کردنشین ایران اسلامی به دموکراتها و عزالدین  
حسینی، دادن پول به عزالدین حسینی، هیئت  
باصطلاح حسن نیت و ... " (۱۱۰۷)

هموطنان عزیز:

کوچکترین عنصری از حقیقت در مطالب بالا وجود ندارد. این  
اولین بار نیست که در مورد کردستان ما بناحق مورد حمله قرار  
گرفته‌ایم. قبل از این گروههای منحرف و دشمنان انقلاب اسلامی ایران  
از این تهمت‌ها به دولت موقت، به شهید چمران و به نهضت آزادی  
فراوان زده‌اند و ما بارها درباره این اتهامات بی‌اساس توضیحات  
داده‌ایم. و از تکرار آن برای روشن شدن اذهان مردم حق طلب  
هرگز خسته نخواهیم شد.

واقع قضیه در کردستان چه بوده است؟:

غائله کردستان قبل از تاسیس و یا حتی ماموریت دولت موقت  
و قبل از پیروزی انقلاب شروع شد. چرا مسئولیت آن را بر دوش  
دولت موقت میگذارند؟

شاه و ایادی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بارها تهدید کرده  
بودند که اگر شاه برود مملکت تکه پاره میشود. وقتی دیدند که  
نمی‌توانند شاه را نگه دارند، و وقتی سقوط حتمی بختیار را نزدیک  
دیدند، دست به ایجاد بلوا و آشوب در نقاط مختلف مملکت از جمله  
کردستان زدند. از همان ماههای قبل از پیروزی انقلاب، یکی از  
مجبرب‌ترین و ورزیده‌ترین نظامیان متخصص در امور کردستان را به  
استانداری منصوب کردند و او بود که اجرای برنامه‌های توطئه‌گرانه را

شروع نمود. امام با توجه باین برنامه‌ها و توطئه‌ها بود که در ۱۵ آبان ۵۷ از پاریس پیامی برای برادران کرد ارسال داشتند.

با روی کار آمدن دولت موقت تحریکات دشمنان انقلاب اسلامی از چپ و راست و امپریالیسم و صهیونیسم علیه دولت جدید شدت گرفت و تشنجات کردستان به مرحله انفجار رسید. در سیام بهمن ۵۷، یعنی هشت روز بعد از پیروزی انقلاب پادگان مهاباد در اثر خیانت افسران طرفدار شاه خائن سقوط کرد و تمامی تجهیزات آن بدست دشمن افتاد. دولت نسبت به توطئه‌ها و تحریکات در کردستان و سایر نقاط کشور توجه کافی و دقیق داشت.

آقای مهندس بازرگان، نخست وزیر دولت موقت در مصاحبه رادیویی خود در ۷ فروردین ۵۸ درباره این تحریکات و توطئه‌ها گفتند که:

"در باطن امر، این سرو صداها و بگومگوها و متاسفانه زدوخوردها بنا بعقیده و اطلاعات دولت معلول تحریکات ناچوانمردانه و توطئه‌های نابکارانه‌ای است که عموماً از داخل بعمل می‌آید. از ناحیه گروه‌های کمونیستی و غیر ملی و ضد اسلامی که بیش از همه سنگ آزادی و طرفداری از خلق و ضدیت با استعمار را بسینه می‌زنند و از هر طرف بر طبق نقشه‌های پیش پرداخته به نواحی مورد نظر سرازیر و به مراکز محلی ملحق میشوند. و هم چنین از ناحیه عوامل و ایادی زخمی شده و کمین کرده ساواک و دربار است که عالماً و عامداً "یا تصادفاً" با اولیها همکاری و نقشه مشترک دارند و از اسلحه‌های غارت شده داخل یا وارد شده از خارج استفاده می‌نمایند. همان داستان توده‌ای نفتی زمان مرحوم

دکتر مصدق و تحریک مردم ساده تکرار میشود. " سپس در پاسخ خبرنگار که سؤال کرده بود: "دولت در برابر این توطئه‌ها و تحریکها چه اقدامی کرده و می‌کند؟" آقای مهندس بازرگان جواب دادند که:

"دولت در تمام موارد با نهایت مدارا و آزادمنشی عمل کرده هموطنان عزیز خود اعم از شیعه و سنی یا عرب و ترکمن و بلوچ و لر و کرد و دیگران را به چشم برادر نگاه میکند. کما آنکه با اقلیت‌های مذهبی اهل کتاب نیز تفاهم و دوستی برقرار است. نهایت کوشش بعمل آمده است که از طریق تماس مستقیم با اهالی و معتمدین و رهبران محلی به خواسته‌ها رسیدگی شود و تا آنجا که آزادی مملکت و وحدت و حاکمیت ملی و هدفهای انقلاب اسلامی اجازه میدهد موجبات رضایتشان را فراهم آورد یا بعنوان پیشنهاد برای تدوین طرح قانون جمهوری اسلامی بپذیرد. افراد ملی و مبارز موجه به محل‌ها رهسپار شده‌اند و حتی هیئت‌های رسمی نمایندگی از طرف امام یا از طرف دولت و روحانیت و گروههای سیاسی اعزام شده و میشوند. ولی متأسفانه ناچارم بگویم بعضی از گروهها و دسته‌های ناباب و غیر اصیل در موارد مختلف متعرض همشریها و همسایگان خود می‌شوند یا کلانتری‌ها و پاسگاهها و پادگانها را مورد حمله مسلحانه قرار می‌دهند و به خلع سلاح و کشتار می‌پردازند. در چنین شرایطی بدیهی است که وظیفه طبیعی، قانونی، انسانی و دینی هر دولت مسئول و هر اجتماع شرافتمند دفاع کردن است، در مقابل اسلحه ناچار

اسلحه باید بکار برده شود.

خوشبختانه دولت و ارتش و نیروهای انتظامی  
علیرغم صدمات و لطماتی که دیده‌اند آنقدر نیرومند  
و مصمم هستند که مردانه و شرافتمندانه از استقلال  
و تمامیت کشور و آزادی و حقوق ملت دفاع نمایند".  
خوب ملاحظه می‌فرمایند که موضع کاملاً روشن و توجه دقیق شده  
است.

اما در برخورد با این توطئه‌ها و بحران، از همان ابتدای پیروزی  
انقلاب، نظر امام و شورای انقلاب و دولت موقت اتخاذ راه حل  
سیاسی در مرحله اول و نظامی در مرحله بعدی بود.

و بر همین اساس بود که نماینده مخصوص امام در تاریخ ۵۸/۱/۱۲  
به مهاباد اعزام شد تا با عزالدین حسینی ملاقات و پیام امام را  
برای مردم بخواند و با تصویب شورای انقلاب و تاکید امام مرحومین  
طالقانی و دکتر بهشتی و آقایان هاشمی رفسنجانی و فروهر و بنی‌صدر  
به کردستان رفتند. مذاکرات مفصلی با اقشار مختلف و گروه‌های مختلف  
انجام دادند.

مجموعه این فعالیتها توانست آرامشی نسبی بوجود آورد و اولین  
انتخابات آزاد بعد از پیروزی انقلاب در شهر سنندج برگزار شد و  
شورای ۱۱ نفری شهر با پیروزی مسلمانها انتخاب گردید. و بخشی  
از توطئه‌های ضد انقلاب خنثی شد.

شورای انقلاب و دولت موقت به ملاحظات زیر حاضر به اعمال  
راه حل نظامی به تنهایی در کردستان نبود.

۱ - خطر انسجام زودرس ارتش - بطوری که میدانید، ارتش  
شاهنشاهی در اثر پیروزی انقلاب انسجام خود را از دست داده بود.  
ارتش شاهنشاهی از ذخائر و پایگاههای اصلی آمریکا بود. آمریکا تلاش  
و کوشش بسیار نمود که انسجام بافت طاغوتی ارتش حتی، بعد از

پیروزی انقلاب حفظ شود تا بعنوان "ذخیره" روزی بکارش گیرد. (۱۹)  
با آنکه ضربه‌های وارده بر اثر پیروزی انقلاب بافت درونی ارتش را متزلزل ساخت، اما هنوز راهی طولانی در پیش بود تا بافت سازمانی و فرهنگ ۵۰ ساله حاکم بر ارتش تغییر متناسب با آرمانهای انقلاب را پدیدآورد.

یکی از هدفهای جنگ کردستان درگیر ساختن دولت موقت و اعزام ارتش و انسجام زودرس آن بود. در آن زمان هنوز سپاه پاسداران مراحل جنینی خود را طی میکرد لذا راه حل نظامی و درگیری مسلحانه دولت مرکزی در کردستان تنها با اعزام ارتش میسر بود. و این درست همان چیزی بود که دشمن می‌خواست. فعل و انفعالات و رویدادهای درونی ارتش در طی ماهها و سالهای بعد نیز نشان داد که تا چه اندازه خطری که مورد توجه دولت موقت قرار گرفته بود جدی و واقعی بود.

۲ - برخورد حکومت مرکزی و دولت شاه با مردم کردستان طی سالیان دراز فرستادن ارتش به منطقه و سرکوب نظامی بوده است.  
در طی دوران انقلاب، بدلیل تفاوت‌های بارز میان فرهنگ انقلاب اسلامی و وابستگی‌های مذهبی مردم کردستان، انقلاب بآن صورت و بآن سرعت که در سایر بلاد ایران توسعه پیدا کرد، در کردستان توسعه پیدا نکرده بود. لذا لازم بود بعد از پیروزی با استفاده از امکانات جدید، انقلاب چهره واقعی خود را به مردم اصیل و زحمتکش کردستان ارائه دهد. البته نه از طریق ارتش، بلکه از طریق جهاد سازندگی و سایر نهادهای انقلابی. درگیری مسلحانه دولت در کردستان بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب به حیثیت جمهوری اسلامی لطمه می‌زد.

۳ - توطئه جنگ مسلحانه در کردستان، با سوابق خاص منطقه، دولت مرکزی را در یک جنگ شورشگری دراز مدت درگیر می‌ساخت که خروج از آن، کار ساده و آسانی نمی‌بود. تجارب جنگهای شورشگری در نقاط مختلف جهان این خطر را دقیقاً نشان داده است.



بنابراین برنامه دولت موقت، حتی‌الامکان پرهیز از درگیری مسلحانه و نیفتادن در دام توطئه‌ها و کوشش برای اعمال راه حل سیاسی بود.

البته این بدان معنا نبود که دولت از انجام وظائف و ایجاد امنیت سرباز زند، کما اینکه مرحوم شهید دکتر چمران، در سمت معاون نخست وزیر در امور انقلاب، برای مقابله با آشوبگران و دشمنان انقلاب اسلامی، شخصاً به پاوه رفت و در عملیات پاکسازی شرکت کرد. سفر چمران و مهم‌تر از آن فرمان معروف امام، نقطه عطفی شد در سیر حوادث کردستان.

نکته‌ای که باید تذکر داده شود این است که تمام امور کردستان و درگیریهای نظامی نقاط مختلف کشور در یک کمیسیونی متشکل از وزاری دفاع و کشور و خارجه و کار با حضور و مشارکت روسای ستاد و ژاندارمری و شهربانی و فرمانده سپاه پاسداران همچنین آقایان هاشمی رفسنجانی و خامنه‌ای بررسی و تصمیم‌گیری میشده و مسائل اصلی با اطلاع و کسب اجازه امام انجام میگردد.

### ۳ - هیئت ویژه برای عمران کردستان

اما درباره "هیئت ویژه برای عمران کردستان"، بعد از جریان پاوه و سفر دکتر چمران به کردستان، برای حل مسائل این استان برنامه‌های همه‌جانبه‌ای از جهات نظامی، عمرانی، مالی، در نظر گرفته شده و تمامی اختیارات هیئت دولت به سه نفر وزاری دفاع (دکتر چمران از جهت برنامه‌های نظامی)، برنامه و بودجه (مهندس سبحانی از جهات تامین مالی برنامه‌ها) و کشور (مهندس صباغیان از جهت امنیت داخلی و عمران و آبادی و نیروهای انتظامی) تفویض گردید. تا هر طور و هر کجا مقتضی دانستند با سرعت و مصلحت عمل کنند. شورای انقلاب و امام نیز این مصوبه دولت موقت را تصویب

و تایید نمودند.

بعد از استعفای دولت موقت بلافاصله امام طی فرمانی مأموریت هیئت ویژه را تثبیت و ضرورت ادامه کار آنها را تایید کردند:

"بسم الله الرحمن الرحيم هیئت حسن نیت مأمور در کردستان - سندیج، جناب آقای مهندس باررگان به جهاتی از مقام نخست وزیری استعفا نمودند و امور کشور محول شد به شورای انقلاب. هیئت حسن نیت لازم است بکار خود ادامه دهد و با شورای انقلاب در تماس باشد امید است رفاه حال برادران کرد بطور شایسته فراهم شود.

۵۸/۸/۱۵

روح الموسوی الخمينی"

لهذا هیئت ویژه در کردستان ماند و بکار خود ادامه داد. هیئت ویژه گزارش تمامی اعمال برنامه‌های خود را پس از هر سفر طی ملاقاتی با امام مطرح و رهنمودهای لازم را دریافت می‌نموده است. و هم‌چنین مرتباً شورای انقلاب را در جریان کامل امور قرار میداده است. بدنبال گزارشات هیئت ویژه، امام در ۲۶ آبان‌ماه ۵۸ پیام تاریخی خود را در مورد درخواستهای مردم کردستان صادر کردند. و با تأکید درباره مأموریت هیئت ویژه گفتند:

"از هیات ویژه می‌خواهم که به مذاکرات خود با کمال حسن نیت ادامه دهند و با شخصیت‌های مذهبی و سیاسی و ملی و سایر قشرها تماس بگیرند تا تائید امین خواسته‌های آنان که خواست ما نیز هست بطور دلخواه بشود و آرامش و امن که از بزرگترین نعمتهای الهی است در منطقه برقرار گردد و شما برادران کرد در کنار سایر برادران بطور رفاه و آسایش زندگی نموده و طمع احباب

برای همیشه از کشورمان قطع شود" •

حال شما مردم قضاوت کنید که دولت موقت در کردستان خدمت کرد یا خیانت. آنانکه نسبت خیانت به نهضت آزادی، دولت موقت و هیئت ویژه می دهند، ندانسته به شورای انقلاب و امام نیز همین نسبت ها را می دهند چرا که تمام اعمال با تصویب و تائید اینان بوده است.

#### ۴ - در مورد ولایت فقیه و مجلس خبرگان

مخالفین ما توطئه انحلال مجلس خبرگان را به نهضت آزادی ایران نسبت می دهند. و می گویند که:

"مگر شما (نهضت آزادی) نبودید که با ولایت فقیه

مخالفت کردید؟ شما نبودید که با مجلس خبرگان

مخالفت و بر علیه آن توطئه کردید؟" (۳)

جواب ما بهر دو مطلب و اتهام بطور قاطع منفی است.

در مورد مطلب اول: در هیچیک از انتشارات رسمی و غیر رسمی نهضت آزادی ایران و سخنرانیهای سران نهضت جمله و عبارتی که بتوان مطلب فوق را از آن بیرون کشید نمی توان یافت. اگر چنین مطلبی بنظر معترضین و مخالفین نهضت رسیده است بهتر است عینا آنرا نقل کنند و بفرمایند در کجا و در کدام نشریه از نهضت آزادی مطلبی در مخالفت با این مسئله آمده است.

نهضت آزادی ایران آنچه را که در قانون اساسی مصوبه مجلس خبرگان آمده است و بامضای رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

هم رسیده است و همگان بر آن توافق کرده‌اند پذیرفته و بدان رای مثبت داده است. نمایندگان نهضت آزادی در مجلس شورای اسلامی نیز طی سوگندی دفاع از تمامی قانون اساسی را بر عهده گرفته‌اند. قطعنامه آبان ماه ۱۳۶۰ نهضت آزادی در بخش "اعتقاد به انقلاب اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری و قانون اساسی" در این باب صراحت دارد:

"قانون اساسی حدود و ثغور اختیارات هر یک از قوا و نهادها را معین کرده است. هم مقام ولایت فقیه و هم حقوق اساسی ملت و آزادیهای سیاسی در رابطه با اجتماعات و مطبوعات و نظائر آن و هم اصول و ضوابط حاکم بر روابط اقتصادی و هم اختیارات قوای سه‌گانه مشخص شده است. اجرای دقیق و جامع اصول مندرج در قانون اساسی در جهت حرکت بسوی جامعه اسلامی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. قبول و اجرای برخی از اصول و نفی و انکار برخی اصول دیگر و تخطی از آنها  
از جانب هر کس و هر مقام و یا هر گروهی محکوم و مطرود می‌باشد."

آیا از این قاطع‌تر و واضح‌تر می‌توان موضع خود را بیان کرد؟  
اما در مورد توطئه انحلال مجلس خبرگان - ما به کرات باین اتهام بی‌اساس پاسخ مبسوط داده‌ایم و مطمئن هستیم که معترضین آنرا نخوانده‌اند. و اگر خوانده بودند و انصاف داشتند هرگز مسئله را باین صورت مطرح نمی‌ساختند.

اولا - تشکیل مجلس خبرگان بدنبال پافشاری و استدلال اعضای دولت موقت در مورد تاسیس مجلس مؤسسان که رسماً و مکرراً از طرف امام و نخست‌وزیر به ملت وعده داده شده بود صورت گرفت. مجمل

آن اینکه تدوین طرح قانون اساسی در هیئت دولت و شورای انقلاب  
 بیش از مدت انتظار بطول کشیده بود و چون در شرایط آنروز مملکت  
 بیم اختلالهایی از ناحیه ضد انقلاب میرفت نظر امام و اکثریت شورای  
 انقلاب (از جمله روحانیون عضو شورا) بر این شده بود که پیش نویس  
 تنظیمی عیناً به فرزندم گذارده شود. پیش نویس تهیه شده مراحل  
 نهائی خود را گذرانیده بود یعنی هیئت دولت و شورای انقلاب آنرا  
 بحث و تصویب کرده بودند. امام و مراجع عظام آنرا ملاحظه، مطالعه  
 و با اصلاحاتی جزئی تأیید کرده بودند. در آن پیش نویس مسئله  
 ولایت فقیه وجود نداشت. در جلسه مشترک اعضای دولت و شورای  
 انقلاب که در حضور امام در قم تشکیل شد. دو نظریه مطرح گردید.  
همانطور که آمد، نظر امام و روحانیون عضو شورای انقلاب و برخی  
دیگر از اعضای آن این بود که از تشکیل مجلس مؤسسان صرف نظر  
شود برای اینکه وقت کم بود، توطئه‌ها زیاد بود و لذا باید هر چه  
سریع‌تر همین پیش‌نویس قانون اساسی را به فرزندم گذاشت. آقایانی  
که در آن جلسه این نظر امام را تأیید میکردند - عبارت بودند از  
مرحومین دکتر بهشتی و دکتر باهنر و طالقانی، آقایان هاشمی  
رفسنجانی، خامنه‌ای، مهدوی‌کنی، صادق قطب‌زاده و مهندس کتیرائی.  
نظر دیگران بود که مجلس مؤسسان که وعده داده شده است تشکیل  
گردد. کسانی که این نظر را داشتند عبارت بودند از آقایان مهندس  
بازرگان - دکتر سحابی - دکتر یزدی - سید احمد صدر - مهندس  
هاشم صباغیان و بنی صدر.

پس از بحث طولانی، بالاخره با پیشهاد مرحوم آیتا...  
 طالقانی و تصویب اکثریت و موافقت امام قرار شد مجلس بررسی قانون اساسی  
 (معروف به خبرگان) با تعداد اعضای کمتری تشکیل گردد و طرح  
 پیشنهادی قانون اساسی، بعد از بررسی و اصلاحات لازم به فرزندم  
 گذارده شود.

دولت موقت با جدیت مسئولیت خود را بهمین ترتیب بانجام رسانید و مجلس خبرگان تشکیل و کار خود را آغاز کرده از آنجا که در مصوبه امام و شورای انقلاب دوره مجلس خبرگان یک ماه معین شده بود لذا پس از انقضای این مدت جنجالهایی علیه مجلس خبرگان آغاز شد، و اطلاعاتی بدولت موقت رسیده بود که باعث شد مسئله در هیئت دولت که آقایان مهدوی کنی، خامنه‌ای، هاشمی رفسنجانی و دکتر با هنر نیز حضور و مشارکت داشتند مطرح گردد. پس از بحث زیاد اکثریت اعضای دولت نامه‌ای محرمانه جهت امام تهیه کردند و روز بعد نخست وزیر و چند نفر از وزیران در یک ملاقات حضوری نامه را همراه توضیحاتی بنظر امام رساندند. رهبر انقلاب آنرا تأیید نکردند و راه حل دیگری را اعلام داشتند. به این ترتیب مسئله در همان سطح دولت و گزارش به امام خاتمه پذیرفت. نه دولت نامه را منتشر کرد و نه دیگر اقدامی صورت گرفت، حال کجای این اقدام را میتوان توطئه نامید؟ آیا طرح مسائل اساسی در هیئت دولت بطور رسمی و با حضور حداقل ده نفر از اعضای شورای انقلاب و از جمله ۵ نفر روحانیون عضو آن شورا، و مذاکره درباره آن، که تماماً در صورت جلسات بطور مشروح ثبت است و گزارش آن به رهبر انقلاب "توطئه" است؟

نهضت آزادی ایران اتهام توطئه علیه مجلس خبرگان را نمی‌پذیرد.  
در هیچ یک از نشریات نهضت هم چنین مطلبی ابراز و عنوان نشده  
است.

اما در مورد مخالفت با مجلس خبرگان؛ همانطور که گفته شد، بودند کسانی که شدیداً به مخالفت با مجلس خبرگان برخاستند و به صدور اعلامیه و انتشار آن در جرائد کثیرالانتشار یومیه پرداختند. مراجعه کوتاهی به آرشیوروزنامه کیهان و اطلاعات و دیگر نشریات و مجلات و همچنین رادیو و تلویزیون در آن تاریخ ما را با دهها

اظهار نظرهای مخالف مجلس خبرگان روبرو خواهد کرد.  
از جمله نامه‌ای است که آقایان فخرالدین حجازی و جعفر شجونی  
در ۲۱ مرداد ۵۸ جهت آقای مهندس بازرگان نخست وزیر دولت موقت  
نوشته‌اند و در بخشی از آن چنین آمده است:

" اما چیزی که در نهایت اهمیت و غیر قابل گذشت  
و اغماض است این است که تشکیل مجلسی با این  
ترکیب و هیئت یکسان و تعلق آن فقط به یک طبقه  
توهین بزرگی به تمام جامعه ایران تلقی میشود و این چقدر  
خطرناک است که انبوه صلاحیت‌ها و صداقت‌ها که  
بمنزله سرمایه بزرگ دوران سازندگی این کشور محسوب  
میشود با این رفتار یکطرفه ظالمانه و حق کشی بحال  
انزوا و کناره گیری درآیند. این خطر بزرگ نه تنها  
موجودیت جامعه و انقلاب مستضعفین امت ما را به  
مخاطره میاندازد بلکه بزرگترین تهدیدی است برای  
مکتب نجات بخش اسلام و این زیننده شخصیت شما  
نبود که در دوران نخست وزیری شما چنین انحطاط  
و سیر قهقرائی به نهضت اسلامی ایران تحمیل  
شود. (۱۴)

مخالفت با مجلس خبرگان از این قاطع تر و صریح تر نمیشود. علاوه  
بر این نوشته دیگری بتاريخ ۱۲ آذرماه ۵۸ خطاب به امام موجود  
است که بامضای جمعی از جمله آقای شجونی نماینده فعلی مجلس شورای  
اسلامی رسیده است که در آن شدیداً به قانون اساسی مصوبه مجلس  
خبرگان حمله و اظهار کرده‌اند که:

"در شرایطی که همه یا مرعوبند یا مجذوب ما برای  
آنکه حق حیات در این جامعه را از خود سلب نکنیم  
ناچار به فراندوم پیشنهادی مقام رهبری رای مثبت

میدهیم . اما این نه بان معناست که ما این قانون که تناقضات از سر و روی آن میبارد و حاکمیت ملی و مردمی را که خلاصه خلیفه الهی انسان است و میراث انقلابی اسلام را پس از قرنهای اینک به مخاطره سقوط و تباهی می بینیم و جاذبیت مکتبی که معجز - آسای طی هشت ده سال اخیر با مفاهیم جدید در مقابل مکاتب دیگر اظهار وجود و تفوق جهانی میکرد و نسل جوان را از سرگشتگی و گرایش انحرافی به صراط مستقیم اسلام هدایت کرد و این دستاورد گرانبها را امروز شدیداً در خطر می بینیم ، موافق باشیم ! ما قاطعانه پیش بینی تناقضات شدیدی را بین گروهها و طبقات مختلف در آتیه ای نه چندان دور می نمائیم . ما این تناقضات را نه تنها بین عامه مردم بلکه بین همان دستگاه که اینک حامل ولایت فقیه گردیده به روشنی احساس می کنیم ."

حال چرا آنها که باین صراحت علیه مجلس خبرگان موضع داشته اند فراموش و یا از مقربین درگاه شده اند؟ و نهضت آزادی این چنین بدور از انصاف و تقوای اسلامی مورد اتهام و حمله قرار می گیرد؟ اگر ابراز مخالفت با مجلس خبرگان جرمی قابل تعقیب محسوب بشود قاعدتاً " باید بسراغ آنها سی رفت که چنین تخلفی را مرتکب شده اند نه نهضت آزادی ایران .

۵ - درباره ملی بودن انقلاب اسلامی ایران :  
یکی از معترضین اظهار داشته اند که نهضت آزادی ایران انقلاب اسلامی را یک انقلاب ملی قلمداد نموده است و بعد نتیجه گرفته و قضاوت کرده اند که :



"مگر شما نبودید که داشتید انقلاب را منحرف میکردید  
و یک جنابیتی به تاریخ می نمودید... شما واقعا  
صداقت انقلابی دارید؟ مردم شعار اسلام را دادند  
و به جمهوری اسلامی رای دادند و آنوقت که سفره  
باز شده شما می آئید و اسم ملی بر روی آن  
می گذارید؟" (۴)

ما از چنین بیانی واقعا تعجب می کنیم. مگر انقلاب اسلامی ایران بر توده های ملیونی ملت ایران تکیه نداشت؟ از نظر ما ملی بودن انقلاب اسلامی به این معنی است که این انقلاب بهیچ یک از ابر قدرتها و دولت های خارجی وابسته نبوده به کمک هیچ دولتی پیروز نشده است، انقلاب اسلامی ایران بعد از الطاف خفیه الهی تنها با قدرت متحد و یک پارچه اکثریت عظیم ملت ایران بود که توانست نظام شاهنشاهی را سرنگون سازد و سلطه سیاسی اجانب را قطع سازد. انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب ملی باین معناست که ماهیت طبقاتی نداشته از ملت ایران و بخاطر آزادی ملت و استقلال مملکت و اسلامی بودن دولت برخاسته است، و بقول شهید مطهری:

"نهضت کنونی ایران به صنف و طبقه خاصی از مردم  
ایران اختصاص ندارد، نه کارگری است، نه کشاورزی،  
نه دانشجویی، نه فرهنگی نه بورژوازی، در این  
نهضت غنی و فقیر و مرد و زن، شهری و روستایی،  
طلبه و دانشجو، پیلهور و صنعتگر، کاسب و کشاورز،  
روحانی و آموزگار با سواد و بیسواد یکسان شرکت  
دارند." (۱۵)

حرکتی با چنین اوصاف یک حرکت ملی است. یعنی متعلق به ملت است. از ملت نشأت گرفته است نه از اجانب و نه از غیر ملت. ملت هم یعنی مردم ایران با معتقداتش و فرهنگش و تاریخ و حقوقش.

ملی بودن انقلاب اسلامی ایران بمعنای مردمی بودن آنست. نهضت آزادی ایران به کلمه "ملی" بهمین معنا و مفهوم می‌اندیشد و نه به معنا و مفهوم دیگری. نهضت آزادی ایران به "ملی‌گرائی" به مفهوم اندیشه قومیت پرستی و ملیت پرستی که به صورت "پان عربیسم"، "پان ایرانیسم"، "پان کردیسم"، "پان هندیسم" و غیره بخصوص در برخی کشورهای اسلامی و جهان سوم، ترویج میشود و هدفش تشدید نزاعهای مذهبی و نژادی و قطعه قطعه کردن سرزمین اسلامی است اعتقادی ندارد و با آن در ستیز بوده است.

نهضت آزادی ایران چنین درکی و تفسیری از ملی و ملی بودن دارد و این اعتقاد بطیبت را از اسلام میداند. حال این چه تهمت و افتزائی است که با برجسب ملی گرائی ما را متهم بکفر و نفاق می‌نمایند؟

ما مایل نیستیم به بحث و مجادله لفظی بپردازیم. اگر معترضین به نهضت آزادی از واژه "ملی" ناراحت و نگران هستند، می‌توانند از هر لفظ و لغت دیگری که مردمی بودن و عدم وابستگی انقلاب اسلامی را به شرق یا غرب برساند استفاده کنند. بنظر ما ملی و مردمی بودن انقلاب اسلامی با ویژگی عقیدتی آن، یعنی اسلامی بودنش منافاتی ندارد. بلکه ملی بودن آن، یعنی قدرت انقلاب در جذب و بسیج تمامی اقشار ملت، ناشی و نتیجه‌ی مذهبی بودن آنست. امام هم که در حکم نخست‌وزیری آقای مهندس بازرگان به سوابق مبارزات ملی و اسلامی ایشان اشاره کرده‌اند ملی را بهمین معنا، یعنی مبارزات بخاطر ملت و مردم، بکار برده‌اند.

آیا آنها که بناحق نهضت آزادی را دائما مورد حمله و تهاجم قرار میدهند تمامی نشریات نهضت را مطالعه فرموده‌اند؟ و برآستی چه مطلبی را مغایر با اندیشه اسلامی در آنها یافتاید؟ ما با کمال علاقه انتظار داریم اگر به مطلبی در این مورد برخورد کرده‌اند ما را

آگاه سازند تا به اصلاح آن برخیزیم .

۶ - در مورد گردهمایی اسفند ۵۷ در احمد آباد:

بما نسبت داده‌اند که:

"مگر شما نبودید که جمعیت را جمع کردید و به احمد  
آباد بردید و خواستید به خیال خودتان رهبری  
انقلاب را تضعیف کنید"؟ (۳)

اطلاعات گوینده در این مورد ناقص و در نتیجه قضاوت ناصحیح و دور  
از حق کرده است. برگزاری مراسم سالگرد درگذشت دکتر مصدق در  
۱۴ اسفند ۵۷ در احمد آباد نه توسط دولت موقت بود و نه نهضت  
آزادی ایران در آن مشارکت داشت. دعوت کنندگان بآن مراسم عبارت  
بودند از: جبهه دموکراتیک ملی - جنبش ملی مجاهدین - چریکهای  
فدائی خلق و جبهه ملی. خبر این تجمع و گردهمایی در جلسه هیئت  
دولت و شورای انقلاب مطرح شد. بدنبال گزارش دولت، شورای انقلاب  
در جلسه‌ای در همان روزها در منزل آقای دکتر عباس شیبانی تصویب  
کرد که اولاً دولت در این رابطه بیانیه‌ای صادر کند و ثانیاً مرحوم  
آیت‌الله طالقانی ترتیبی بدهند که حتماً در آن مراسم صحبت کنند  
و سعی نمایند حتی‌الامکان صحبت‌های خود را طولانی بسازند تا تمامی  
وقت را بگیرند و برای سایر سخنرانان مجال کمتری باقی بماند و باین  
ترتیب از سخنان احتمالاً انحرافی و شبهه انگیز جلوگیری شود. این  
جلسه ۲ یا ۳ روز مانده به ۱۴ اسفند تشکیل شده بود و وقت و فرصت  
کم بود. معذالک مرحوم طالقانی با استفاده از موقعیت خودشان توانستند  
اینکار را بکنند همه این برنامه‌ها برای آن بود که برگزار کنندگان آن  
مراسم از احساسات مردم نسبت به مرحوم دکتر مصدق سوء استفاده  
نکنند و خود را تنها مدافعان آن شخصیت بزرگ و خدمتگزار ایران  
که پنجه در پنجه گول استعمار انگلیس انداخت و وارثان نهضت ملی

و ضد استعماری سالهای قبل از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲، معرفی  
نمایند.

ما پیشنهاد میکنیم مذاکرات شورای انقلاب در آنروز جهت اطلاع  
معترضین و استحضار مردم عیناً منتشر گردد.

۷ - در مورد کمک به کمیته امداد امام و شهداء انقلاب:

یکی از معترضین گفته است که:

"برادرها من مسئول کمیته امداد بودم خدا شاهد است  
هفت هشت ماه بر ما چه گذشت با گرفتن پول و  
حواله از امام ما کمیته امداد را اداره میکردیم و در  
خدمت شهدا و مجروحین بودیم و در خدمت برادر  
عسکراولادی و سایر برادران. وضع عجیبی ما داشتیم  
بارها به قم میرفتیم برای پول و این دولت موقت  
که اینجور برای مردم گریه می کند اصلاً نمی پرسید که  
شما چکار میکنید؟ شهید و مجروح چطور اداره میشود؟  
آخه مائی که دولت این مردم هستیم و این مردم  
با شهید دادن و مجروح شدن پیروز شده اند آیا اینها  
چکار می کنند؟ وضع خانواده هایشان چیست؟ حتی  
یک سؤال از ما نکردند، هر چه بود حضور امام.  
حتی ما رفتیم حضرت عبدالعظیم پول گرفتیم از روی  
ناچاری که بتوانیم اوضاع را اداره کنیم. خوب گوش  
بدهید. اینها اصلاً به فکر نبودند. اما مسئله بعدی  
را توجه کنید که اون خیلی مهمه. ما همین وضعی که  
ما هشت ماه با خون دل خانواده شهید و مجروح را  
می گذرانیم و اصلاً دولت موقت سؤال نمی کند.  
شورای انقلاب هم بعضی هاشون مانند مرحوم بهشتی

میسوزه و تلاش می‌کند که به کاری بشه و نمی‌تونه یک کاری بکند. " (۳)

هموطنان عزیز :

آیا بی انصافی نیست که واقعیت وضع مملکت را بعد از پیروزی انقلاب فراموش کنیم؟ مگر یادتان رفته است که دولت موقت وارث چه وضعی بود؟ دولت موقت در شرایطی قبول مسئولیت و مأموریت کرد که خزانه خالی بود اقتصاد کشور متوقف شده بود، بانکها در حال ورشکستگی بودند میلیاردها سرمایه از کشور خارج شده بود. و این امری نبود که از دید مردم و رهبری انقلاب پنهان باشد. آقای مهندس بازرگان از همان ابتدای قبول مسئولیت از هر فرصتی استفاده میکردند و حقایق وضع مملکت را به ملت یعنی صاحبان اصلی انقلاب، گزارش میدادند در پیام رادیو - تلویزیونی ۲۴ اسفند ۵۷ گفتند:

"روزیکه بانک باز شد و شروع به کار کردیم ۵ میلیارد تومان بیشتر پول نبود که همان روز اول ۲ میلیارد آن رفت (در برابر چکها بیانکها دادیم) و یک میلیارد و نیم آن هم روز بعد پرداخت شد و روز سوم دیگر چیزی نمانده بود."

این گزارش نخست وزیر بان علت بود که هم مردم در جریان باشند و هم توقعات بیپهوده از دولت نداشته باشند:

"از همه طرف فشار روی دولت است همه میگویند حکیم باشی بخواهد!! در حالیکه دولت از همه بیچاره‌تر و بی‌پول‌تر است، از همه جیبش خالی‌تر است. این اعتصاب‌ها دولت را هم متضرر کرده یک قلم از کارخانجات دخانیات ۲ میلیارد تومان کسر فروش داشته، در گمرکات بخاطر اعتصاب ۹ میلیارد تومان کسر درآمد دارد."

این تنها آقای مهندس بازرگان نبودند که واقعیت را درک و سپس بر ملت گزارش کردند. آنها که قبول مسئولیت‌های اجرایی کرده و می‌کنند، وقتی از نزدیک یا حقایق و واقعیت‌های مملکت روبرو می‌شوند، لاجرم به این امر اعتراف می‌نمایند.

از جمله آقای هاشمی رفسنجانی، اخیراً "در خطبه نماز جمعه ۷ آبانماه ۶۱ خود وضع مملکت را در زمانی که انقلاب پیروز شد چنین ترسیم نمودند:

\* "وقتی این کشور را ما از خانواده پهلوی تحویل گرفتیم مثل یک عضوی از بدن است که از دهن یک سگ هار بیرون آمده باشد و نیش‌ها و لعاب دهن سگ هار آن عضو را بکلسی فلج و ناقص کرده باشد این عضو آسیب دیده را تا انسان به حال عادی برگرداند خیلی طول دارد، حالا دیگر چه رسد به اینکه به حالت تکاملی و ایدآل برساند".

\* "شما میدانید که ما چه تحویل گرفتیم و چه کشوری تحویل گرفتیم از دست رژیم شاه و چقدر کار داشتیم".

\* "کشوری که وقتی دست ما افتاد و شش ماه اعتصاب را پشت سر گذاشته بود آنهمه‌ارز را از کشور بیرون کرده بودند. همه کارخانهای ما نیاز به مدیر خارجی و قطعه خارجی داشتند یا مدیر داخلی که فرار کرده بود".

"پیمانکاری‌ها همه خوابیده بود و مؤسسات اداری بکلی فلج شده بود".

"وزرا، مدیرکل‌ها، استاندارها، فرماندارها نبودند، و ارتش‌مان آنجوری بود که میدانید، چقدر از نیروهای سطح بالای ارتش تصفیه شدند. پلیس اصلاً رفته بود.

ساواک که این کشور را به هم میدوخت و نگه میداشت  
بطور کلی رفت".

"همه اینهایی که حافظ بودند آن نظام را، از دست  
رفته بودند، ما هم آدمهایی نبودیم که تجربه کشور  
داری داشته باشیم".

"و تازه ما را هم بحال خودمان نگذاشتند".

البته باید توجه داشت که رژیم پهلوی مملکت را به ما "تحویل"  
نداد. بلکه آنرا به بدترین شکل و وضع ممکن بهم ریخت و مسئولان  
امور از برابر انقلاب یا فرار کردند و یا بدست انقلاب اسیر شدند.  
کسی نیامد کشور را بدولت موقت "تحویل" بدهد تا ما بدانیم سرمایه‌های  
موجود کجاست و چیست؟ ماهها طول کشید تا دولت موقت توانست  
بتدریج این اطلاعات را جمع‌آوری کند.

حال چگونه انتظار دارید که دولت در آن شرایط به کمک کمیته  
امداد امام میشتافته است؟

اما این امر، بمنزله آن نبود که دولت بفکر نباشد، اهمیت  
ندهد، خیر چنین نبود. دولت در رابطه با نیازها، و توقعات بر  
حق مردم، طرحی تهیه کرد بنام "صندوق ترمیم خسارات زمان انقلاب"  
و از خود مردم، که در تمامی مراحل انقلاب ایثار خود را به حداکثر  
و اتم بروز داده‌اند درخواست کمک نمود. در این طرح پیش بینی شده  
بود که تمامی خساراتی که در اثر انقلاب بر مردم وارد شده است  
جبران گردد. از جمله خسارات مالی فراوانی که در اثر تهاجم گروههای  
ضد انقلاب وابسته به دربار در شهرهای مختلف ایران، از جمله نجف  
آباد، کرمان، گنبد کاوس، پاوه و ... به مردم وارد شده بود.

آقای مهندس بازرگان در پیام ۵۷/۱۲/۲۴ خود بملت در مورد  
تاسیس صندوق ترمیم خسارات انقلاب چنین گفتند:

"... وظیفه و برنامه دولت که جزو واجبات است"

در مرحله اول این خواهد بود که هموطنان و کسانی که در آن دوران با حملات مغولوار استبداد خانهایشان را خراب کردند و دکانهایشان را آتش زدند و صدمات مالی و مادی فراوان دیدند وظیفه این است که ما حداقل، ترمیم این خسارات بکنیم و در همین راه هم فکر شد... بلافاصله معلوم شد که یک خانه و دو مغازه و اینها نیست صحبت از صد هزار تومان یا یک میلیون تومان هم نیست بلکه میلیاردها تومان است این بود که وقتی من مواجه با این خرج و عظمت کار شدم صدایش را در نیاوردم. ولی این حرف زده شده و کاری است که باید انجام بشود و چیزی نیست که کسی بتواند بگوید چون نداریم نمیشود. باید انجام داد."

"بنابراین فکری که بنظر آمد این بود که ما از یک سرمایه سرشار و از یک چیزی که ارزنده تر و اساسی تر از نفت و درآمد گمرک است استفاده کنیم اما سرمایه سرشار زنده تمام نشدنی مملکت و ملت همان همکاری و علاقه و میل مردم به معاضدت با یکدیگر است. بنابراین وقتی چنین گنجی داریم که از گنج قارون هم وسیع تر است چرا از آن استفاده نکنیم."

لذا تشکیل صندوق ترمیم خسارات انقلاب اعلام گردید و از مردم درخواست شد که کمکهای خود را بحساب این صندوق در بانکها بریزند. امام هم ضمن تأیید این برنامه دولت موقت اولین کمک عمده و اساسی را به حساب صندوق مزبور پرداخت مینمایند. و از همین راه حدود ۸۰٪ خسارات وارده پرداخت شد.



## ۸ - مقرری ورثه مرحوم شهید دکتر سید حسین فاطمی:

گوینده‌ای پس از بیان مشکل مالی کمیته امداد امام و شکستن تمامی کاسه کوزه‌ها بر سر دولت موقت، ضمن تحریک احساسات مردم علیه نهضت آزادی ایران مدعی می‌شود که:

" به ما خبر می‌رسید که آقایون نشسته‌اند تو جلسه گفته‌اند یک مصوبه‌ای داشته باشند تصویب کنیم بر این که برای زن و بچه دکتر حسین فاطمی که شهید و کشته شد در سال ۳۴، یعنی ۲۰ سال قبل، برای اون ماهی فلان قدر به خارج بفرستیم که دیگه بچه‌هایش در خارج دیگر بزرگ شده‌اند، زنش دیگر چنین و چنانه. ترو بخدا به‌بینیم ما انحصار طلبیم یا شما. آخه وقاحتم یک حدی دارد. آخه بی‌انصافی هم یک حدی داره. چقدر آدم بی‌انصاف باشد. اصلا در این ایران شهیدی نبوده، نواب صفوی شهیدی نبوده، سعیدی شهیدی نبوده، غفاری شهیدی نبوده، شهدای ۱۷ شهریور شهید نبوده، آنهمه شهدا شهید نبوده‌اند؟ یک نفر شهید بوده که آنهم از آقایان بوده، آنهم بعد از ۳۰ سال که حالا دیگر بچه‌هایش به نره غولی شده بفرستیم پول برایش به خارج تا اون بخوره؟" (۳)

مطالب فوق خلاف واقع است، راوی آن قطعا و بدون تردید اشتباه کرده است. تصویب مقرری جهت ورثه مرحوم شهید دکتر سید حسین فاطمی، در تاریخ ۵۹/۴/۱۵ یعنی هشت ماه پس از استعفای دولت موقت توسط شورای انقلاب بوده است. متن تصویب نامه شورای انقلاب را عینا می‌آوریم تا اگر فرصتی باشد و بخواهند سخنان خود را اصلاح کنند مفید و لازم بیاید:

لایحه قانونی راجع به برقراری حقوق وظیفه درباره  
همسر مرحوم دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه  
اسبق مصوب ۵۹/۴/۱۵.

ماده واحده: از تاریخ تصویب این قانون ماهانه  
معادل حداکثر حقوق بازنشستگی وزرا بعنوان حقوق  
وظیفه در مورد همسر مرحوم دکتر حسین فاطمی وزیر  
امور خارجه اسبق ایران بشرط نداشتن شوهر و با  
رعایت کلیه مقررات مربوط بفرار واز صندوق بازنشستگی  
کشوری پرداخت میگردد. این حقوق وظیفه مشمول  
کلیه افزایش های بعدی حقوق بازنشستگی و وظیفه  
مقامات، موضوع تبصره ماده ۳۲ قانون استخدام کشوری  
می باشد.

آیا این عمل دور از حق و انصاف نیست ؟

#### ۹ - سابقه مبارزات نهضت آزادی:

اکثر معترضین و مخالفین نهضت آزادی بدنبال حملات و جوسازی ها  
به تخطئه سوابق روشن مبارزات نهضت پرداخته و مدعی شده اند که:  
" آقا جان من ، شما چه مبارزه کردید و چقدر مبارزه  
کردید و مبارزاتتان در چه حدی بود . شما یک مبارزه  
قبل از ۴۲ داشتید و یک حرفی بر علیه رژیم ، بر  
علیه رژیم و دولت ، نه شاه می گفتید . همان موقع در  
کنارش هم یک نیش به روحانیت می زدید ، یک نیش  
هم به مدرسه ها و مسجدها می زدید . مگر شما نبودید  
که در سال ۴۱ می گفتید رفرا ندوم آری اصلاحات  
آری و دیکتاتوری نه و اصل اصلاحات آمریکائی را

می‌خواستید؟ تنها به امید این بودید که آمریکا علی  
امینی را کنار بگذارد و شما جای او را بگیرید؟" (۳)

هموطنان عزیز :

ما در صدد آن نیستیم که کارنامه مبارزات سران و فعالین نهضت  
را از روزهای سیاه و تاریک بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ علیه  
دولت مرحوم دکتر مصدق و بازگشت مجدد شاه فراری و استیلای  
خونین امپریالیست‌های شرقی و غربی بر کشورمان تا با امروز یک بیک  
بیان کنیم. مجموعه اسناد مبارزات نهضت مقاومت ملی (سالهای ۳۲  
تا ۴۰) و نهضت آزادی ایران از سال ۴۰ به بعد تماماً موجود و در  
دسترس می‌باشد هر انسان منصفی با مراجعه به آنها می‌تواند قضاوت  
کند که چه کسانی در خانه‌ها خزیده بودند و چه کسانی با شجاعت  
و قاطعیت در برابر غول عظیم استبداد و استیلای خارجی مقاومت  
می‌کردند. ما نیازی به ذکر آنها نداریم آنچه بر حسب وظیفه ملی و  
اسلامی کرده‌ایم، اگر مقبول درگاه احدیت قرار گیرد، ما را بس و از  
هیچ فرد و گروهی هم انتظار پاداش نداریم.

اما این سخنان تحریف تاریخ است. ما آنها را به مطالعه اسناد  
تاریخی در این زمینه دعوت می‌کنیم تا معلوم شود که قضاوت تا چه  
حد ظالمانه است. تا معلوم گردد که در آن زمان که حتی در محافل  
مذهبی، یکی از بزرگترین ایرادات به موسسین نهضت فعالیت‌های  
سیاسی بود و مرحوم طالقانی بعنوان "آخوند سیاسی" طرد می‌شد،  
ما به فعالیت‌ها و مبارزات خود علیه استبداد شاهنشاهی و علیه استیلای  
خارجی بر اساس اعتقاد به جهان بینی توحیدی ادامه می‌دادیم. و  
این در زمانی بوده است که هیچ کس و هیچ گروهی در داخل ایران  
علیه شاه و استبداد پهلوی سخنی نمی‌گفته است. اگر به قول مخالفین  
ما نهضت آزادی علیه شاه حرفی نمی‌زده است پس دلیل دستگیری  
سران و فعالین نهضت آزادی و محاکمه و محکومیت‌های سنگین آنان

چه بوده است.

اگر این حضرات اسناد نهضت مقاومت ملی و نهضت آزادی را ندیده‌اند، مسلماً کتاب بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی را ملاحظه کرده‌اند. انصاف داشته باشند بهمین کتاب رجوع کنند. در این کتاب آمده است که وقتی محاکمات نظامی سران نهضت پایان پذیرفت و احکام صادره اعلام شد عده‌ای از دانشجویان دانشگاه تهران بدیدار امام در قم رفتند. امام خطاب به این دانشجویان درباره محکومیت سران نهضت آزادی چنین گفتند:

"... من خوف داشتم که اگر در موضوع بیدادگری

نسبت به حجت‌الاسلام آقای طالقانی و جناب آقای

مهندس بازرگان و سایر دوستان کلمه‌ای بنویسم موجب

تشدید امر آنها شود و ده سال زندان بیانزده سال

تبدیل گردد اینک که حکم جابرانه دادگاه تجدید

نظر صادر شد ناچارم از اظهار تاسف از اوضاع ایران

عموماً و از اوضاع دادگاه خصوصاً." (۱۶ صفحه ۶۹۲)

علاوه بر این وقتی امام از زندان آزاد و سه قم بازگشتند،

دانشجویان حوزه علمیه قم در شب جمعه ۲۱ فروردین ۴۳ در مدرسه

فیضیه جشنی بهمین مناسبت برگزار کردند و طی قطعنامه‌ای از جمله

آزادی سران نهضت آزادی را خواستار شدند. (۱۶ صفحه ۶۵۰)

روز بعد، جمعه ۲۱ فروردین ۴۳، امام سخنان جامعی ایراد

کردند که شروع آن بشرح زیر بود:

"از زندانی بودن آقای طالقانی و مهندس افسرده

نباشید تا این چیزها نباشد کارها درست نمیشود.

تا زندان رفتن‌ها نباشد پیروزی بدست نمی‌آید. هدف

بزرگتر از آزاد شدن عده‌ای است. هدف را باید در

نظر داشت." (۱۶ صفحه ۶۵۶)

در بیانیه‌ای که با مضای مجاهدین حوزه علمیه قم بمناسبت سالگرد انقلاب با اصطلاح سفید شاه تحت عنوان "دام اسارت یا فراندم قلابی شش بهمن" انتشار یافت، آمده است :

" از طرفی حضرت آیت‌الله طالقانی و اساتید محترم دانشگاه مانند جناب آقای مهندس بازرگان و جناب آقای دکتر سحابی که از افتخارات این آب و خاکند بازداشت و بعد در محکمه فرمایشی بچندین سال حبس مجرد محکوم شدند و دانشجویان عزیز پیوسته مورد حمله کماندوها و سربازان گارد قرار گرفته و سپس راه زندان را پیش می‌گیرند. " (۱۶ صفحه ۶۲۸)

هم چنین در بیانیه‌ای که هیئت‌های موء تلفه اسلامی بمناسبت هفتمین روز شهادت طیب حاج رضائی و حاج اسماعیل رضائی انتشار دادند آمده است :

"بگذار مردان آزاده‌ای نظیر حجت‌الاسلام طالقانی و مهندس بازرگان و دکتر سحابی استادان محترم و ارزنده دانشگاه و دوستانرا در محیط ترور و وحشت و در زیر سایه سر نیزه بدست نظامیان بی‌اراده‌ایکه باعتراف خودشان مجری فرمانند محاکمه و محکوم شوند. . . ." (۱۶ صفحه ۶۲۲)

در همین کتاب یاد شده پس از نقل مطالب امام آمده است :

"پشتیبانی فائد بزرگ از "نهضت آزادی ایران" گام موثر، مثبت و ارزنده‌ی دیگری بود که در راه اتحاد میان نیروهای اسلامی و ضد استعماری برداشته میشد و در نزدیک‌تر کردن نیروهای دانشگاهی و حوزه‌های علمیه نقش سازنده و موثری ایفا میکرد و توطئه‌ی مفرضانه و حسودانه و کوتاه نظرانه‌ی بعضی از احزاب

را که باصطلاح خود را تنها مدافع امام خمینی و راه ایشان معرفی میکردند و میکوشیدند که میان ایشان و هرگروه، حزب و جمعیت دیگری تفاهم ایجاد نگردد به کلی خنثی ساخت. آنان دریافتند که امام خمینی اندیشمندتر، ژرف نگرتر و دوراندیش تر از آنستکه آنها بتوانند به عنوان چماقی از ایشان استفاده کنند و خورده حسابهایی را که سالیان دراز است با بعضی احزاب دارند از طریق ایشان تصفیه نمایند.

حوزه‌ی علمیه‌ی قم که با سران نهضت آزادی ایران و شخص آقای طالقانی رابطه نزدیک و مرتبی داشت به دنبال صدور این اعلامیه پشتیبانی روابط خود را عمیق‌تر و استوارتر ساخت و همکاری نزدیک‌تر و مشکل‌تری را آغاز کرد. بسیاری از اعلامیه‌ها و مدافعات سران نهضت آزادی به وسیله‌ی مجاهدین حوزه‌ی قم چاپ و پخش میگردد. به دنبال مرگ مادر مهندس بازرگان تسلیت نامه‌ای به عنوان ایشان از طرف عده‌ای از روحانیان مجاهد قم تنظیم گردید و همراه با دهها امضا به روزنامه‌ها داده شد ولی هیچ روزنامه‌ای به درج آن مبادرت نکرد و با کمال معذرت خواهی اظهار داشتند که از طرف سازمان امنیت درج هرگونه تسلیت نامه‌ای جهت آقای مهندس بازرگان اکیدا ممنوع اعلام گردیده است. روحانیان مجاهد تسلیت نامه‌ی مزبور را به صورت اعلامیه‌ای چاپ و پخش کردند و در زیر تسلیت نامه جلوگیری ساواک را از درج آگهی تسلیت جهت آقای مهندس بازرگان در جراید، شدیداً محکوم

کردند". (۱۶ صفحه ۶۹۳)

اعلامیه مزبور با امضای ۵۳ نفر از مدرسین و فضلای حوزه علمیه قم عینا در کتاب کلیشه شده است. از جمله امضا کنندگان آن آقایان محمد شبستری، سید هادی خسرو شاهی، حسین حقانی، سید ابوالفضل موسوی، احمد آذری قمی، علی فدوسی، علی مشکینی، مهدی کروی، سید محمود دعائی، محمد علی شرعی... میباشند که بعضی از آنان در حال حاضر مسئولیت‌های بسیار حساسی را در مملکت بر عهده دارند.

ما با آنها که بعد از پیروزی انقلاب، مکتبی و انقلابی شده‌اند و امروز بیش از همه خود را طلبکار از انقلاب می‌دانند و به نهضت آزادی ایران هتاکي و فحاشی می‌کنند حرفی نداریم.

اما سخن ما با آن معترضینی است که مطمئنا در آن شرایط کاملا در جریان مبارزات نهضت آزادی قرار داشته‌اند و چه بسا - توزیع‌کننده اعلامیه‌های نهضت در مخالفت و مبارزه با استبداد پهلوی که نمونه‌هایی از آن‌ها در همین کتاب مذکور کلیشه شده است - بوده‌اند. آیا بهتر نیست یکبار دیگر آن اعلامیه‌ها و سپس بیانیهای را که خودشان امضا کرده‌اند مطالعه کنند آنگاه با ما همصدا خواهند شد که حقا قضاوت بسیار غیر عادلانه و بدور از حقیقتی را کرده‌اند.

علاوه بر اینها توصیه می‌کنیم که این برادران معترض بی‌اطلاع و هم آنها که معلوم نیست از کی مسلمان و انقلابی شده‌اند برای اطلاع بیشتر از مبارزات نهضت آزادی علیه شاه به نشریه "بعثت" که از طرف محصلین حوزه‌ی علمیه‌ی قم در همان دوران منتشر می‌گردید مراجعه کنند.

برای مزید اطلاع اضافه می‌کنیم که برخلاف نظر معترضین اولین بیانیها و موضع‌گیری‌ها علیه استبداد محمد رضا پهلوی و استیلای امپریالیسم آمریکا بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد توسط نهضت مقاومت

ملی اعلام شد. اولین مقاله کوبنده علیه سلطه مستشاران خارجی تحت عنوان "ملت مسلمان ایران مستشار مسیحی نمی‌خواهد" در مهر ماه ۱۳۳۲ توسط همین افراد نوشته شد. در تمام بیانیه‌های نهضت مقاومت ملی در سالهای ۳۲ تا ۴۰ و در بیانیه‌های نهضت آزادی در سالهای ۴۰ به بعد، همیشه لبه تیز حمله ما متوجه شاه و سلطنت پهلوی و سلطه امپریالیست‌ها بوده است و علی‌رغم خطوط مذهبی تسلیم شده دربار و خطوطی سیاسی طرفدار سیاست‌صبر و انتظار و مماشات با دشمن، نهضت قاطعانه و باروشن بینی دربار شاه و پهلوی را بعنوان پایگاه استعمار خارجی و مرکز توطئه علیه ملت مورد حمله مستقیم خود قرار میداده است. بعنوان نمونه در بیانیه نهضت آزادی در تاریخ ۴۲/۱/۱۸ (قبل از قیام ۱۵ خرداد) آمده است:

"خواست ملت ایران یک کلمه است که از روحانی عالیقدر و کاسب سرگذر، از دانشجو و کارگر و دهقان همه در در آن شریک‌اند آنهم "آزادی است" ملت ایران میگوید یک فرد حق ندارد بهر طریقی که دلخواه اوست و با اعمال هرگونه زور و قدرت، بر یک ملت حکومت کند.

این سخن فارسی است و قابل فهم. این سخن عبری نیست که برای فهم آن احتیاج با استخدام مستشار و مشیر و مشاور از کشور اسرائیل باشد. متوجه میشوید یا نه... ما آزادی می‌خواهیم. ما می‌گوئیم شخص شاه حق ندارد قانون وضع کند، دولت بیاورد، دولت ببرد و هر کاری از کوچک و بزرگ با نظر و اراده او انجام گیرد و در عین حال معصوم، غیر مسئول و دارای مقام مقدس و حتی لایزال باشد. اینرا می‌گویند ارتجاع، می‌گویند استبداد... می‌گویند دیکتاتوری..." (۲۱)



مبارزه با دربار شاه پهلوی، در زمانی محور اصلی فعالیت‌های سیاسی نهضت قرار گرفت که طرح کنندگان سیاست رژیم ایران با تهیه مقدماتی در صدد آن بودند که با ایجاد "نهضت کاذب" یا "نهضت ملی منهای مصدق" در موضعگیری جنبش ملی ایران علیه دربار - بعنوان مرکز توطئه‌های ضد ملی و پایگاه امپریالیسم - انحرافات ایجاد نمایند. موضع‌گیری واقع بینانه نهضت‌تنها برنامه دشمن را فاش ساخت بلکه آنرا عقیم گذاشت. در این مبارزات، نهضت با ارزیابی عینی از ظرفیت عظیم روحانیت در تقویت زیربنای فکری جنبش و توسعه توده‌های آن، بهمکاری و همگامی با روحانیت اصیل و مترقی پرداخت. نهضت از این روحانیت و رهبری آن، حضرت آیت‌الله خمینی، با کمال قدرت پشتیبانی کرد و متقابلاً از پشتیبانی روحانیت مترقی و ضد استعماری و ضد استبدادی برخوردار گردید.

در سایه همین حسن سیاست و صداقت نهضت، پیوندی مقدس و ناگسستنی میان روحانیت اصیل با نیروهای مبارز بوجود آمد که از برکت آن بزودی در ظرف مدت کوتاهی قشرهای وسیعی از زحمتکشان ملت ما بمیدان مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی کشانده شدند و یکبار دیگر سنن ارزنده انقلابات گذشته ایران زنده گردید. فریادهای اعتراض ملت ما با مشت‌های گره کرده، قیام خونین ۱۲ محرم (۱۵ خرداد) را بوجود آورد که اساس دیکتاتوری شاه پهلوی را بلرز درآورد. نهضت آزادی ایران از همان ابتدایه تیز حمله خود را متوجه شاه نمود و با استفاده از امکانات و شرایط مبارزات علنی در نهایت آگاهی و دقت طی اعلامیه‌ها، بیانی‌ها و نامه‌های سرگشاده بتدریج خطوط چهره منحوس شاه را که در پشت قیافه نخست وزیر غلام خان‌زاد و چاکر جان نثار پنهان بود بر روی صحنه سیاست ترسیم نمود. این جهت‌گیری صحیح در بیداری و آگاهی مردم ما و جهت‌گیری سایر نیروهای مبارز تاثیر بسیار گذاشت و کل نهضت ملی را از دام بزرگ

سازشکاری که سیاست آمریکا و شاه در سر راه آن گسترده بودند نجات داد. عملاً از آبانماه ۱۳۴۱ مبارزات نهضت آزادی و روحانیت بهم پیوسته و یکپارچه گردید.

این سمت گیری و حملات، همزمان با طرح انقلاب سفید شاه و فراندوم مسخره‌اش شدت بیشتری یافت و در اعلامیه ۴ بهمن ۱۳۴۱ که بمناسبت فراندوم صادر شده بود چنین نوشت:

"ملت شرافتمند - کارگران - کشاورزان عزیز ایرانی دولت و شاه بنام شما و ظاهراً بخاطر شما میخواهند فراندوم بنمایند. فراندوم یعنی مراجعه به آراء عمومی ملت یعنی اخذ نظریات درباره امر معینی.

برای چه فراندوم میکنند؟

نهضت آزادی بار دیگر به کشاورزان و کارگران،

روحانیون و اصناف و روشنفکران و همه طالبان سعادت

و سربلندی ملت ایران نسبت به خواب بزرگی که

برای اسارت آنها و پایدار کردن بساط خود سری و

دیکتاتوری و فرعون منشی دیده‌اند هشدار میدهد...

وقتی قرار است انقلاب!! و تحول!! بدست مظاهر

اختلاف طبقات و منبع و منشأ فساد و بدبختی و

سرشکستگی یک ملت انجام گیرد بهتر از این اجرا

نمیشود." (۲۱)

در اعلامیه ۲۳ بهمن ماه ۱۳۴۱ نهضت آزادی نوشت که:

"ماجرای فراندوم شاهانه!! ظاهراً پایان یافت. کار

افتتاح و رسوایی در این فراندوم بحدی بود که

حتی دستگاه وقیح و بی‌باک، هیئت حاکمه که در

ادعای موهوم و دروغ پردازی پد طولانی دارد، از

پیروز معرفی کردن خود در این فرماندوم شرم دارد... همه این عقب نشینی‌ها عوامفریبی‌ها و خشونت‌ها برای جلوگیری از شکست و جبران ضربه غیرمنتظره... ایست که هیئت حاکمه و حکومت علنی شاه در اولین مرحله تاثیر انقلاب سفید بر پیکر خود احساس نموده است." (۲۱)

اعلامیه دانشجویان نهضت آزادی ایران تحت عنوان "مبارزه صحیح و مناسب روز، نقشه و برنامه و فداکاری لازم دارد" بخوبی نشان میدهد که نهضت بحرکت تکاملی جنبش توجه و آگاهی داشته درصدد است که این آگاهی را بتمام مبارزین انتقال دهد. در این اعلامیه چنین آمده است:

"دانشجویان عزیز، سربازان قهرمان ایرانی: در تاریخ مبارزات هر ملتی فراز و نشیب‌ها و شکست و پیروزی‌هایی پدیدآمده‌نغیا" و اثباتا" آثاری باقی میگذارد بعضی از ملت‌ها در اثر یک پیروزی موقت مغرور شده دست از مبارزه برمیدارند یا بعکس با شکست کوچکی عقب نشینی اختیار میکنند، ولی بشهادت تاریخ مللی به پیروزی نهائی رسیده‌اند که در برابر این پیروزیها و شکست‌های زودگذر خود را نیاخته هدف و مقصد را فراموش نکرده با بیداری و هوشیاری پیش رفته‌اند...

... هدف، سلاح نوین دشمن، تخریب فکر ما، فرهنگ ما، اخلاق ما، و معنویات ملی و مذهبی ما است."

سپس نهضت در اعلامیه دیگری که بعد از حمله کماندوهای شاه بمدارس علمیه قم صادر شده است چنین می‌گوید:

"فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا" عظیماً .

مردم شرافتمند ایران :

هیئت حاکمه فعلی در مدت یکسال فرضتی را که از اربابان خارجی خود گرفته است شوم ترین بدبختی ها

را برای ملت ایران تدارک دیده است و اکنون که

پایان این فرصت نزدیک میشود به مذبحخانه ترین

تلاشها متوسل گردیده است. رفاندم قلبی برای

میاندازد... وقتی در این راه با تمام ظاهر سازیها

که میکند با بی اعتنائی وسیع مردم روبرو میشود

زخمی شده بفکر انتقام میافتد و اوباش حرفه ای خود

را بجان مردم میاندازند. هرگونه مقاومت منطقی و

استواری را که در مقابل خود احساس میکند اعم از

دانشگاه و مسجد و بازار مرکز و شهرستانها و قراء و

آبادیها را طعمه آتش میکند، پهلوی میدرد، دندان

میشکند، تیرباران میکند...

در شیراز با بمب و در تبریز با رگبار مسلسل و در

قم با دشنه و اسلحه کمری، در اصفهان و مشهد

و کاشان و ... هر کجا بنحوی بفکر جبران شکست

و مرمت بنای پی در رفته حکومت میباشد...

... اکنون حربه هیئت حاکمه متوجه روحانیت است.

شکل یورش و غارت و قتل عام کم و بیش شبیه آنچه

در دانشگاه تهران گذشت میباشد. منتها با وسعت

و درندگی بیشتر و کاملتر یکبار شکست آشکارا از

روحانیت آنهم در آستانه حکومت علنی شاه که منجر

به پس گرفتن تصویب نامه انجمن های ایالتی و ولایتی

گردید گرچه روحانیت را قانع نساخت و حضرت آیت

الله خمینی و سایر علمای اعلام در اعلامیه‌های خود  
کرارا "متذکر شدند که هیئت حاکمه باید از تجاوز به  
قانون اساسی و قوانین شرع اسلام ممنوع گردد ولی  
همین عقب نشینی برای هیئت حاکمه گران تمام شد  
و در صدد جبران آن بود...

... ما بایستی هیئت حاکمه را رسوا سازیم و بهین  
جهت باید برای درهم کوبیدن این قبیل ارادل و  
اوباش آماده بشویم ... " (۲۱)

این اعلامیه‌ها با شعارهای زیر پایان می‌پذیرد:

"سلام به روحانیون مجاهد و عالیقدری که در رهبری  
مسلمانان بدفاع و جهاد از حریم مقدس اسلام و  
قانون اساسی به نجات از یوغ اسارت و بندگی  
لحظه‌ای از پای ننشسته‌اند و بوظائف خود عمل  
مینمایند.

پیروز باد همبستگی خلل ناپذیر مجاهدین راه حق  
و آزادی". (۲۱)

در اعلامیه دیگری که نهضت آزادی روز ۱۶ خرداد ۴۲ صادر  
نمود ابتدا به شرح وقایع قیام پرداخته، همچنان به مردم و انقلابیون  
جهت صحیح را نشان داده، وقایع و حوادثی را هم که احتمال دارد  
در اثر این قیام بوقوع بپیوندد و تغییراتی در شکل ظاهری رژیم  
بوجود آورد پیش‌بینی نموده همگان را آگاهی میدهد:

بِسْمِ تَعَالَى

"خون سراپای وطن تب‌آلود و اسیر ما را پوشانده  
است. سربازان گمنام راه آزادی و ایمان در برابر  
سپاه چنگیزی دژخیم بزرگ بخاک و خون می‌غلطند  
و ... آری در "مذهب جان دادن و تسلیم ناشدن"

پرورش یافته‌اند و از شکوه قدرت دربار نمی‌هراسند.  
کسانی که امروز کوچه‌ها و خیابانها و کوهستانهای  
ایران را با خون خویش‌رنگین ساخته‌اند از مکتب  
بزرگترین شهید راه حق آزادی و انسانیت حسین (ع)  
درس جانبازی و شجاعت آموخته و در روز قیام او  
قیام کرده‌اند ...

... هموطنان! آتش و خون همه جا را فرا گرفته  
شاه در معرض فنا و نابودی است، رژیم پوسیده او  
دیگر نمیتواند در برابر اراده شما قوام و دوام بگیرد.  
او رفتنی است. هشیار باشید چون ممکن است استعمار  
وقتی کار را باین صورت ببیند با یک کودتا رژیم  
شاه را برانداخته برای اینکه مردم را بفریبد کاری  
تند و انقلابی راه بیاندازد. این نقشه دیرینه استعمار  
است. او میداند شاه شناخته شده و دیگر کاری از  
دست او ساخته نیست. حتی نوکری هم نمیتواند  
بکند ...

... شما میدانید که در مملکت ما نان‌آور خانواده  
مرد است. اما صدها نان‌آور بخاطر سعادت شما و  
استقلال و آزادی ایران عزیز قطعه قطعه شدند. شاه  
آنها را قطعه قطعه کرده است. بخانواده‌های آنها  
کمک کنید، هر طور و بهر اندازه که میتوانید کمک  
کنید آنها را تسلیم بدهید. تسلیم آنان گرفتن  
انتقام از شاه آدم‌کش است. صندوق شهدا و زندانیان  
درست کنید ... (۲۱)

ابن اعلامیه با شعارهای سرگون باد رژیم منفور شاه - مرگ بر  
اسرائیل از باب پلید شاه - درود بروان پاک شهدای خونین کفن ملت

ایران - درود بر روحانیون دلاوریکه با قیام مردانه خود قیافه یزیدی  
شاه را بجهانیان نمایانند، پایان میپذیرد.

سهس در تاریخ ۴۲/۳/۱۹ اعلامیه دیگری تحت عنوان "دیکتاتور  
خون میریزد" صادر و پخش نموده است که قسمتهائی از آن بشرح زیر  
است:

مردم مسلمان ایران:

در طول تاریخ ایران، نخستین بار است که بمقام  
منیع نیابت عظیم امام علی علیه السلام جسارت  
میشود و مرجع تقلید حضرت آیت الله خمینی دزدیده  
و زندانی میشود و ...

رقم کشته‌ها و زخمی‌ها در کشور از ده هزار نفر  
متجاوز است. مردم عریان و بجان رسیده این مملکت  
سینه‌های لخت خود را برگبارهای مسلسل‌های شاه  
دیکتاتور سپردند. مردند و تسلیم حکومت جبار  
نشدند. دانشجویان دلیر، بسیاری مردم مسلمان  
بخایانها ریختند و ...

ایرانی مسلمان:

بحکم آیت الله میلانی (در اعلامیه‌ای که در تکذیب  
اعلامیه جعلی از قول ایشان صادر فرمودند) هر کس  
در این شرایط دست از مقاومت بردارد به اسلام،  
به قرآن، به آزادی خیانت کرده است.

هیئات، که تو مسلمان با شرف خیانت کنی، هیئات  
که تو، تو که با فریاد الله اکبر (اسلام و خمینی  
پهروز است) جان میدهی اندیشه تسلیم و خیانت  
بدهماغ راه دهی.

... افراد نهضت آزادی ایران، یاران وفادار قرآن

و شاگردان مکتب آزادی بخش حسین بن علی علیه السلام با ایمان راسخ و قاطعیت و بدون تزلزل با قیام عمومی مردم ایران همگامی نموده و بیاری خدا ملت ستمدیده ایران را تا پیروزی معاونت خواهند کرد. با استعانت از خداوند قهار. " (۲۱)

در تاریخ ۲۲/۴/۴۲ نهضت آزادی در اعلامیه‌ای تحت عنوان "چهل روز از شهادت فرزندان رشید ملت میگذرد" چنین نوشت:

"امسال اربعین حسین مصادف با روزهایی است که ملت مسلمان ایران بعزت چهلمین روز قتل عام وحشیانه هزاران نفر از خواهران و برادران خود داغدار مییاشد... اکنون چهل روز از شهادت عزیزان ما میگذرد. خانواده‌های بیشماری از کشتارنان آوران و نور چشمان خود داغدار و عزا دارند. چه بسا افرادی که بوسیله دستگاه سیاه دیکتاتور زنده بگور شدند. چقدر زنان و اطفال بی‌گناه از بین رفتند. چه سینه‌هایی که هدف گلوله قرار گرفت !!!...

... آیا ملت ایران که برای احقاق حق خود قیام کرده و دلیرانه در مقابل زور و قلدری ایستادگی نمود شکست خورد و یا حکومت دیکتاتوری خونخوار که خود را در مهلکه‌ای انداخته است که از آن خلاصی ندارد؟ آسوده بخوابید ای شهیدان ملت ایران، ای آزادگان وای مسلمانان دلسوخته... آسوده بخوابید و مطمئن باشید ملت ایران نخواهد گذارد خون شما فرزندان اسلام پایمال گردد و راه شما یعنی راه مدرسها و خمینی‌ها را دنبال خواهد نمود.

سلام و درود و تحیت خالصانه ما بر شما ای شهیدان



راه آزادی - شما گناهی نداشتید جز اینکه خدا را  
به خدائی قبول داشتید و در مقابل هر صاحب  
قدرتی و هر پست و رذلی سر تعظیم خم نکردید.  
فریاد شما را ظاهرا با گلوله خاموش کردند و غافل  
از آنکه بانگ حق طلبی شما تا پیروزی نهائی در  
سراسر گیتی طنین انداز است،  
درد و رحمت ایزدی بر شما باد. " (۲۱)

و بالاخره نهضت آزادی ایران پس از صدور اعلامیه‌های متعدد  
دیگر بمناسبت محاکمه سران و فعالین خود در دادگاه نظامی دست به  
صدور اعلامیه‌های زده و در آن به تحلیل و نشان دادن وحدت و یکپارچگی  
نهضت با روحانیت و مراجع عالیقدر بخصوص حضرت آیت‌الله خمینی  
پرداخت.

حال چگونه است که بجای پاسخ انتقادات ما در نامه سرگشاده، با  
تحریف تاریخ علیه نهضت آزادی جو سازی می‌کنند و ما را بدروغ به  
تایید فرماندوم شاه، عدم مبارزه با اجانب خصوصا آمریکای جنایتکار  
و یا نیش زدن بروحانیت اصیل و متعهد و صادق متهم می‌سازند؟!   
آخر کمی انصاف داشته باشید، کمی هم خدا را در نظر بگیرید.  
علاوه بر اسناد یاد شده مگر در اردیبهشت سال ۵۷، این آقای  
مهندس بازرگان نبود که رسماً و علناً و با صراحت در مصاحبه با  
خبرنگاران خارجی گفتند تا هنگامی که شاه در این مملکت هست ایران  
روی آزادی را نخواهد دید؟ مگر نهضت آزادی نبود که در شهریور  
۵۷ نوشت " که شاه باید برود" در آن دوران و در داخل ایران چه  
کسی و کدام گروه شناخته شده‌ای چنین موضعی را رسماً و با صراحت  
اعلام کرده بود؟ همین موضع‌گیری نهضت آزادی بود که امام و رهبر  
انقلاب در ۱۶ رمضان ۱۳۹۸ در پاسخ به نامه نهضت آزادی ایران خارج  
از کشور آنرا مورد تایید قرار دادند.

## ۱۰ - سخنرانی مهندس بازرگان در دارالتبلیغ قم

یکی از خطبا در سخنان خود گفته است که:

" آقای مهندس بازرگان در سال ۴۶ از زندان آزاد شد مستقیم رفت به دارالتبلیغ شریعتمداری و آنجا سخنرانی کرد .

یعنی درست مقابل نیروهای مقاوم ، نیروهای مخالف ، نیروهائی که با شاه درگیر بودند ایستادگی کرد .  
امام با دارالتبلیغ به آنصورت مخالف بود .  
برادران ما همه از مرحوم مطهری بگیر تا پائین مخالف بودند ." (۳)

آقای مهندس بازرگان مدتی بعد از استخلاص از زندان شاه خائن یکبار در دارالتبلیغ صحبت کردند . و این در زمانی بود که برخی از مدرسین و فضلاء قم ، از جمله مرحوم شهید مطهری مرتب در آنجا صحبت میکردند . تدریس مرحوم مطهری در دارالتبلیغ حتی تا سال ۱۳۵۶ نیز ادامه داشت .

مهندس بازرگان در شرایطی به ایراد آن سخنرانی در دارالتبلیغ پرداخت که شهید مطهری درباره مراجع قم ، حتی تا زمان پیروزی انقلاب قضاوتی بشرح زیر داشتهاند:

" نهضت اسلامی ایران مفتخر است که در حال حاضر رهبری آنرا مراجعی آگاه و شجاع و مبارز بر عهده گرفتهاند که نیازهای زمان را تشخیص می‌دهند ، با مردم همدردند ، سودای اعتلای اسلام دارند ، یاس و نومیدی و ترس را که از جنود ابلیس است به خود راه نمی‌دهند . . .

ما رهبری این رهبران عظیم‌الشان را ارج می‌نهیم و تقدیر می‌کنیم و ذکر خیرشان را به تاریخ می‌سپاریم

و از خداوند متعال عزمی راسختر و سختکوشی افزونتر و بینش تیزتر و موفقیت بیشتر برای آنها مسئلت می‌نمائیم . مراجع عظام و بزرگوار قم ، حضرت آیت الله عظمی شریعتمداری، آیت‌الله عظمی گلپایگانی، آیت‌الله عظمی مرعشی نجفی دامت برکاتهم که در راه اعتلا کلمه حق گامهای مفید و موثر داشته مایه فخر و مباهات اسلام و مسلمین شده‌اند، برای همیشه در تاریخ این مملکت نام نیکشان به یادگار خواهد ماند . و این کمترین اجری است که خداوند متعال عنایت فرموده و خواهد فرمود". (۱۵)

#### ۱۱ - تاسیس سازمان حقوق بشر

به برخی از سران نهضت ایراد می‌گیرند که چرا به مسئله حقوق بشر در ایران پرداختند. گویا که مبارزه برای احراز اولین و اساسی‌ترین مبانی حقوق بشر و آزادی مقوله‌ای جدا از مبارزات همه جانبه مردم و جرم بزرگی است و ایراد گرفته‌اند که:

"آمدید سال ۵۷ و ۵۸ چکار کردید؟ سازمان حقوق و از این چیزها اینجا تاسیس کردید . سازمان حقوق تاسیس کردید . چکار کردید؟"

ما باید اینها را به ملت بگیم . یکی از کارهای شما این بود که سازمان حقوق تاسیس کردید و این حقوق دانها و این جمعیت پا می‌شدند می‌رفتند قم خونه آقای شریعتمدار متحصن میشدند؟" (۳)

"کمیته حقوق بشر را در اوج انقلاب اسلامی تشکیل دادند، تا مبارزات اسلامی مردم را که به رهبری امام انجام میشد منحرف کنند" (۵)

ما در پاسخ بیکی دیگر از اتهامات وارده متذکر شدیم که آنچه کرده‌ایم انشاء... برای جلب رضای خدا بوده است و از کسی جز ذات باری تعالی انتظار اجر و پاداش نداریم، اما برای روشن شدن ذهن مردم توضیح زیر را لازم میدانیم:

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر در ایران در سال ۵۶ با شرکت جمعی از مردم مسلمان و وطن دوست تاسیس یافت و به گواهی اسناد موجود در افشای ماهیت ضد انسانی رژیم شاه در دنیا توانست نقش بسیار ارزنده‌ای ایفا نماید. انعکاس شرایط غیر انسانی زندانهای شاه، شکنجه‌های قرون وسطایی، کشتارهای بی حساب و کتاب، تبعیدهای پی‌درپی مبارزین، از جمله روحانیون، از اقدامات جاری این جمعیت بوده است. هنوز نامه‌های خطی بسیاری از شخصیت‌های مذهبی، از مسئولان کنونی از جمله رئیس جمهوری که از تبعیدگاه‌های خود به این جمعیت نوشتند و توسط نمایندگان این جمعیت ترجمه و در جهان منتشر و منعکس گردید موجود است.

همین فعالیت‌ها بود که زمینه‌های مساعدی را به نفع انقلاب اسلامی ایران در میان مردم جهان بوجود آورد. حال چرا بعد از گذشتن از آن مراحل اکنون این گونه ظالمانه قضاوت می‌کنید؟

## ۱۲ - اعدام هویدای خائن

معترضین و معاندین برای گرم کردن جو و تحریک هر چه بیشتر مستمعین‌شان علیه نهضت آزادی مدعی شده‌اند که:

"بابا شما می‌گفتید هویدا اعدام نشه؟ شما می‌خواستید شغل جدید و پست جدید بدید به ناصر مقدم رئیس ساواک به جوری که خلخال می‌گه" (۲، ۵)

این اولین بار نیست که چنین دروغی را بما نسبت میدهند آخر کی و کجا، آیا در جمهوری اسلامی و اسلام تهمت و افتراء و نسبت

## دروغ حلال و مباح شده است؟

ایراد ما به چگونگی اعدام هویدا این بود که او ۱۳ سال نخست وزیر شاه بود، او مخزنی از اطلاعات در مورد رژیم شاه، عطکرد آن، روابط با ابرقدرتها بود، او از سرمایه‌ها و ثروت شاه و خاندان پهلوی باخبر بود او آمادگی داشت که حرف بزند، و اسرار رافاش سازد، او در همان ابتدای دستگیری‌اش گفته بود که محمدرضا شاه همه اطرافیان خود را قربانی کرد تا خود را نجات بدهد. حرف ما این بود که چرا او را قبل از آنکه سخنان خود را بگوید کشتند؟ مگر برای بازگرداندن شاه و اموال او گروگانگیری نشد؟ در حالیکه کمترین اطلاعات در مورد میزان و وضعیت اموال شاه در ایران و خارج کشور در دسترس نداشتند؟ یکی از کسانی که می‌توانست اطلاعات جامع بدهد هویدا بود. او علاوه بر آنکه نخست وزیر شاه بود محرم اسرار شاه نیز بود و بعد از نخست وزیری، وزیر دربار شاه شد. در تمامی جنگها و انقلابات دنیا وقتی مهرهای این چنین از دشمن دستگیر می‌شود، با تمام قوا از امنیت او حفاظت میکنند تا اطلاعات او را بگیرند. در بسیاری از موارد، برای آنکه فرد اسیر اطلاعات خود را بروز ندهد یا خودکشی می‌کند یا ایادی دشمن به زندانها نفوذ کرده و او را میکشند.

آیا تاخیر در اعدام هویدا و کسب این اطلاعات چه ضرری داشت؟  
سخن ما این بود که چرا نگذاشتید او در یک محاکمه علنی و وسیع صحبت کند؟

مگر تهرانی، شکنجه‌گر معروف ساواک که علنی محاکمه شد و بسیاری از مطالب را گفت مفید برای ملت نبود؟ آیا جمهوری اسلامی ضرر کرد؟ کجای این سخن ایراد دارد؟ کجای این حرف ما غلط و ناهجاست؟

براستی چه کسانی از سخن گفتن هویدا و افشای اسرار شاه و خاندان پهلوی ترس داشتند و ضرر می‌کردند؟

مردم حق دارند سؤال کنند چه کسانی نگذاشتند هویدا اسرار

رژیم سر سرده شاه خائن را فاش سازد.

در مورد ناصر مقدم این چندمین بار است که چنین ادعائی مطرح میشود قبل از این هم رادیوی صدای بختیار و هم گروههای چپ و چپ نما چنین اتهامی را بدولت موقت زده بودند. برآستی اگر گویندگان این سخن، سندی و مدرکی در خور توجه و معتبر دارند چرا منتشر نمیکنند یا چرا آنها را در اختیار مقامات ذیصلاح قضائی قراز نمیدهند تا اگر آنها معتبر و قابل توجه و بررسی یافتند رسیدگی کنند، و برحسب قانون عمل نمایند.

ایراد تهمت و افترا برای کسانی که تقوی ندارند خیلی آسان است.

### ۱۳ - مکاتبه با آمریکائیا

بدنبال این جوسازیها خطبا و سخنرانان پیش از دستور و قلمزنان سر مقاله نویس مطبوعات مدعی شدند که:

"در کتاب شریعتمدار در دادگاه تاریخ و در بولتن ساواک هست که شما در سال ۴۱ با آمریکائیا مکاتبه میکردید و خواسته آنها را میخواستید اجرا کنید. (۳)

"در دوران شاه برای آمریکائیها نامه نوشتند که شما چه خواستههایی از ما دارید بگوئید تا انجام دهیم." (۵)

"به آمریکائیها نامه می نوشتند که بگوئید شما چه خواستههایی دارید تا ما انجام دهیم" (۵)

ما نمیدانیم نویسنده کتاب مورد بحث چه سوابق اسلامی یا انقلابی دارد؟ واز کجا واز کدام منبع اطلاعات خود را دریافت کرده و دستور میگیرد. اما از آنها که بعنوان یک مسلمان در کسوت روحانیت و یا حزب جمهوری اسلامی که این خبر را عنوان کرده اند بطور جدی

می‌خواهیم که در برابر این بهتان عظیم اگر دلیلی دارند، سندی دارند ارائه بدهند اینها چون مسلمان هستند ما بزبان اسلام با آنان سخن می‌گوئیم: ها تو! برهانکم ان گنتم صادقین.

آیا این حضرات معتقدند که براستی خداوند براحتی از این همه تهمت و افترا خواهد گذشت؟ پناه بر خدا!

ما معتقدیم در شاعن یک مسلمان آگاه و متعهد نیست که هر مطلبی را در هر کتابی دید بدون بررسی و تحقیق دقیق بآن استناد نماید.  
اگر این رویه در جامعه اسلامی رواج پیدا کند و روحانیون مسلمان با تمسک باین رویه آنرا موجه قلمداد نمایند به خودشان ظلم میکنند،  
چرا که مطالب بسیاری، در کتابهای متعدد درباره روحانیون و ارتباط آنان با دولتهای خارجی از جمله انگلستان از طرف نویسندگان با نام و بی‌نام مطرح شده است. برای یک لحظه فکر کنید بیاندیشید که  
که خطر این رویه بیش از همه متوجه کدام گروهها و شخصیتها خواهد شد.

ما حاضر نیستیم حتی اسم آن کتابها را ببریم و یا از مطالب آنها چیزی بگوئیم. و تنها بذکر مسئله در همین حد اکتفا می‌کنیم و امیدواریم خود آقایان علیه اینگونه جوسازیهای مضر و خطرناک که دودش در نهایت به چشم خود آنان خواهد رفت ایستادگی کنند.

#### ۱۴ - خوشحالی دشمنان

گویندگان در سخنان خود مدعی شده‌اند که:

" کاری کردید که آمریکا از کارتون خوشحاله، کاری کردید که اسرائیل ازتون ستایش میکنه، کاری کردید که رادیو آلمان ازتون ستایش میکنه، کاری کردید که صدای آزاد ازتون ستایش میکنه" (۳)

ما نمیدانیم منبع خبری این حضرات کجاست .  
براستی از کجا فهمیدند آمریکا و اسرائیل از کار ما خوشحال و  
از ما ستایش کرده‌اند؟ آیا در مطبوعات آنان چیزی منعکس شده است؟  
آیا در رادیوهای خود چیزی گفته‌اند؟ آخر با کدام معیار و با کدام  
اطلاعات این چنین بی‌ترس از خشم خدا هتک حرمت و حیثیت  
می‌کنید؟ کدام رادیو از نهضت آزادی ستایش کرده است؟ این آقایان  
اگر نمی‌پسندند که از کارهایشان انتقاد بشود یا تحمل آنرا ندارند  
امری است جداگانه و قابل فهم . اما چرا این چنین برخورد می‌کنند؟  
اولا مطمئنا اینها رادیوهای خارجی را گوش نمی‌کنند و گزارش  
سخن پراکنی‌های آنها را نمی‌خوانند وگرنه چنین قضاوت نمی‌کردند .  
آنها که به این رادیوها گوش می‌کنند و یا گزارش آنها را می‌خوانند  
می‌دانند که مطلب دقیقا برخلاف ادعای آنهاست . در همین ۲-۳  
هفته اخیر رادیوهای خارجی وابسته به ضد انقلاب و قدرتهای خارجی  
چه آنها که وابسته به غربند و چه آنها که از مسکو و یا نظیر صدای  
ملی از قفقاز پخش می‌شوند ، مرتب علیه نهضت آزادی و سران آن  
سم‌پاشی و شایعه پراکنی می‌کنند . چه کسانی شایعه چمدانهای طلا و  
جواهر... را به سران نهضت نسبت دادند؟ چه کسانی شایعه فرار  
سران نهضت را مرتب پخش می‌کنند؟

آخر بقول یکی از معترضین به نهضت خوبست انسان کمی هم  
انصاف داشته باشد .

ثانیا " آیا ستایش و تجلیل دشمنان از فرد ، گروه یا مملکتی ،  
دلیل بر خوش آمد و یا باور آنان از آن فرد ، گروه یا کشور است؟  
اگر قرار باشد پایه قضاوتهای شما اینچنین باشد مگر وزیر دفاع آمریکا  
کاسپرواینبرگر ، و سایر مقامات رسمی آمریکا بارها از روحیه عالی  
سربازان اسلام در جبهه‌ها تعریف و تجمید نکرده‌اند . همین دو هفته  
قبل بود که بانک مرکزی انگلیس وضع اقتصادی ایران را بسیار خوب



توصیف کرد بحدی که آنرا موجبی برای از سرگیری معاملات اعتباری با ایران قلمداد نمود.

همین اخیراً رئیس سیای آمریکا ویلیام کی سی، در مصاحبه‌ای از وضع ثبات در ایران و استقرار نظم و یک پارچگی نظام حاکم تعریف‌ها کرده است. آیا این امر می‌تواند دلیل بر ارتباط آمریکا با گردانندگان فعلی دولت باشد؟

مگر رادیوها و سران و عناصر وابسته به کشورهای بلوک شرق مرتب از رهبران ایران تمجید و تجلیل نمی‌کنند؟  
آیا می‌توان این تجلیل‌ها و ستایش‌ها را بهمان معنایی که این حضرات استنباط کرده‌اند تلقی نمود و سپس به قضاوت نشست و رای داد که لابد روابطی بسیار حسنه و مطلوب مابین دولتمردان کنونی ایران و آن کشورها وجود دارد!!  
ما تصور نمی‌کنیم چنین شیوه قضاوتی اساساً صحیح باشد.

#### ۱۵ - "ملا مهندس بازرگان"

یکی از معترضین به نامه سرکشاده نهضت آزادی در خطبه نماز جمعه ضمن حملات شدید به آقای مهندس بازرگان و نهضت آزادی به طنز از ایشان با عنوان "ملا مهندس بازرگان" یاد کرده است. (۴)  
جای تاسف است که اصطلاحی را که امیرانی، صاحب مجله درباری "خواندنیها" در مقاله‌ای در سال ۴۱ تحت عنوان "ملا مهندس بازرگان" فتوا می‌دهد "علیه آقای مهندس بازرگان و نهضت آزادی بکار برد در نماز جمعه وحدت آفرین بعد از انقلاب عنوان نمایند. حق نبود که چنین کنند.

بسیاری از روحانیون متعهد و صادق بیاد دارند که رژیم شاه در مهر سال ۴۱ ناگهان اعلام کرد که دو شرط "اسلام" و "ذکوریت" از شرایط انتخاب شوندها برداشته شده است و به زنان در انتخابات

انجمن‌های ایالتی حق رای داده شده است.

بدنبال مسئله بااصطلاح اصلاحات ارضی و خیر مزبور ناگهان تمامی روحانیت در قم و تهران و شهرستانها به حرکت درآمد. ضمن آنکه برخی از علما و مراجع به اصل و منشا فساد توجه داشتند اما جو غالب در جهت مخالفت با تصمیمات دولت و بحث بر سر "عواقب شرکت زنان در امور اجتماعی و سیاسی" (۱۸) بود و اینکه: "شرکت زنان در انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی گذشته از اینکه خود محذورات زیادی دارد مقدمه شرکت در انتخابات مجلسین شورا و سنا و آن هم مقدمه برای مساوات کامل میان زن و مرد در امر طلاق، قضاوت و ارث ... میباشد و مخالفت این امور با موازین دینی محتاج به بحث و گفتگو نیست". (۱۸)

و هم‌چنین: "مداخلات زنان در امور اجتماعی چون مستلزم امور محرمه و توالی فاسده کثیره است ممنوع و باید جلوگیری گردد". (۱۸)

دستگاه تبلیغاتی رژیم شاه منحوس سعی و تلاش میکرد که حداکثر بهره‌برداری تبلیغاتی را از این امر بنماید و با این موضع‌گیری‌ها علما و مراجع را با چماق برجسب "ارتجاع" سرکوب و در جامعه لکه‌دار سازد.

سران نهضت آزادی در طی ملاقاتهای مکرر خود با علما مراجع عظام ضمن تحلیل اوضاع خاطر نشان ساختند که مسئله اساسی غیر از این‌هاست. و همین معنا را در بیانیه‌های متعدد منعکس ساختند و از توطئه رژیم پرده برداشتند.

در آبان‌ماه ۴۱، نهضت آزادی در بیانیه‌ای تحت عنوان "دولت از هیاهوی انتخابات انجمن‌های ایالتی چه خیالی دارد؟" نوشت:

" امر مسلم این است که دل آقایان (هیئت حاکمه) برای آزادی و حق انتخاب کردن کسی نسوخته است و بهیچ وجه قصد اعطای حق به زنها یا مردها و اجرای انتخابات صحیح و واگذاری کارها بمردم در بین نیست. وقتی علیرغم صریح قانون اساسی و سنت ۵۶ ساله مشروطیت با بی پروائی فوق العاده ای ملت ایران را از انتخابات مجلس شورای ملی محروم می کنند خیلی مضحک است که بخواهند به خانم ها حق رای انتخاب نمایندگان انجمن های ایالتی و بعد مجلس شورا را بدهند.

مگر مردها در این مملکت چه حالا و چه دوره های بعد از کودتا که با آن رسوائی انتخاباتی بعمل می آمد حق رای دارند و داشتند که زنها از آن محروم

باشند؟

یقیناً " خواهران عزیز و روشنفکر ما گول چنین صحنه - سازیها را نمی خورند " (۲۱)

بدنبال اعلامیه مزبور، نهضت در اعلامیه های تحت عنوان، در زمینه اعلامیه های اخیر علمای اعلام و مراجع عظام دامت برکاتهم ضمن تحلیل خطوط اساسی توطئه رژیم شاه نوشت که برخلاف تبلیغات شاه و برخی از عناصر کج سلیقه و یا مغرض، اعتراض روحانیون و علمای اسلام به موضوع انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی و مسئله اصلاحات ارضی که دست آویز ظاهر فریبی برای دولت شده است محدود و مربوط نمیباشد. در بیانیه آمده است که:

"نهضت آزادی ایران برای رفع سوء تفاهم از جوانان و بانوان ایران و جلوگیری از سوء تعبیرهایی که بلندگوهای دولت و مخالفین شریعت و استقلال مملکت

بخواهند در میان مردم ایران و در انظار خارجی‌ها بنمایند ناچار است دو نکته ذیل را توضیح دهد:

۱ - آنچه علمای اعلام و اکثریت ملت مسلمان می‌خواهند بهیچوجه ارتجاع و سیر قهقرا، یعنی جلوگیری از آزادی و دفاع از حقوق ملت اعم از زن و مرد نبوده همگی خواهان رژیم پارلمانی و حکومت قانونی و تاءمین حقوق و آزادیهای مشروع و منطقی میباشیم.

۲ - دین اسلام و روحانیت اسلام مخالف حق و ارزش زن نیستند اسلام برای اولین بار به زنها اعطای مقام و حق تملک و تصرف در اموال و منافع خاصه خود را داد و ...

بدیهی است که علمای اعلام نخواستند زنها را مادون و بنده مردها بشناسند بلکه بانوان شرعا حق مباشرت مستقیم در اموال و منافع و اتخاذ وکیل در کارهای خود را دارند ولی چون روحانیون با شرایط موجود و علم باینکه دولت بهیچ دستهای از ملت خدمت نکرده که حالا بخواهد به خانم‌ها خدمت کند اصرارشان بیشتر از جهت اغراضی است که در چنین نقشه‌ها نهفته است و شکستن سدهای اسلام و قانون اساسی که منظور دولت میباشد." (۲۱)

عکس‌العمل رژیم شاه حملات گسترده علیه نهضت آزادی بود و از جمله مقاله‌ای بود که امیرانی در مجله خواندنیها تحت عنوان "ملا مهندس بازرگان فتوا می‌دهد" نوشت و نهضت آزادی و مهندس بازرگان را سخت بیاد تهمت گرفت.

حال آیا سزاوار است که بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی

ایران، همان حملات از طرف کسانی صورت گیرد که نهضت آزادی همیشه مدافع فعالیت‌های حق طلبانه آنان در جهت اعتلای کلمه حق و پیروزی مردم بوده است؟

## ۱۶ - چماق آمریکا

معترضین و مخالفین نهضت آزادی که تصمیم به بین‌المللی کردن نامه سرکشاده ما گرفتند بجای آنکه به پاسخگویی معقول و منطقی و ایرادات و انتقادات بپردازند، به تهمت زنی پرداختند و چماق آمریکا را بر سر ما کوفتند. و ادعا کردند که گویا این آمریکای جنایتکار است که می‌کوشد تا نهضت آزادی را مطرح سازد، یا آنکه:

"حالا چون استکبار جهانی می‌بیند که مادر آستانه چند کیلومتری بغداد قرار داریم به لرزه افتاده نهضت آزادی را آنتریک می‌کند." (۲، ۸)

"من اعتقاد بر این است که مسئله انجمنی‌ها و مسئله همین نهضت آزادی و مسئله دیگر و ... همه اینها را آمریکا درست می‌کند که ما را از آن حرکت اصیل انقلابیمان باز دارد." (۶ و ۸)

و یکی دیگر از آنها می‌گوید:

"دشمن وقتی که می‌بیند در مقابل حرکت اسلامی ما توان مقاومت را از دست داده است ... لیبرال‌ها و شکست خوردگان سیاسی، نهضت آزادی و چهره‌های ... را با بزرگ کردن و مطرح نمودن وارد نبرد می‌کند." (۶ و ۱۰)

و از این قبیل اباطیل.

حال شما ای مردم، ای کسانی که این سطور را می‌خوانید، و از انتشار گفتار خصوصی ما در نماز جمعه ۶ شهریور توسط آقای هاشمی

رفسنجانی و متن نامه سرگشاده ما که برای عده معدودی ارسال شده بود مطلع شده‌اید دیدید و شنیدید که ماشین تبلیغاتی خود این آقایان از مجلس گرفته تا نمازهای جمعه، در صدا و سیما و مطبوعات نامه ما را بین‌المللی کردند و خبر آنرا بگوش شما مردم و همه جهان رسانیدند. شما قضاوت کنید چه کسانی هیا هو بپا کردند؟

اگر ظاهر سخن این آقایان را بپذیریم، که آمریکای جنایتکار  
میخواهد ما مطرح شویم، معنا و مفهومش این خواهد بود که برپا کنندگان  
هیا هو و بین‌المللی کنندگان نامه سرگشاده ما برای خواص دانسته یا  
ندانسته در خط آمریکای جنایتکار عمل کرده‌اند؟

چرا معترضین که بعضی از آنان دوستان نادان انقلاب هستند کمی در اعمال و گفتارهای خود اندیشه نمی‌کنند؟

مجله اطلاعات هفتگی، ۲۸ مهر ۶۱ نیز برای عقب نماندن از قافله و محرومیت از فیض شرکت در برنامه دروغ پردازیه‌ها در مقاله‌ای تحت عنوان "نظری به رادیوهای بیگانه در هفته‌ای که گذشت" کاریکاتور آقای مهندس بازرگان را در نیم صفحه چاپ کرده و با حروف درشت نوشت که:

"نامه مهندس بازرگان خوراک تبلیغاتی این رادیوهای استعماری بود."

"نهضت آزادی ایران سنگ صبور ناراضیان".

اما مشقت دروغگو وقتی باز میشود که در همین مقاله که اخبار رادیوهای خارجی، از مسکو و پکن و آلبانی تا بغداد و صدای آمریکا... مورد بررسی قرار گرفته است، نویسنده مقاله تنها یک خبر در چهار خط از بی‌بی‌سی نقل میکند و تازه محور اصلی تخیر بی‌بی‌سی انعکاس و توضیح حملات خود آقایان به نهضت آزادی بوده است نه نامه نهضت. بعبارت دیگر خود آقایان بودند که باعث شدند نامه در سطح بین‌المللی عنوان گردد.

البته نویسنده مقاله با ذکر همان چهار خط آنچه را که شایسته قلمزن مقاله بوده نثار نهضت آزادی کرده است. در این میان موضع و برخورد حزب توده ایران خیلی جالب و در خور توجه است. اولاً حزب توده ایران، کمافی السابق، مرتب نشریات خود را در تیراژ بسیار بالا (باقرار خودشان در چهل هزار نسخه) بطور علنی چاپ و بطور وسیعی توزیع می‌نمایند. هر کس می‌تواند براحتی آنها را از روزنامه‌فروشی‌ها یا کتابفروشی‌ها تهیه کند. نه تنها مجلات و جزوات، بلکه طیف وسیعی از کتابهای سیاسی و ایدئولوژیک حزب و مارکسیسم - لنینیسم. و این در شرایطی است که نهضت آزادی ایران امکانات بسیار محدودی برای چاپ نشریات خود دارد و از آن محدود تر امکانات نهضت برای توزیع این نشریات است.

در کمتر نشریه‌ای است که از جانب حزب توده منتشر شود و بنحوی از انحا به دولت موقت و نهضت آزادی و اعضای آن حمله نکند، ناسزا نگوید، تهمت و افترا نزند.

بدنبال انتشار نامه سرگشاده نهضت و حملات وسیع علیه نهضت، حزب توده نیز به کاروان تهاجم کنندگان به نهضت پیوست. دبیر کل حزب توده، در نشریه "پرسش و پاسخ" خوشحالی وصف ناپذیر خود را از گستردگی حملات علیه نهضت منعکس می‌سازد... رهبری حزب توده، بمصداق کافر همه را به کیش خود پندارد می‌نویسد:

"به عقیده ما فعال شدن نهضت آزادی ایران در ارتباط مستقیم با توطئه نهم آمریکا... است" (۱۲)

ما نمیدانیم منبع اطلاعات آقای دبیر کل از کجاست. و چگونه از تمامی جزئیات توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، از توطئه شماره یکم تا نهم آن مطلع هستند! سابقاً" نشریات حزب توده‌گاه بگاه به نقل از "دوستان آمریکائی" حزب در میان "مقامات ذی‌نفوذ در واشنگتن"

اطلاعاتی را منتشر می‌ساخت اما هرگز نگفتند که این "دوستان آمریکایی" حزب توده چه کسانی هستند که این اخبار "موثق" را بآنها میدهند؟ و انگیزه آنها چیست؟ اما مردم مسلمان و متعهد ایران وقتی می‌شنوند و می‌خوانند که پخش محدود نامه نهضت آزادی توطئه نهم آمریکا است واقعا جز آنکه بخوانند و بنهند! کاری نمی‌توانند بکنند. شرکت فعال حزب توده و رفقای موثق آنان یعنی حزب دموکرات کردستان و کومه و سایر دشمنان انقلاب اسلامی و کشتار گسترده مردم مسلمان و پاسداران در کردستان توطئه محسوب نمیشود اما توزیع یک نامه در محدوده بسیار خصوصی، و توصیه بحق به دولتمردان، توطئه آمریکا!! معرفی میشود!! دبیر کل حزب مینویسد:

"نهضت آزادی بعنوان جزئی از نیروهای ضد انقلاب  
توطئه جدیدی را آغاز می‌کند" (۱۲)

دبیرکل حزب در نشریه اول آبانماه با زیرکی و شیطنت نشان داده است که تمامی ایراداتی که مخالفین نهضت آزادی، از جمله سرمقاله نویسن روزنامه جمهوری اسلامی علیه ما مطرح میکنند همان حرفهایی است که حزب توده بارها طی سه سال و نیم گذشته طرح و پیگیری میکرده است.

پس از اوجگیری حملات علیه نهضت آزادی، رهبری حزب توده با رضایت خاطر در پاسخ سئوالی در مورد حملات اخیریه نهضت آزادی می‌نویسد:

"شناخت واقع بینانه مسلمانان انقلابی پیرو خط امام  
نسبت به دشمنان انقلاب عمیق‌تر میشود" (۱۲)

و سپس ضمن تائید همه جانبه این حملات، در حالیکه از خوشحالی سر از پا نمیشناسد با خوش بینی اظهار خوشوقتی کرده و می‌نویسد:  
"واقعا هم باید با خوش بینی به این روند نگرست  
و امیدوار بود که این روند از همین جهت تکامل



پیدا کند". (۱۲)

از نظر سران حزب روسی توده جهت تکاملی این روند امیدوار کننده برای آنها تشدید درگیری میان اسلام و ضد اسلام، میان نیروهای متعهد و مسلمان و معتقد به انقلاب اسلامی با دشمنان انقلاب اسلامی وابسته به استکبار و الحاد جهانی نیست بلکه تشدید تشنجات و اختلاف میان نیروهای اسلامی است:

"حزب ما از ابتدا این مسئله مهم را مطرح کرد که خط جدائی بین دوستان و دشمنان انقلاب، به هیچ وجه طبق آنچه که خیلی از مسلمانان مبارز، حتی شخصیت‌های درجه اول ممتاز، اعلام می‌کردند بین مسلمانان و پیروان سوسیالیسم علمی نمی‌گذرد، بلکه خط قرمز جدائی در داخل همان جبهه‌ای است که همه افرادش خود را مسلمان میدانند" (۱۲)

باین ترتیب خط دشمنان انقلاب اسلامی، یعنی خط توده نفتی‌های سابق و مارکسیست‌های آمریکائی کنونی، حفظ انسجام هرچه بیشتر مارکسیست‌ها یا باصطلاح حزب توده "پیروان سوسیالیسم علمی" از یکطرف و ایجاد اختلاف و تشدید درگیری تشنج در میان نیروهای متعهد و معتقد به انقلاب اسلامی میباشد.

حزب توده که این چنین به نهضت آزادی حمله و بعضی گروههای اسلامی و روحانیت را تایید و حمایت می‌کند، در واقع نه بخاطر اعتقادی است که به امام یا آن احزاب و گروههای اسلامی و یا روحانیت دارد بلکه دقیقاً بخاطر تشدید بحران در میان مسلمانها می‌باشد.

پایان چنین خطی تشنت و فرسودگی و نابودی تمامی نیروهای موثر اسلامی و یکپارچه و محفوظ ماندن نیروهای کمونیستی آنها خواهد بود. دبیر کل حزب توده در نشریات اخیر حزب این حملات را تحت عنوان "انتقاد" به "حاکمیت جمهوری اسلامی" با کلماتی از قبیل

"قشری گری‌ها" و "انحصار طلبی‌ها"، "خود محوری‌ها" که "صدمه می‌زنند به انقلاب" شروع کرده است. (۱۲)

#### ۱۷ - مسائل اصلی و طرح انتقادات

بما ایراد گرفته و می‌گیرند و اعتراض می‌کنند که چرا در زمان جنگ این مسائل را مطرح می‌سازیم و ما را بناحق متهم می‌سازند که:

" این (نامه) خواسته مسئله‌های جزئی که لازمه یک انقلاب است بنویسد، بمیان بکشد، مردم را با این جزئیات مشغول کند تا مردم از جبهه جنگ آمریکا غفلت کنند و نروند چون اینها می‌بینند دارد ایران پیروز می‌شود. و منافع آمریکا سخت به خطر افتاده است" (۴)

اولا این ما نیستیم که این مسائل را مطرح می‌کنیم. این دشمنان نهضت آزادی هستند که مرتب از همه طرف بما حمله می‌کنند، تهمت می‌زنند، مسائل کهنه و قدیمی را که بارها بدانها جواب داده شده است مطرح می‌کنند. در سخنرانیهای قبل از دستور مجلس در نمازهای جمعه، در رادیو و تلویزیون مرتب علیه نهضت آزادی اشاعه اکاذیب می‌نمایند. و هیچگاه از خود سؤال نمی‌کنند که آیا حمله به نهضت آزادی، و تشویق و ترغیب شعارهای مرگ بر فلان و... مسائل جنگ را حل خواهد کرد؟ ترور شخصیت سران نهضت، فحاشی بآنها، حمله به مراسم لیل‌القدر و دعای شب احیای ۲۱ رمضان نهضت آزادی، مشکلات جنگ را حل خواهد کرد؟ صدام، ریگان، بگین و تاجر را سرنگون خواهد ساخت؟ هرگز از خودشان نمی‌پرسند با ادامه دروغ پراکنی و حملات علیه نهضت آزادی کدامیک از مشکلات را می‌خواهند حل کنند؟ و آیا این حملات و ادامه آن در واقع تلاش آشکار برای مشغول کردن اذهان مردم به مسائل جانبی نیست؟ و چطور است هر

وقت که ما بر اساس تکلیف شرعی، در برابر ظلمی که بما شده و میشود اعتراضی میکنیم، فوراً همه فریاد برمیآوردند که این مسائل را را مطرح نکنید که اذهان از جنگ منحرف گردد؟

چگونه است که طرح مسائل انحرافی در مجامع عمومی، از جمله نماز جمعه از قبیل این که دولت موقت مهتره چینی آمریکا بود متزلزل کردن مبانی اعتماد عمومی نسبت به انقلاب و امام و شورای انقلاب نیست، مگر نمی دانید کتابها و تفسیرها و تحلیل های زیادی در دنیا علیه اصالت انقلاب اسلامی ایران از جانب شرق و غرب منتشر شده است و مدعی شده اند که انقلاب اسلامی ایران را اجانب، خصوصاً آمریکا و انگلیس برپا کردند. حال وقتی آن سخنران در نماز جمعه چنین می گوید، در واقع ندانسته (یا دانسته) نمی خواهد بگوید آمریکائی ها بدست امام و شورای انقلاب دولت موقت را روی کار آوردند؟ و آب با سیای دشمن نمیریزد؟ پناه بر خدا از اینهمه جهل و تعصب و غرض و مرض!

آخر چه کسانی از این اتهامات شما سود می برند؟ اگر در نماز جمعه بانقلاب، به امام، به شورای انقلاب و به ما چنین اتهامی بزنند، دشمن شاد کن نیستند، کسی هم کمترین ایرادی نمی گیرد، اما به محض اینکه ما متذکر شویم که آقا آبروی انقلاب را بردید، امام و شورای انقلاب و دولت موقت را عامل خارجی معرفی کرده اید، آنوقت ما را متهم می کنند که چرا مسائل حزبی را مطرح میکنید!

#### ۱۸ - همکاری با بنی صدر

کابوس بنی صدر هنوز هم بر ضمیر و فکر و اندیشه آنانی که با ساده نگری سیاسی و یا فرصت طلبی نردبان ترقی او شدند سیطره دارد. و اینان ناخود آگاه در درون خود احساس گناه می نمایند. چرا که مردم بنی صدر را نمی شناختند و باعتبار حمایت های آنان بود که



بوی رای دادند. اما اینان بجای آنکه با صداقت همه حقایق را به ملت بگویند و از اعمال خود طلب مغفرت کنند، سعی در خلط مباحث و انحراف افکار می‌نمایند. تا می‌آید مردم بیاد آورند که چه کسانی او را عضو شورای انقلاب کردند و بجان دولت موقت انداختند چه کسانی او را به مجلس خبرگان بردند، چه کسانی او را تبلیغ کردند چه کسانی اجازه گرفتند تا از محل وجوهات شرعی روزنامه انقلاب اسلامی را براه بیاندازند تا او را بمقام ریاست جمهوری رسانند! و سپس با او به جنگ و ستیز برخاستند.

حال مخالفین ما با کمال بی‌تقوایی بما می‌گویند که:

"در شورای انقلاب همواره در مقابل جناح روحانیت می‌ایستادید". (۱۱)

"در شورای انقلاب با بنی‌صدر همکاری کردید". (۱۱)

"می‌خواستند روحانیون را به کنج خانه‌هایشان بفرستند

و آنها را در حوزه‌های علمیه محصور نمایند" (۵)

"خونها بدل روحانیون عضو شورای انقلاب می‌کردند" (۵)

چقدر بی‌تقوایی؟ چقدر بی‌انصافی!

#### ۱۹ - سرنوشت پولها و طلاها و مخارج نهضت

معاندین ما به کرات و دفعات، از تریبون مجلس و سایر امکانات وسیع تبلیغاتی خود استفاده کرده‌اند و مطرح ساخته‌اند که:

"در اول انقلاب پولهای جمع شده بود در دفتر

امام و در جاهای دیگر تحویل داده‌اند به آقای

افجهای نماینده دولت موقت، آنها آمدند این پولها

را کجا گذاشتند؟ این طلاها را - با یک فیشی، با

یک چکی، با یک نوشته‌ای، اینها را کجا گذاشته‌اند.

بگویند تا ما بفهمیم و بدانیم این ملت بفهمد و

بداند" (۸)

یک آقای دیگری قدم فراتر نهاد و مدعی شد که مخارج نهضت آزادی از محل همین طلاها تامین میگردد.

"من میگویم نباشد این پولها از بقایا و یا از همان پولهای است که چمدان به چمدان طلا آلاتی که در روز اول انقلاب به دولت موقت داده شد به دست ابراهیم یزدی" (۱۷)

براستی اگر این مدعیان خود ریگی در کفش ندارند، و از ترس افشای بعضی مسائل، این نغمه‌ها را بلند نکرده‌اند، چرا مدارک و اسناد ادعائی خود را به مقامات رسمی قضائی، جهت تعقیب و پیگیری تحویل نمی‌دهند؟ از چه میترسند؟ اگر اسنادشان ناقص است می‌توانند از صدای بختیار و سایر رادیوهای بیگانه و از روزنامه "ایران تایمز" وابسته به ضد انقلابیون در آمریکا، کمک بگیرند. چرا که آنها، خیلی جلوتر از این حضرات مدعی شدند که ۴۰ میلیون دلار طلا و جواهرات توسط دکتر یزدی به آمریکا فرستاده شده است و در گمرک نیویورک توقیف می‌باشد!!

البته اینها هرگز در پی کشف حقیقت نبوده و تاکنون اعلام نکرده‌اند که کسی به حساب ملیونها طلاها و جواهرات و پولها و فرشها و عتیقه‌جات مصادره شده بعد از انقلاب رسیدگی کند.

اما ما که حسابمان پاک است و از محاسبه باکی نداریم. برطبق موازین قانونی از این آقایان به مقامات قضائی شکایت کرده‌ایم و اعلام جرم نموده‌ایم.

اینها هتک حیثیت کرده‌اند اینها اشاعه اکاذیب نموده‌اند. اینها بهتان زده‌اند اینها بعنوان مفتتری قابل تعقیب و مجازات هستند. مطمئنا مقامات قضائی از آنها خواهند خواست اگر مدارکی در رابطه با آنچه می‌گویند دارند، بآنها ارائه دهند تا مورد رسیدگی قرار

گیرد. اگر مدارک آنها مستند و قابل قبول برای مقامات قضائی باشد. لاجرم بر اساس قانون عمل خواهند کرد. ولی اگر نتوانند ارائه سند و دلیل نمایند و صرفاً بعلت عناد و غرض و مرضی که دارند تهمت زده‌اند، طبیعتاً انتظار می‌رود که برطبق مقررات شرع و قانون محازات گردند. و ما در انتظار پیگیری و اقدام جدی مقامات قضائی دادگستری هستیم.

## ۲۰ - تاریکی آینده

ما در نامه سرگشاده خود، ابراز نگرانی مردم را نسبت به آینده منعکس ساخته‌ایم. معترضین نامه حق بود بجای اینهمه تهمت و افترا و جنجال پاسخها را طوری بدهند که اگر چنین احتمالی هم وجود دارد رفع نگرانی بشود. از قبیل آن پاسخی که آقای هاشمی در خطبه‌های نماز جمعه‌های ۶۱/۶/۳۰ و ۶۱/۸/۷ در رابطه با دستاوردهای انقلاب بیان کردند. صرف نظر از بررسی آماری سخنان ایشان تحلیل آقای هاشمی قطعاً بر روحیه بسیاری از مستمعین آن خطبه‌ها اثر مثبت داشته است. و اگر نامه سرگشاده ما هیچ اثر مثبت دیگری نداشته، همین یک عکس‌العمل و توضیحات مفید ایشان کافی است. چقدر بهتر و موثرتر بود که تمامی کسانی که خود را موظف و مجبور به طرح آن نامه و بین‌المللی کردن آن و پاسخگویی بآن می‌دیدند، از همین رویه تبعیت می‌کردند. یعنی بجای حمله به نهضت و طرح مسائل دروغ و بی‌اساس و ترویج بازار کذب و شایعات دروغ، متن کامل نامه را منتشر می‌کردند یا می‌خواندند و سپس بآن جوابهای قانع کننده میدادند. اما آنها بجای اینکه با طرح مسائل امیدوار کننده رفع نگرانیهای مردم را بنمایند گفتند که: " آینده نهضت آزادی تاریک است. آینده نهضت ضد آزادی، نهضت اختناق!! تاریک است!" (۵ و ۶)

ما نمی‌توانیم پیش بینی‌هایی از این قبیل بنمائیم. ترسی هم

از آینده‌مان در این دنیا نداریم . اگر کلمه حقی را بزینم که مرضی خدا باشد ، ولو تمامی بلندگوها هم علیه نهضت بسیج شوند و صبح روشن ما را به شب تاریک بدل سازند ، ما همه را در راه حق پذیرا هستیم .

شما مدعی هستید که تمامی سخنان و اعمال نهضت آزادی و سران آن غلط، اشتباه، خیانت و جنایت است، آینده نهضت در تاریکی است، نهضت در بن بست است. بسیار خوب فرض که این ادعای شما درست باشد خوب، چه خواهد شد؟ قطعا با ما هم عقیده هستید که در آنصورت خطری جدی مملکت و شما را تهدید نمی‌کند. سرنوشت ما در دنیای دیگر را هم بگذارید به عهده خداوند. اما حال بیائید برای یک لحظه هم که باشد، تصور کنید و احتمال بدهید که شاید حرف ما درست باشد و روشهای شما، اعمال شما، سخنان شما نادرست است و نگرانیهای ما و مردم بجاست.

در آنصورت برای یک لحظه آینده مملکت را تصور کنید. آیا میزان خسارات مملکت، اسلام و ملت در اثر حرف و عمل اشتباه و خطای ما با میزان خسارات مملکت، اسلام و ملت در اثر اشتباهات و ندانم کاریها و انحرافات شما از قانون اساسی و اسلام یکسان است؟  
و میدانید که قطعا یکسان نیست.

پس چرا کمی توحه نمی‌کنید؟ چرا به‌جای بررسی و پاسخگوئی عملی و منطقی، به جو سازی سیاسی و تکرار شعارها می‌پردازید؟

۲۱ - بیان مطالب در روزنامه و رادیو  
برخی گفته‌اند که:

" اگر درست می‌گن ، اگر حقیقت می‌گن ، بیان تو روزنامه و رادیو بگن ، هیچکس هم هیچی نگه . اگر نادرست می‌گن و اگر تهمت می‌زنند ، اگر افترا می‌کنند ،

اگر تحریف تاریخ می‌کنند اگر دروغ می‌کن پس چرا  
جلوگیری همیشه و باید جلوگیری بشه". (۴)

ما با این سخن کاملا موافقیم. می‌گوئیم تهمت زدن بس است.  
تحریف تاریخ بس است. در فرهنگ اسلامی، تهمت و برجسب و دروغ  
و اشاعه اکاذیب جائی ندارد. در فرهنگ اسلامی این روش‌ها مطرود  
و ممنوع است. بیائید همین یک حرفتان را عمل کنید.

ما بارها گفته‌ایم و باز هم می‌گوئیم بیائید یک جلسه مناظره،  
جلسه مباحثه، در مجلس در تلویزیون در هر کجا که می‌خواهید و مردم  
می‌توانند بیایند و مطلع شوند تمامی اشکالات و ایرادات خود را بگوئید  
بگذارید ما هم جواب بدهیم، توضیح بدهیم ما هم انتقادات و  
ایرادات و اشکالات کار شما را بیان کنیم. قضاوت را بمردم، که  
صاحب اصلی انقلاب هستند واگذاریم. در شائن نمایندگان مجلس  
نیست که مرتب تهمت بزنند در شائن روحانیون نیست توسل باین  
شیوه‌ها. چرا در مجلس اجازه هست که هر روز در سخنان قبل از  
دستور بهر بهانه‌ای، حتی سؤال از وزرا دولت کنونی، بدولت موقت  
و به نهضت آزادی حمله بشود، تهمت بزنند، نسبت دروغ بدهند در  
نمازهای جمعه بگویند، در روزنامه‌ها بنویسند، رادیو پخش کند، نه  
یکبار چندین بار تلویزیون پخش کند. اما امکان پاسخگوئی به ما داده  
نشود؟ نه رادیو، نه تلویزیون، نه مطبوعات جواب‌های ما را منعکس  
نمایند؟

بله آزادی هست اما برای کسانی که تهمت می‌زنند اما برای  
آنها که بخواهند از حیثیت و شرافت خود دفاع کنند، آزادی وجود  
ندارد.

قانون اساسی حدود آزادیها را مشخص ساخته است. حرمت امام-  
زاده با متولی است، آنها که باین قانون اساسی رای داده‌اند و از  
آن دفاع می‌کنند و با سوگند خود حفظ آنرا متعهد شده‌اند، باید از



حقوق ملت پاسداری کنند. برآستی کدام یک از آزادیهای مشروع  
مصرحه در قانون اساسی وجود دارد؟

عکس‌العمل همین نامه سرگشاده ما چه بوده است.

بیش از ۳۰ نفر، در نمازهای جمعه در مجلس شورای اسلامی،  
در روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون، با تمامی قوا و نیرو علیه نهضت  
سخن گفتند. تهمت زدند، برچسب زدند، دروغ پردازی کردند، اما  
نیامدند به همه انتقادهای و ایرادات. جواب بدهند. و هیچگاه امکان  
نمی‌دهند تا جوابهای ما منعکس گردند.

ای برادران: پس آنهمه آیات قرآنی و احادیث مکرر در منع  
غیبت، دروغ، بهتان چه شد؟ در رژیم شاه این رویه‌ها غیر منتظره  
نبود اما در جمهوری اسلامی چرا؟

آیا بهتر نبود بجای این همه حملات و اتهامات و طرح مسائل  
بی‌اساس مربوط به ۲۰ سال قبل به پاسخگوئی منطقی و مستدل از نامه  
نهضت می‌پرداختند؟

## ۲۲ - نهضت آزادی و اسلامی شدن جامعه

مخالفین نهضت آزادی اتهامی نیست که بما نسبت ندهند! از  
جمله در عکس‌العمل به نامه سرگشاده، مدعی شده‌اند که گویا " زجر  
نهضت آزادی از اسلامی شدن جامعه است" چنته گوینده باید دیگری  
خیلی خالی باشد که چنین مسئله‌ای را عنوان نماید.

خیر برادران، زجر ما از اسلامی شدن جامعه نیست. اگر نگران  
و ناراحت هستیم از آنست که سالهاست برای زنده نگهداشتن و تبلیغ  
ارزشهای والای اسلامی تلاش کرده‌ایم. و در شرایطی بسیار سخت چه  
در داخل ایران و چه در غربت و آوارگی در بلاد کفر با افتخار و  
سربلندی در حفظ و اعتلای اسلام گام برداشته‌ایم. و لذا وقتی  
می‌بینیم کسانی بنام اسلام، بنام انقلاب، در جمهوری اسلامی، در

مجلس شورای اسلامی که عصاره فضیلت ملت و مظهر عدل علی (ع) خوانده شده است، ارزشهای والای اسلامی ما را بیازیچه گرفته و به آسان‌ترین وجه زیر پا می‌گذارند زجر میکشیم، نگران می‌شویم که مبادا بزرگترین شهید این انقلاب، ارزشهای اصیل و متعالی اسلامی باشد! و این تنها مانسیم که این نگرانی را داریم تمامی کسانی که عمیقا با ارزشهای اسلامی که از زبان سنت رسول خدا (ص) و نهج‌البلاغه مولای متقیان علی (ع) در نامه به مالک اشتر و یا در وصیت به فرزندان و سیره سایر ائمه اطهار آشنا هستند و آنها را با برخی از آنچه بنام اسلام توسط بعضی از مسئولین انجام می‌گیرد مقایسه می‌کنند با ما در این احساس نگرانی شدید شریک می‌باشند.

### ۲۳ - استفاده از ماشین ضد گلوله

معترضین به نامه سرگشاده و مخالفین نهضت آزادی بدون توجه دقیق به مفاد و لحن نامه، ما را مورد حمله قرار داده‌اند که گویا ما گفته‌ایم چرا دولتمردان از ماشین‌های ضد گلوله استفاده می‌کنند. آنها بر اساس استنباطات خودشان گفته‌اند:

" اینها میگویند شما سوار این ماشین‌ها نشوید. فردا همه شما تشریف ببرید پیش آقای مدنی، پیش آقای بهشتی، تا ما هم که یک دولت موقتی تشکیل داده بودیم، یک دولت موقت تشکیل بدهیم، اینها پی دولت موقتند." (۲ و ۴)

آخر برادران ما کجا گفتیم شما سوار ماشین ضد گلوله نشوید؟! خوب حالا که مخالفین ما نامه سرگشاده ما را بین‌المللی کرده‌اند مردم آنرا می‌خوانند و قضاوت می‌کنند و می‌بینند که ما هرگز نگفته‌ایم شما سوار ماشین ضد گلوله نشوید. و یا خدای ناکرده خواسته‌ایم شما هم

" بدست منافقین شهید " شوید. (۱)

ما تنها گفتار برخی از مردم را در زمینه عدم دسترسی به مسئولین بازگو کرده‌ایم. همان حرفی را که خود آنها هم بالاخره بآن اعتراف کرده‌اند و گفته‌اند :

"به اینها (پاسداران) حمله می‌کنیم می‌گوئیم بابا حان ما را کردید آریامهر! بگذارید برویم توی مردم". (۴)

یکی از معترضین نامه سرگشاده که خواسته غیر مستقیم جواب ما را بدهد می‌گوید:

"وقتی شما سر کار بودید و هیچ خبری از ترور نبود خودتان هم در ماشین ضد گلوله می‌نشستید؟" (۱۳)

اولاً " در آنموقع هم ترور بود. گروه فرقان که بنا بادعای دانشجویان خط امام سر نخشان در لانه حاسوسی بوده است عملیات تروریستی خود را آغاز کرده بودند و بموجب اطلاعاتی که دادستان انقلاب منتشر ساخت، اسامی برخی از اعضای نهضت آزادی عضو دولت موقت در صدر لیست آنها برای ترور قرار داشت.

ثانیا همین برادر معترض ما یادشان نرفته که در همان موقع به دولت موقت در استفاده از ماشین ضد گلوله اعتراض کردند و نوشتند که از این ماشین‌های ضد گلوله، نه تنها گلوله بلکه فریاد مستضعفین هم بداخل آن رسوخ نخواهد کرد؟ عبارت دیگر سخن مردم که ما بازگو کرده‌ایم، همان حرف ایشان در آنموقع بوده است.

اما پاسخ ما باین برادر این است که در آنزمان روزنامه‌ها آزاد بودند، و هر چه دلشان میخواست در انتقاد و اعتراض از دولت می‌نوشتند. علاوه بر روزنامه‌های کیهان، اطلاعات و آیندگان، پیغام امروز، نامه مردم، مجاهد، پیکار و کار و ... که در اختیار نیروهای ضد دولتی و یا ضد انقلاب اسلامی بودند روزنامه‌های جمهوری اسلامی

و انقلاب اسلامی که وابسته به اعضای شورای انقلاب هم بود، مرتب از دولت نه انتقاد، بلکه حمله میکردند. مدعی دولت بودند. صدا و سیما در اختیار شورای انقلاب و در برابر دولت موقت و مدعی دولت بود.

لذا درست است که برخی از اعضای دولت موقت در مواردی از ماشین‌های ضد گلوله استفاده می‌کردند، معذک بدلائل ذکر شده از طریق روزنامه‌ها، صدا و سیما از نظرات تمامی افشار مردم مطلع می‌گردیدند.

ضمناً باید اضافه کرد که سخن مردم تنها درباره استفاده از ماشین‌های ضد گلوله نیست، که برای امنیت دولتمردان ضروری است. بلکه آذیرهای با مورد و یا بی‌مورد، و تخلفات فاحش رانندگی در شهر با ضایعات ناشی از آن، نیز مورد سؤال مردم است. مردم می‌گویند وقتی اداره راهنمایی و رانندگی بحق بر درو دیوار شهر تابلو نصب می‌کند مبنی بر اینکه در دولت اسلامی تخلف از قوانین راهنمایی و رانندگی، تخلف از احکام شرعی است، انتظار آن است که دولتمردان بیش از همه احکام شرع را رعایت کنند.

#### ۲۴ - عطش قدرت و حکومت

مدعیان به نهضت آزادی تهمت می‌زنند که گویا قبول مسئولیت از جانب اعضای نهضت آزادی در شورای انقلاب و دولت موقت بعلت عطش قدرت و حکومت بوده است و ما بزور و با انواع حیل و برنامه ریزی‌ها قدرت را بدست گرفتیم. در حالیکه هرگز چنین نبود.

اعضای نهضت آزادی ایران ضمن آنکه در ادای وظیفه اسلامی و ملی از قبول خطیرترین مسئولیت‌ها در بحرانی‌ترین و حساس‌ترین شرایط تاریخی کشورمان، چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن هرگز روی برنگرداندند، معذک قبول مسئولیت‌ها بعلت قدرت طلبی نبوده

است. عضویت در شورای انقلاب و ماموریت در دولت موقت با پیشنهاد و اصرار اعضای شورای انقلاب خصوصا روحانیون آن و تکلیف شرعی امام بوده است.

سران و فعالین نهضت آزادی ایران آدمهای ناشناخته‌ای نبودند که تازه بعد از پیروزی انقلاب اسم و رسمی پیدا کنند و نظیر برخی تازه واردان به معرکه، بعد از پیروزی انقلاب مسلمان و مدعی تمامی انقلابیون مسلمان سابقه‌دار باشند و کسی هم از گذشته آنان خبری نداشته باشد. از شخص امام گرفته تا آن روحانیونی که از جانب امام مامور تشکیل شورای انقلاب و دولت موقت شده بودند همه از تمامی سوابق و روحیات و عملکردها و مواضع افراد نهضتی در داخل و خارج مملکت کاملا مطلع بودند و اعضای نهضت نیز هرگز چیزی را از آنان پنهان نکردند اما برخی از معترضین پا فراتر نهاده و مدعی شده‌اند که:

" اینها شاهشان در مصراست، رئیس جمهورشان در فرانسه است، نخست‌وزیرشان در فرانسه است. اینها تشکیل دولت‌شان را دادند، منتظرند تا اینها از ماشین‌ها بیایند بیرون تا دوباره آنها در اینجا یک دولت موقت تشکیل بدهند آن دولت موقتی که ... " (۴)

پناه بر خدا!

حال چگونه است که بعد از گذشت قریب به چهار سال از پیروزی انقلاب چنین نسبت‌های ناروایی بما داده میشود؟

## ۲۵ - استعفای دولت موقت و ازدواج دوم

درست برعکس اتهام نادرست بالا، برخی از معترضین نهضت آزادی لابد برای اثبات قدرت طلبی ما، میگویند چرا نخست وزیر

دولت موقت صحبت از استعفا میکرده است و می‌گویند:  
"دولت بازرگان در اوج قدرت خود بود چرا قبولی  
استعفایشان را ازدواج دوم تلقی کرده و استعفا  
دادند؟" (۲)

یکی دیگر از همین اشخاص علائم و نشانه‌های خیانت!! نهضت  
آزادی را!!، "استعفای توطئه‌آمیز مصدقی نخست وزیر نهضت  
آزادی" (۷) دانسته و آنرا گناهی نابخشودنی شمرده است.  
گویندگان این سخنان نمی‌فهمند که وقتی مردم باین اباطیل  
گوش میکنند چه تصویری از گویندگان آن در ذهنشان پیدا میشود؟  
مردم می‌پرسند چگونه است که گروهی ما را متهم می‌سازند که چون  
آماده بوده‌ایم که نجیبانه کنار برویم و کار را بدولت شورای انقلاب  
تحویل بدهیم توطئه‌گریم و جمعی دیگر ما را قدرت طلب می‌خوانند!!

## ۲۶ - لا اکراه فی الدین

یکی از معارضین نهضت آزادی به ما ایراد گرفته که چرا گفته‌ایم  
لااکراه فی الدین و فرموده‌اند که:

"ایشان مثل اینکه اصلاً معنای لااکراه فی الدین را  
نفهمیده چیست؟ لااکراه فی الدین یک معنا دارد،  
مگر اسلام امر بمعروف را درجات قرار نداده، مگر  
پیغمبر اسلام، با اجبار زکوه نمیگرفت، در فقه اسلام  
دارد هر کس مخالفت کند و زکاتش را ندهد با او  
میجنگند، و میکشندش و هر کس یک روز، روزه بخورد  
۲۵ تازیانه میزنند، روز دوم، ۲۵ تازیانه دیگر روز  
سوم عده‌ای از علما می‌گویند، میکشند، عده‌ای  
احتیاط میکنند، میگویند روز چهارم میکشند نه روز  
سوم."

پس این لا اکراه فی الدین چه میگویند اینجا، پس مسئله امر بمعروف و نهی از منکر چیست؟ دولت اسلامی همه را باید وادار کند که گناه نباشد، پس اگر عرق و ورق و شراب و قمار و امثال اینها از کشور اسلامی برداشته شده، این مخالف لا اکراه فی الدین است؟ اگر دستورات اسلامی پیاده میشود. این مخالف لا اکراه فی الدین است؟ لا اکراه فی الدین معنایش این است که قلبا اعتقاد به الله نمیشود اجباری باشد. ایشان اعتقاداتش باید روی اختیار باشد، اعتقاد قلبی اجباری نمیشود، اما حکومت اسلامی به عمل و امی دارد. باید هم وادار کند. (۴)

این معترض محترم گویا توجهی به اصل مطلب ما در نامه سر-  
گشاده ننموده اند.

ما در آن نامه سرگشاده گفته ایم که:

" آیا عبادت و اطاعت ظاهری و اجباری یک پول  
پیش خدا ارزش دارد؟ و آن چیزی که پیش خدا  
ارزش نداشت آیا در کار دنیا خاصیت و بقا میتواند  
داشته باشد؟ خدائی که گفته است لا اکراه فی الدین  
و حامی آدم و دوستدار بندگان بوده و خواسته  
است آنها هم داوطلبانه و عارفانه، عاشقانه بدرگاهش  
رو بیاورند آیا زورش و عقلش نمیرسد که از پیغمبران  
بخواهد دینش را تحمیل کنند؟ "

ملاحظه می فرمائید که در نامه سرگشاده ما هرگز نگفته ایم که  
فوائین الهی نباید اجرا گردد و فی المثل اگر کسی حاضر نشد خراج  
دولتی (مالیات) را بدهد یا در ماه مبارک رمضان، تظاهر به روزه  
خواری کرد، تظاهر به فسق کرد، خانه های فساد دائر نمود باید او

را بحال خود رها کنند؟

اصولا بحث و اعتراض ما در رابطه با روش پیشرفت اسلام و توجه و تمایل مردم به دینداری بود که بنا به تجربیات تاریخی و مشاهدات اجتماعی هر زمان که اجبار و فشار در دیانت وارد شده است، چه در خانه و چه در مدرسه و مملکت، عکس العمل طبیعی فرار و انزجار بوده است و هیچ پیغمبری کسی را وادار به ایمان و اطاعت اجباری از خدا نکرده و کار همه آنها دعوت و ابلاغ و ارشاد بوده است. در دعوت مردم به قبول دین و مبانی و اصول توحید، قرآن کریم مرتب به رسول گرامی خدا توصیه‌های اکید دارد که ای پیامبر تو وکیل، وصی، متولی، مصیطر، سلطان و... بر مردم نیستی، هدایت دست خداست و خدا هر کس را که بخواهد هدایت میکند. و تو ای پیامبر خودت را بخاطر عدم اقبال مردم به پیام الهی در زحمت و مشقت نیانداز.

شادروان علامه طباطبائی در معنای لااکراه فی الدین گفته‌اند:  
"اکراه یعنی مجبور کردن و وادار کردن کسی بکاری که خوش ندارد. جمله لااکراه فی الدین، دین اجباری را نفی میکند. چون دین که عبارتست از یک سلسله معارف علمی که یک رشته معارف علمی دیگر را بدنبال دارد. رویهم رفته از اعتقادات تشکیل میشود. و اعتقاد و ایمان از امور قلبی است که اکراه و اجبار بآن راه ندارد.

کسی که از روی حکمت فرمان میدهد و طبق حکم عقل تربیت میکند گاهی در پاره‌ای از امور مهم که بیان آنها میسر نیست، یا از جهت اینکه فهم طرف قاصر است یا بواسطه علل دیگری - متوسل باکراه یا امر بتقلید از دیگران میشود، و اما اموری که حیات



خیر و شرش روشن است پاداش کیفر آنها مقرر شده  
 دیگر نیازی باکراه ندارد و انسان میتواند هر چه را  
 بخواهد اختیار کند، یا طرف فعل یا طرف ترک،  
 یا فرجام نیک یا عاقبت خطرناک و چون حقایق دینی  
 با بیانات الهی و توضیحات نبوی بسرحد انکشاف  
 و وضوح رسیده و در حقیقت روشن شده که پیروی  
 از آنها "رشد" و اعراض از آنها "غی" است و لذا  
 معنی ندارد که کسی دیگری را اکراه بر دین نماید. " (۲۲)

اما واضح است که بعد از اقبال و پذیرش مردم و استقرار نظام  
 اسلامی در جامعه، قوانین و مقررات اسلامی باید اجرا شوند و قطعا  
 در جامعه اسلامی از تظاهر به روزه خواری یا فسق باید جلوگیری شود.  
 و از هر آنچه که موجب تشویق انحراف و فساد اخلاقی است ممانعت  
 بعمل آید. اجرا و رعایت و احترام قوانین اجتماعی، خواه مانند  
 اسلام نشأت گرفته از منبع وحی باشد یا از طریق وضع قوانین توسط  
 خود مردم، در همه حال و در همه حوامع امری است قطعی و منطقی.  
 تنها کسانی معتقد به عدم رعایت مقررات و قوانین اجتماعی هستند  
 که خواستار هرج و مرج و فتنای جامعه باشند.

اما صحبت ما بر سر این است که آیا ماموران حکومتی موظف  
 هستند که در ماه مبارک رمضان، مثلا" در ادارات و حتی در خانه‌ها  
 افراد را بازجوئی کنند که روزه هستند یا خیر؟ از آنها بازجوئی کنند  
 که آیا نمازهای واجب را خوانده و می‌خوانند؟ یا در موقع استخدام  
 کارمند و یا پذیرش دانشجو سؤال کنند که از کدام مرجع تقلید میکنند؟  
 صحبت بر سر این است که آیا می‌توان و باید کارمندان ادارات  
 را وادار کرد که علی‌رغم تمایل خودشان، در نمازجماعت حاضر شوند  
 و اگر حاضر نشدند بیم آن داشته باشند که اضافه حقوق و ترفیعات  
 بآنها تعلق نگیرد یا اخراج می‌گردند؟ آیا می‌توان زنان شاغل در

ادارات و دختران دبیرستانی را ولو آنکه بعلت عذر شرعی خدا آنها را از نماز معاف کرده است بزور وادار کرد در صف نماز جماعت حاضر شوند؟

آیا می‌توان به بهانه اجرای احکام الهی و امر بمعروف و نهی از منکر، به تجسس در منازل مردم پرداخت و آنها را به حرائمی از قبیل داشتن عکس‌های خانوادگی بدون حجاب اسلامی، یا وسائل طرب و بازی‌های ممنوعه... جلب کرد؟

آیا به بهانه امر بمعروف و نهی از منکر می‌توان بدیهی‌ترین اصول اسلامی را زیر پا گذاشت و در زندگی خصوصی مردم به تجسس پرداخت؟ و امنیت قضائی و شغلی و اجتماعی را از مردم سلب کرد؟ اساس اعتراضات ما همانست که بعداً امام در پیام ۸ ماده‌ای خود آنرا رسماً و با قاطعیت اعلام فرموده‌اند.

خوشبختانه برادری که بما اعتراض کرده‌اند خود توضیح کافی داده‌اند، که اعتقاد به خدا باید از روی اختیار باشد و مسلماً ایشانهم نمی‌توانند انکار کنند که عبادت خدا از روی زور و اکراه کمترین ارزشی ندارد. بعلاوه کلمه دین که در لاکراه فی‌الدین آمده است اختصاص به اصول دین نداشته شامل عقیده و عبادات هر دو می‌باشد.

برادر معترض در مورد روزه خواری مثال زده‌اند که روزه خواری را تازیانه باید بزنند مسلماً نظر شارع در مورد کسی است که تظاهر به روزه خواری در ملا عام بنماید، یعنی حرمت جامعه اسلامی را مخدوش سازد. نه آن که کسی بهر علتی در ماه مبارک رمضان، روزه‌دار نیست و تظاهر بآنهم نمی‌کند. این برادر معترض مسئله مجازات روزه خواری را شرح داده‌اند حال آنکه حداقل در یک مورد شخصی را بجرم روزه‌خواری بازداشت کرده‌اند و متأسفانه اقدام غیر اسلامی یکی از مامورین منجر بقتل نفس گشته است که ما سند آنرا قبلاً در اختیار مقامات مسئول قرار داده‌ایم.

## ۲۷ - شرکت در نمازهای جمعه

معترضین به نامه سرگشاده نهضت آزادی ما را متهم کرده‌اند که گویا گفته‌ایم:

" این همه جمعیتی که در نماز جمعه تهران جمع شده‌اند با ۳ گرد آمده‌اند" و "این همه مردم که الان بر روی زمین خیس نشسته‌اند همه اینها را پاسداران آورده‌اند" (۴)

و سپس به تحریک نمازگزاران پرداخته و خطاب با آنان چنین گفتند:

" ای مردم ببینید که اینها (نهضت آزادی) چگونه بشماها اهانت می‌کنند می‌گویند که عبادات مردم از روی اجبار است، در پیشگاه خدا قبول نخواهد شد! مردمی که در زیر باران به نماز جمعه می‌آیند و در تابستان با زبان روزه بر روی آسفالتها می‌ایستند و نماز می‌خوانند و مردمی که نیمه شبهای جمعه در خیابانها دعای کمیل می‌خوانند، مردمی که سحر به بهشت زهرا برای خواندن دعای ندبه می‌روند، اینها می‌گویند اجبار است! آیا این اجباری است که مردم عبادت می‌کنند؟

این مردمی که با این اخلاص عبادت می‌کنند عباداتشان ارزش ندارد؟ شما خدا هستید و از نزد خدا آمده‌اید؟ پیش کدام خدا عبادات این مردم ارزش ندارد؟ عبادات این مردم در نزدخدایان درهم و دینار ارزش ندارد اما پیش آن خدائی که این مردم او را می‌شناسند عباداتشان خیلی ارزش دارد". (۴)

متأسفانه چنین بیانی، تحریف مطلب ما در نامه سرگشاده است. ما در هیچ کجای نامه سرگشاده، از شرکت اجباری مردم در نمازهای

جمعه صحبتی نکرده‌ایم. معترضین برای تحریک احساسات مردم و جو سازی علیه نهضت آزادی چنین مطلبی را اختراع و مطرح ساخته‌اند. آنچه درباره نمازهای جمعه گفته و می‌گوئیم این است که نماز جمعه باید وحدت آفرین باشد. نماز جمعه برای آنست که حاکمیت تقوای اسلامی بر جامعه تثبیت گردد. اتهام و برچسب زدن و اشاعه اکاذیب در پیش خطبه‌ها و یا خطبه‌های نمازهای جمعه با فلسفه نماز و آن ارزشهایی که نماز، بخصوص نمازهای جماعت و جمعه باید بیافرینند تعارض دارد. ما می‌گوئیم آیا حق و باطلی روشن‌تر و صریح‌تر و قطعی‌تر از جبهه علی (ع) و معاویه سراغ دارید؟ آیا علی (ع) بیارانش اجازه داد که حتی دشمنانش را سب کنند و جو دروغ و تهمت را حاکم سازند؟ یا برعکس علی (ع) این رویه معاویه بود که در مساجد شام، در مسجد دمشق مردم را به سب و لعن علیه علی (ع) و یارانش وادار می‌ساخت، با تحریک و دروغ و تهمت علیه آنان جو سازی میکرد؟ آیا این ایراد و انتقاد، از روند خطبه‌ها و پیش خطبه‌های نماز جمعه توهین به نمازگذاران است؟

## ۲۸ - خدمات و اشتباهات دولت موقت

برخی از دولتمردان معترض به نامه سرگشاده، ایراد گرفته‌اند که چرا ما فقط به بیان انتقادات و ضعفها و نواقص پرداخته‌ایم و کارهای مثبت یا موفقیت‌های دولتمردان را ذکر نکرده‌ایم.

البته ما قبلاً گفتیم که هدف از نامه سرگشاده، نه ارزیابی دستاوردهای انقلاب بوده و نه رسیدگی به کارنامه دولت و اگر قرار باشد که چنین کاری صورت گیرد منطقی هم آن است که تمامی کارهای مثبت و منفی، خیر و شر، خوب و بد، ضعف و قوت همه با هم بررسی شده و معرفی شوند.

اما سؤال ما از معترضین این است که آیا شما که چنین ایرادی

بما گرفتید هرگز خود بآنچه می‌گویید عمل کرده‌اید؟ لم تقولون ما لا تفعلون! آیا شما که بکرات بدولت موقت و نهضت آزادی تاخته‌اید، هرگز یکبار هم شد که برای نمونه به خدمات آنان به ایران و اسلام، چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب اشاره‌ای هم بکنید؟

اعضای دولت موقت و نهضت آزادی هیچگاه ادعا نکرده‌اند که اعمالشان خالی از اشتباه بوده است. اما آیا بنظر مخالفین و معترضین ما، نهضت آزادی و یا دولت موقت هیچ خدمتی هم به اسلام و ایران و انقلاب و جمهوری اسلامی انجام نداده‌اند که مستحق یادآوری از آن باشد؟

برخی از معترضین مدعی شده‌اند که:

"... دولت موقتی که ۹ ماه دولت موقت بود و خدا میداند چه جنایتی به ایران کرد" (۴)

و یا اینکه:

"مگر شما نبودید که داشتید انقلاب را منحرف میکردید و یک خیانتی به تاریخ می‌نمودید" (۳)

"هیچ گلی به سر این ملت نزدید و بجای خدمت آنهمه خیانت کردید" (۵)

و نظائر اینها.

آیا واقعا دولت موقت جز خیانت و جنایت کار دیگری نکرده است؟

آنها که معتقدند اسلامشان ناب و اصیل است و از متن شریعت و فقه برخاسته است و تلاش دارند تا فرهنگ اسلامی بر تمامی روابط اجتماعی و سیاسی حاکم گردد نباید خود به آنچه دیگران را بدان دعوت می‌کنند عمل نمایند؟ تا مبادا مشمول آیه شریفه: "لم تقولون ما لا تفعلون" شوند؟

رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، وقتی استعفای دولت

موقت را پذیرفتند در پاسخ به شورای انقلاب چنین مرقوم داشتند:  
"ضمن قدردانی از زحمات و خدمات طاقت فرمای  
ایشان در دوره انتقال و با اعتماد به دیانت و امانت  
و حسن نیت مشارالیه استعفا را قبول نمودم" (۲۳)

آیا بهتر نیست به رویه امام تاءسی جویند و اگر هم خود را ملزم  
می‌بینند در پاسخ به نامه سرگشاده نهضت آزادی، پای اشتباهات دولت  
موقت را هم به میان بکشند، انصاف داشته باشند و با تاسی از امام  
اشاره‌ای هم به خدمات و زحمات در آن مرحله حساس تاریخ کشورمان  
بکنند. که آن به صداقت اسلامی نزدیک‌تر است و اگر خدا بخواهد  
اثر سخن صادقانه هم این باشد که دیگران نیز در موقع قضاوت درباره  
اعمال شما همین رویه منطقی و اسلامی را اتخاذ نمایند.

در اینجا بعنوان نمونه به فهرست بعضی از کارهای انجام شده  
در زمان دولت موقت اشاره میکنیم:

در امور خارجی و قطع وابستگی به قدرتهای بزرگ و امپریالیست

- ۱ - قطع رابطه سیاسی و اقتصادی با دولت صهیونیستی اسرائیل.
- ۲ - قطع رابطه با دولت نژاد پرست افریقای جنوبی.
- ۳ - قطع رابطه سیاسی با دولت مصر، کارگزار امپریالیزم در  
خاور میانه.

۴ - برقراری روابط سیاسی با دولت کوبا و برسمیت شناختن  
دولت آنگولا.

- ۵ - خلع ید کامل از کنسرسیوم نفت و اخراج کارمندان خارجی.
- ۶ - اخراج مستشاران نظامی آمریکا.
- ۷ - خارج شدن از سازمان پیمان مرکزی (سنتو).
- ۸ - برچیدن پایگاههای جاسوسی استراق سمع آمریکا.
- ۹ - بلا موضوع اعلام کردن فصول ۵ و ۶ قرارداد ۱۹۲۱ با شوروی.
- ۱۰ - لغو قراردادهای نظامی ایران و آمریکا ۱۹۵۹.

۱۱ - ورود ایران به سازمان کشورهای غیر متعهد جهان .

۱۲ - لغو کاپیتولاسیون و دهها کار ارزنده دیگر .

### در امور داخلی

۱۳ - بانکها را که خون ملت را می‌مکیدند ملی کرد .

۱۴ - صنایع بزرگ وابسته را ملی کرد .

۱۵ - شرکت‌های بیمه را ملی کرد .

۱۶ - جهاد سازندگی را آغاز نمود .

۱۷ - صندوق ملی ترمیم خسارات دوران انقلاب را تاسیس کرد

و این صندوق خسارات بیش از هزار خانواده خسارت دیده و قربانی داده را جبران کرده است .

۱۸ - مالکیت زمینهای موات شهری را لغو کرد و به بورس بازی

زمین پایان داد .

۱۹ - از تاراج ذخائر نفتی جلوگیری کرد و استخراج بی‌رویه

آنها کاهش داد .

۲۰ - تعطیلات کارمندی و کارگری را یکسان کرد و تبعیضات را

از بین برد .

۲۱ - ساختن هزاران کیلومتر راه را آغاز کرد و پیش برد .

۲۲ - برگزاری رفراندوم تغییر رژیم به جمهوری اسلامی .

۲۳ - برگزاری انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی .

۲۴ - برگزاری رفراندوم قانون اساسی .

۲۵ - بالا بردن حجم صادرات کالاهای داخلی .

۲۶ - تقلیل حجم واردات کالای مصرفی .

۲۷ - تاسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران .

و صدها کار دیگر مانند فسخ قراردادهای نیروگاههای اتمی ، لغو

قراردادهای خرید جنگ افزارهای آمریکائی ، قطع رابطه پول ایران با

دلار، اخراج کارمندان خارجی و مستشاران نظامی، بازنشسته کردن امرای مشکوک نیروهای سه‌گانه در حدود ۱۵۰۰ نفر، تعطیل مراکز فساد، اختصاص یک روز درآمد نفت برای عمران هر یک از استانها عادل ۴۰۰ میلیون تومان، ممنوعیت ورود اتومبیلهای خارجی، بخشودگی مالیات حقوق تا ۳۰۰۰ تومان، اختصاص ۲ میلیارد تومان برای تامین مسکن و ...

تصمیمات و اعمال نخست وزیر و بطورکلی وزراء دولت موقت متاثر از بینش خاص آنان نسبت به انقلاب اسلامی ایران و شناختشان از انقلاب " اسلام " بوسیله حضرت محمد (ص) و علی (ع) و بر اساس قرآن بود. ویژگیهای مهم این بینش از انقلاب اسلامی اینگونه است:

- ۱ - دوستی، برادری و همکاری، بجای نفرت، انتقام، برادرکشی، خصومت و تضاد، بین ملت مسلمان.

- ۲ - رحمت و مهربانی و ایثار و وحدت.

- ۳ - حیثیت دادن به مردم و خروج از اسارت دولت زر و زور.

- ۴ - آزادی، حق طلبی و مخالفت با دیکتاتوری و سلطه خارجی و داخلی.

- ۵ - علاوه بر شعار، کار و عمل.

- ۶ - تحول درونی و اخلاقی: جهاد اکبر.

- ۷ - حرکت مستمر و مستقیم و بر اساس صبر و تقوی در جهت ساختن جامعه نمونه " اسوه ".

- ۸ - جهاد سازندگی در کلیه ابعاد آن (عمل صالح).

- ۹ - فراهم ساختن امکانات آموزشی در کلیه سطوح بطور مساوی برای همه مردم.

- ۱۰ - توزیع قدرت سیاسی در سراسر کشور برای اداره خود کفای مناطق و استانها در چارچوب وحدت ملت و امت.

- ۱۱ - تقسیم و توزیع عادلانه ثروت و درآمد بین مردم طبق



موازین شرعی و معیارهای اسلامی نه هرج و مرج .  
۱۲ - و بالاخره نفی ظلم ، کفر ، شرک و فساد و زدودن آثار استبداد ،  
استعمار و استثمار در کلیه ابعاد آن .

#### ۲۹ - محکومیت مشی براندازی

برخی از معترضین و مخالفین نهضت آزادی ، اصرار دارند که  
بهر ترتیبی و لسو با هزار من سریشم نهضت آزادی را جزو گروه‌های  
ضد انقلاب ، ضد اسلام ، ضد دین ، ضد جمهوری اسلامی ... قلمداد  
نمایند . و مدعی شده‌اند که :

" نهضت آزادی نیز یکی از زمینه سازان کودتاست ...  
کارهای تروریستی را با قلم تائید و تشویق کردند " (۱۱)  
" لاشخورهای داخلی که برای خود سوابق مبارزاتی  
هم قائل هستند به حرکت درآمده و انگشت روی  
نقاط ضعف میگذارند و به جریان شرکت آلودی که از  
طریق تبلیغات علیه انقلاب اسلامی براه انداخته  
است کمک میکنند " (۵)

" ... مردم شما را خوب میشناسند و گذشته شما  
فراموش نخواهد شد . نمی‌توانید با انتشار نشریات  
ضد و نقیض از سوئی به اسلام و انقلاب اسلامی و  
خط امام و آقای رفسنجانی اهانت و فحاشی کنید " (۲)  
" باید بگویم نهضت آزادی با کمال بیشرمی دوباره  
با قلم و بیان مسموم بسوی امام و جمهوری اسلامی  
اسلحه کشیده " (۲۵)

این برجسب‌های ناچسب به نهضت آزادی نمی‌چسبند .  
نهضت آزادی ایران بارها و بکرات رسالت خود را در مورد حفظ  
انقلاب و جمهوری اسلامی و پاسداری از قانون اساسی آن و مخالفت

با مشی براندازی را اعلام کرده است.

قطعه‌نامه مصوبه کنگره چهارم (شهید چمران) نهضت آزادی تحت  
عنوان:

اعتقاد به انقلاب اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری و قانون  
اساسی مقرر می‌دارد:

"نهضت آزادی ایران بر اساس اعتقاد به جهان  
بینی توحیدی و اندیشه اسلامی به انقلاب اسلامی  
ایران عشق می‌ورزد و بعنوان بخشی از اقیانوس بیکران  
ملت خود را در رشد و پیروزی این انقلاب عظیم  
سهیم میدانند و حفظ و تداوم انقلاب و جلوگیری از  
انحراف و انهدام آنرا از وظائف اصلی می‌شمارد..." (۲۴)

هم چنین در بند ششم قطعه‌نامه تصریح شده است که:

"نهضت آزادی ایران توطئه‌ها و تلاشهای مذبحانه  
و خائنانه را بهر شکلی و بهر اسمی از جانب هر  
فرد و یا گروهی که باشد محکوم نموده و آنرا در  
جهت منافع دشمنان انقلاب و سیاستهای تجاوزکارانه  
خارجی میدانند." (۲۴)

بعلاوه در بند نهم قطعه‌نامه آمده است که:

"نهضت آزادی ایران افکار انحرافی و التقاطی احزاب  
و جمعیت‌ها و سازمانهای را که برخلاف اصالت  
اسلام آلودگی و شرک را در آن وارد نموده‌اند، و  
یا مشی براندازی جمهوری ایران را اتخاذ کرده‌اند  
مطرود و محکوم می‌نماید." (۲۴)

علاوه بر قطعه‌نامه، و خط مشی مصوبه، بیانیه‌های مکرر نهضت  
در مناسبتهای مختلف بر این امر تکیه داشته است.  
تنها دشمنان انقلاب اسلامی ایران از این اتهامات بی‌اساس سود

میبرند و خوشحال خواهند شد.

### ۳۰- سئوالات بدون جواب

در نامه سرگشاده ما سئوالات و اعتراضات و ایراداتی را هم مطرح کرده بودیم که مخالفین نهضت آزادی و معترضین ما نه تنها به آنها جوابی ندادند حتی کمترین اشاره‌ای هم نکردند. ما در آن نامه پرسیده‌ایم (حق سؤال که داریم): قانون اساسی که مجلس خبرگان آنرا تصویب کرده، و بیش از ۹۹ درصد آرا اخذ شده ملت آنرا تایید و تصویب کرده است و امام آنرا معادل اسلام و محصول فقهای عظام و واجب‌الرعايه دانسته‌اند چرا تماما اجرا نمیشود؟ چرا اصول مصرحه در قانون اساسی از جمله حقوق ملت، آزادی نشریات، مطبوعات، احزاب جمعیت‌ها، تشکیل اجتماعات و راه پیمایشی‌ها و ممنوعیت بازرسی مراسلات و مکالمات و تجسس و ... اصل براءت، ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت و اشاعه اکاذیب و تفتیش عقاید، همه باین زودی و باین سرعت فراموش شده‌اند؟

آیا جواب این سؤال ساده باید اینهمه تهمت و افترا باشد؟  
ما پرسیده‌ایم که چرا قراردادهای خارجی به تصویب مجلس نرسیده‌اند؟

اگر قرارداد با کشورهای خارجی، از جمله ترکیه و پاکستان، یا سوریه، لیبی ... در حد اختیارات دولت است و نیازی به تصویب مجلس ندارد، چرا برای تصویب به مجلس بردید؟ و اگر تشخیص دادید که باید در مجلس بحث و تصویب شود، چرا قبل از تصویب آنرا بمرحله اجرا درآوردید؟

ما می‌گوئیم، قرارداد ۲ میلیارد دلاری با دولت ترکیه که به تعبیر آقای موسوی نخست وزیر و سردهیر سابق روزنامه جمهوری "زنگنه‌های آمریکا" در آن کودتا کرده‌اند برفع مملکت نیست ما می‌گوئیم

قرارداد منعقدہ با آمریکا (معروف به بیانہ الجزایر) خلاف قانون اساسی و خلاف مصلحت کشور و بہ ضرر ایران بودہ است. آیا جزای این حرف ما تہمت و افترا است؟

پاسخ باین ایرادات ما، ناسزاگوئی نیست. وقتی مردم می بینند کہ مسئولان امور بجای پاسخگوئی و ادای توضیحات، بہ تہمت زدن و اشاعہ اکاذیب می پردازند بیشتر نگران میشوند و از خود می پرسند چرا بجای پاسخگوئی اینہمہ جنجال و سرو صدا ایجاد می کنند. شک و تردیدشان بیشتر می گردد.

مردم می پرسند براستی اگر مسئولان امور از بیان حقایق ترس و واہمہای ندارند، چرا در برابریک نامہ ۶ صفحہای کہ حداکثر برای چند ہزار خوانندہ در سراسر ایران توزیع شدہ بود، دہہا نفر، صدہا ساعت وقت در مجلس، در روزنامہها، در صدا و سیما برای سرکوب نہضت آزادی کہ جسارت کردہ است و این انتقادات را مطرح ساختہ و در جاہہ اسلامی امر بمعروف و نہی از منکر کردہ است، صرف نمودہ اند؟  
براستی مردم می پرسند چرا؟

ہم میہنان عزیز

برادران و خواہران مسلمان

مطالعہ آنچه گذشت نشانگر واقعیت تلخی است کہ چگونه تذکرات خصوصی برخی از نمایندگان بہ رئیس مجلس از تربیون نماز جمعہ پخش میشود و پاسخ آنان در نامہای سرگشادہ ولی با توزیع محدود چنان غوغائی می آفریند کہ گوئی ارکان جمہوری مورد تہدید قرار گرفتہ است.

ہمانطوری کہ قبلا گفتیم منظور نہضت آزادی ایران از نگارش و انتشار این نامہ نہ ارزیابی کارنامہ انقلاب و نہ بزرگ کردن نارسائی های موجود بود. ہدف آن بود کہ از یکطرف تبلیغ رسالتی را کہ از طرف مردم بعہدہ گرفتہ ایم بنمائیم و نارضائیها و شکایات آنان را منعکس

کنیم . اگر نمیکردیم نگران آن بودیم که "ما بلغت رسالته" و از طرف دیگر فرمان الهی "فذكران الذکری تنفع المؤمنین" را بکار بسته و بدست- اندرکاران سیاست کشور تذکرات لازم را بدهیم .

بنظر ما نامه نهضت تا اندازه‌ای هر دو منظور را عملی ساخت آثار توجه دولتمردان به درد دل‌های مردم در کوچه و خیابان ، رادیو و تلویزیون ، سخنرانیها و روزنامه‌ها بچشم میخورند . اگر دست اندرکاران هم نتوانند این ناراضائی‌ها را برطرف سازند ، لاقلاً ، با ذکر آنها بر زخمهای ناراضیان مرهمی می‌نهند . از طرف دیگر ، بسیاری از برادران در خلوت و جلوت از تذکرات ما اظهار خشنودی و رضایت می‌نمایند . اگرچه رضایت مردم و رای و نظر آنان همانطور که رهبر انقلاب گفته‌اند میزان است ولی بالاتر از آن ، رضایت ذات مقدس باری تعالی و انجام وظیفه امر بمعروف و نهی از منکر است که ما را بانجام چنین کاری واداشت و تکیه بر گفتار الهی "انا کفیناک المستهزئین" \* است که ما را به ادامه در راه این دو وظیفه پشت گرمی میدهد .

ما در اینجا اعلام میکنیم که علیرغم جوسازیها ، تهمت زنی‌ها و فشارها در آینده نیز باین وظیفه اسلامی خود عمل خواهیم کرد و در عین حال خواهیم کوشید انتقاداتمان سازنده ، لحن سخنانمان برادرانه و نهی از منکرمان رئوفانه و رفتارمان اسلامی باشد . که تنها پس از انجام این دو وظیفه است که دعای ما برای اصلاح جامعه مستجاب میشود و فتنه و فساد از جامعه رخت برمی‌بندد .

در اینجا لازم میدانیم از آنانکه ما را در انجام این وظیفه تشویق نموده و یا با تذکرات برادرانه خود کوشیده‌اند نواقص نامه را بما گوشزد کنند مجدداً سپاسگزارى کنیم و بآنانکه با ما همدردند ولی از بیم تعجیل اجل و یا تنگی معیشت لب فرو بسته‌اند سخن مولای متقیان

• همانا ما ترا از شر تمسخر و استهزا کنندگان محفوظ می‌داریم ،  
سوره الحجر آیه ۹۵ .

علی (ع) را بیاد بیاوریم که " ان الامر بالمعروف والنهی لایقربان من اجل ولا ینقصان من رزق " \* و بالاخره به برادرانی که اداره امور جامعه را بعهده گرفته و نگران آنند که تذکرات ما، خدای نخواستہ وقفہای در سازندگی و نکستی در اصلاح امور ایجاد کند سخن امام باقر (ع) را یادآور شویم که: " ان الامر بالمعروف والنهی عن المنکر سبیل الانبیا و منهاج الصالحا فریضه عظیمه بها تقام الفرائض و تامن المذاهب و تحل المکاسب و ترد المظالم و تعمر الارض و ینتصف من الاعدا و یتستقیم الامر " \*\* همانا امر بمعروف و نهی از منکر، راه پیامبران و روش صالحان و فریضه عظیمی است که سایر فرائض به آن بستگی داشته و بوسیله آن، راهها امن، کسبها حلال میشود و رد مظالم میگردد و حقوق غصب شده مسترد میشود و زمین آباد میگردد، و از دشمنان منصفانه دادستانده می شود و کارها درست و امور اصلاح میگردد. ربنا آتنا من لدنک رحمه و هب لنا من امرنا رشدا. \*\*\*

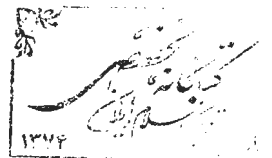
نهضت آزادی ایران

آبان ۶۱

\* - مسلما امر به معروف و نهی از منکر نه اجلی را نزدیک می کند و نه از روزی میکاهد.

\*\* - همانا امر بمعروف و نهی از منکر، راه پیامبران و روش شیوه صالحان است و فریضه عظیمی است که سایر فرائض به آن، بستگی داشته و بوسیله آن راهها امن و کسبها حلال می شود و رد ظالم می شود و حقوق غصب شده مسترد میگردد و زمین (جهان) آباد می شود و از دشمنان دادستانده می شود (منصفانه انتقام گرفته می شود) و کارها راست و درست و امور اصلاح میشود.

\*\*\* - بارالها تو در حق ما بلطف خاص خود رحمتی عطا فرما و بر ما وسیله رشد و هدایت کامل مهیا ساز، سوره کهف آیه ۱۰.



### فهرست مآخذ:

- ۱ - حجت‌الاسلام آقای ناطق نوری - وزیر کشور - سخنرانی در دفتر حزب جمهوری اسلامی در مشهد ۶/۷/۶۱ بمناسبت عید قریان - پخش گسترده از شبکه صدا و سیما خراسان و پیش خطبه نماز جمعه ۱۵ آبانماه ۶۱ تهران.
- ۲ - حجت‌الاسلام آقای موحدی ساوجی - سخنرانی قبل از دستور در مجلس شورای اسلامی - سه شنبه ۱۳ مهر ماه ۶۱ - پخش از صدا و سیما - چاپ در کیهان - اطلاعات - جمهوری اسلامی - صبح آزادگان.
- ۳ - حجت‌الاسلام آقای کروی - پیش خطبه نماز جمعه تهران، ۱۶/۷/۶۱ پخش وسیع و مکرر از صدا و سیما - چاپ در کیهان - اطلاعات - جمهوری اسلامی - صبح آزادگان.
- ۴ - آیت‌الله مشکینی - خطبه نماز جمعه قم - جمعه ۱۶ مهر ماه ۶۱ - پخش وسیع از صدا و سیما - چاپ در کیهان - اطلاعات جمهوری اسلامی - صبح آزادگان.
- ۵ - روزنامه جمهوری اسلامی - ارگان حزب جمهوری اسلامی سرمقاله "اقتضای زمان" ۱۷ مهرماه ۶۱ و سرمقاله "جبهه جدید" یکشنبه ۲۵ مهرماه ۶۱.
- ۶ - روزنامه صبح آزادگان سرمقاله "چه می‌گویند" ۱۷/۷/۶۱.
- ۷ - آقای کمال عابدینی‌زاده - سخن قبل از دستور مجلس شورای اسلامی یکشنبه ۱۸ مهرماه ۶۱ - پخش مستقیم از رادیو - چاپ و انتشار در کیهان - اطلاعات جمهوری اسلامی - صبح آزادگان - ماهنامه شاهد.
- ۸ - حجت‌الاسلام آقای صادق خلخالی - سخن قبل از دستور

- مجلس شورای اسلامی یکشنبه ۱۸ و یکشنبه ۲۵ مهرماه ۶۱ - پخش  
مستقیم از رادیو - چاپ و انتشار در کیهان - اطلاعات - جمهوری  
اسلامی - صبح آزادگان .
- ۹ - حجت الاسلام آقای هاشم حجازی - سخن قبل از دستور  
در مجلس شورای اسلامی - سه شنبه ۲۰ مهرماه ۶۱ - پخش مستقیم  
از رادیو - چاپ در کیهان - اطلاعات - صبح آزادگان - جمهوری اسلامی .
- ۱۰ - حجت الاسلام آقای احمد زمانیان - سخن قبل از دستور  
در مجلس شورای اسلامی ۵ شنبه ۲۲ مهرماه ۶۱ - پخش مستقیم از  
رادیو - چاپ و انتشار در کیهان - اطلاعات - جمهوری اسلامی - صبح  
آزادگان .
- ۱۱ - آقای محمد رشیدیان - سخن قبل از دستور در مجلس  
شورای اسلامی ، پخش مستقیم از رادیو - چاپ در کیهان - اطلاعات  
جمهوری اسلامی - صبح آزادگان .
- ۱۲ - آقای نورالدین کیانوری - دبیر اول حزب توده ایران  
نشریه "پرسش و پاسخ" شماره‌های ۱۷ مهرماه و اول آبان ماه ۶۱ .
- ۱۳ - حجت الاسلام آقای حاج احمد خمینی - مصاحبه با مجله  
شاهد - ۱۵ آبانماه ۶۱ و روزنامه اطلاعات ۱۸ آبانماه ۶۱ .
- ۱۴ - حجت الاسلام آقای جعفر شجونی - آقای فخرالدین حجازی -  
نامه "جناب آقای مهندس بازرگان نخست وزیر محترم ایران"  
اطلاعات ۲۱ مرداد ۵۸ .
- ۱۵ - علامه شهید مرتضی مطهری - "نهضت‌های اسلامی در صد  
ساله اخیر" چاپ نشر عصر قم - ۵۷/۴/۳۰ .
- ۱۶ - "بررسی و تحلیل از نهضت امام خمینی" بقلم س . ح .  
ر - انتشارات دارالفکر - قم .
- ۱۷ - آقای محمد کیاوش - نطق قبل از دستور مجلس شورای  
اسلامی - ۷ شهریور ۶۱ - پخش از رادیو - چاپ در کیهان - اطلاعات -



جمهوری اسلامی - صبح آزادگان .

۱۸ - حجت‌الاسلام آقای علی دوانی - نهضت روحانیون ایران

جلد سوم - انتشارات بنیاد فرهنگی امام رضا (ع) .

۱۹ - به‌گزارشات و اسناد سفرهای بزرگ به ایران و خاطرات سولیوان رجوع کنید .

۲۰ - مجله "گنج شایگان" سر مقاله شماره ۵ - مهرماه ۱۳۳۲ .

۲۱ - استاد نهضت آزادی ایران - جلد اول جریان تاسیس و

بیانیه‌ها ۱۳۴۰ - ۱۳۴۴ .

۲۲ - تفسیر المیزان - علامه طباطبائی - ترجمه فارسی جلد

چهارم .

۲۳ - سیمای دولت موقت در پنج سند از ولادت تا رحلت -

انتشارات نهضت آزادی ۶۰/۱۱/۲۸ .

۲۴ - قطعه‌نامه نهضت آزادی ایران مصوب آبان‌ماه ۱۳۶۰ - کنگره

سردار شهید اسلام دکتر چمران انتشارات نهضت آزادی ایران

۶۰/۹/۱ .

۲۵ - آقای محمد فروغی - نطق قبل از دستور مجلس شورای اسلامی

۲۴ آبان‌ماه ۶۱ - پخش از رادیو و چاپ در کیهان‌اطلاعات، جمهوری

اسلامی صبح آزادگان .